

سالیت و عقیقه شوال ۱۴۰۵

ماهنامه علمی-تخصصی

مبلغان

رجب الاول ۱۴۴۴ هـ - شهریور و مرداد ۱۴۰۵

راهی به سوی خورشید

حجاب و عفاف در کلام ولایت (۱)

نکته هایی از زیارت نامه رسول خدا ﷺ

دواصل «هم سان همسری» و «غیرت ورزی»

اندیشه های تفسیری امام حسن عسکری علیه السلام

نکاتی درس آموز در هجرت نبوی صلی الله علیه و آله

شهید رئیسی، سیاست مدار تراز (۱)

تحلیل مسائل سیاسی

مذهب جعفری



بِحکم الله حاکمنا
و اجمعوا برین و لا یفرقوا

معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه های علمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبائِهِ
فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا
وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»

ماهنامه علمی - تخصصی

مبلغان

سال بیست و ششم

شماره ۳۰۵ / ربیع الأول ۱۴۴۶ ق



معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه های علمیه

مدیریت هنر و تبلیغ نوین

ماهنامه علمی - تخصصی

مبلغان

سال بیست و ششم / شماره ۳۰۵ / ربیع الأول ۱۴۴۶ ق

صاحب امتیاز: معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه
مدیرمسئول: حسین ملانوری
سردبیر: محمد علی قربانی

هیأت تحریریه:

محمد حسن نبوی، حسین ملانوری، محمد غلامرضائی، محمد استوار میمندی، محمد علی قربانی، محمود مقدمی، محمود مهدی‌پور، محمد مهدی ماندگاری، محمد اسماعیل نوری زنجانی، سید جواد حسینی، محمد کهنوند، عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی، ابوالفضل هادی‌منش، حجت‌الله بیات، داودرجی‌نیا، علی ملکوتی‌نیا، علیرضا زنگویی، محمد باقر نادم، مرتضی غریسبان روزبهانی و حامد عبداللہی.

دبیر مقالات: مجید خلیلی

امور اجرایی و مشترکین: مهدی آقابایی
امور رهنری: علی اسماعیلی
چاپخانه: گل‌وردی / قم
تیراژ: ۲۵۰۰ نسخه

یادآوری:

- * مطالب ماهنامه «مبلغان» ویژه تبلیغ و مبلغان است.
- * مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسندگان است.
- * حجم مقالات از ۱۰ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای فراتر نرود.
- * مقالات همه نویسندگان به شرط برخورداری از موازین تبلیغی و پژوهشی، منتشر می‌شود.
- * نقل مقالات با ذکر مأخذ مجاز است.
- * ماهنامه «مبلغان» در تلخیص و ویرایش مقالات و نوشته‌ها آزاد است.

قیمت: ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال

نشانی: **قم، جمران، بلوار انتظار، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، معاونت تبلیغ و امور فرهنگی**

تلفن: (داخلی ۴۶۳) ۳۷۲۵۵۸۹۰ (۰۲۵)

MOBALLEGHAN@ISMS.IR

<https://MOBALLEGHAN.ISMS.IR>

پست الکترونیک:

سامانه دریافت مقالات:

فهرست مطالب

سرمقاله

راهی به سوی خورشید

۵ ✍ محمود مهدی پور

تاریخ و سیره اهل بیت علیهم السلام

نکته‌هایی از زیارت‌نامه رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱۲ ✍ محمد اسماعیل نوری زنجانی

اندیشه‌های تفسیری امام حسن عسکری علیه السلام

۲۱ ✍ عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی

نکاتی درس آموز در هجرت نبوی صلی الله علیه و آله

۳۴ ✍ عبدالله تبریزی

سوژه سخن

«مذهب جعفری»

۴۳ ✍ سید جواد حسینی

بوی خوش بهشتی

۵۱ ✍ حسین تربتی

سخنرانی مکتوب

دو اصل «هم‌سان همسری» و «غیرت‌ورزی»

۶۱ ✍ عبدالحسین خسروپناه

سیاست و اجتماع

حجاب و عفاف در کلام ولایت (۱)

۷۰ ✍ محمد حسین بخشیان

تحلیل مسائل سیاسی روز جامعه

۷۹ ✍ مرتضی غریبان روزبهانی

شهید رئیسی، سیاست‌مدار تراز (۱)

۸۷ ✍ ابومصطفی اسماعیل زاده

گوناگون

پرسش‌نامه

۹۷ ✍ ماهنامه مبلمان / شماره ۳۰۵



رهنمود ولایت

با روحیه جهادی می‌شود کوه‌های مشکل را از جا کند. کار جهادی یعنی چه؟ یعنی خستگی‌ناپذیری، بی‌مزد و بی‌منت کار کردن، هدف را انجام وظیفه انسانی و خدایی قرار دادن، و پیش رفتن؛ این کار جهادی است. البته چهارچوب‌های قانونی و اداری وجود دارد، باید رعایت بشود، اما کار جهادی، کیفیت است، نوع کار است. صد درصد کار قانونی می‌شود انجام داد، به صورت جهادی و به غیر صورت جهادی؛ خیلی‌ها هستند ظاهر قانون را رعایت می‌کنند، اما کار پیش نمی‌رود، کار انجام نمی‌گیرد.

بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در مراسم تنفیذ حکم چهاردهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران؛

مورخ: ۱۴۰۳/۰۵/۰۷



سرمقاله

راهی به سوی خورشید

محمود مهدی پور

پیامبران سخن‌گوی خدا در نظام آفرینش هستند؛ حضور در محضر آنان و زیارت ایشان، مرور زیارت‌نامه‌های آنان ودقت در القاب و اوصاف پیامبران در قرآن و سخنان معصومین علیهم‌السلام بهترین راه پیامبرشناسی است.

پیامبران عموماً و به‌ویژه رسول اعظم الهی، بندگان خدا، داعیان به سوی خدا، برگزیدگان خدا، حاملان پیام الهی، گنجینه‌داران حکمت و رحمت خدا، حبیب و خلیل و عاشقان راستین خدا هستند.

انسان بدون شناخت، ارتباط و ایمان به سلسله پیام‌آوران الهی برای پرسش‌های بنیادی پاسخی ندارد و نمی‌داند از کجا آمده و به کجا می‌رود.

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا﴾^(۱)

شناخت پیامبران الهی، یکی از ضروری‌ترین نیازهای زندگی بشر است. بدون معرفت انبیاء شناخت «مبدأ» و «مقصد» و راه زندگی امکان‌پذیر نیست.

انسان با کمک عقل و فطرت خویش در وجود خدای متعال شک و تردید ندارد،^(۲) ولی شناخت صفات جمال و جلال الهی و نظام تکوین و تشریح او به کمک وحی و راهنمایی پیامبران و اولیای خدا مقدور است.

اصولاً چه کسی بهتر از خدا و پیامبرانش او را به دیگران معرفی می‌کند.

۱. احزاب / ۴۵ و ۴۶.

۲. ﴿أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾؛ ابراهیم / ۱۰.

بی‌شک دینداری بدون شناخت نمایندگان خدا در جهان ممکن نیست. امامان عترت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ جانشینان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نماینده خدا در نظام هستی است.

نقطه شروع دینداری «خداشناسی» است و نقطه کمال دینداری شناخت ولی و حجّت خداست. معرفت دینی با خداشناسی آغاز می‌شود ولی اجرای احکام الهی با شناخت اولیاء و حجّت الهی سامان می‌پذیرد.

پیام‌آوران الهی از یک سو معارف آسمانی را به انسان هدیه می‌کنند، از سوی دیگر به اجرای احکام دینی در جان و جامعه می‌اندیشند و نظام امامت را معرفی می‌کنند.

در یک تعریف ساده، حفظ اسلام و اصلاح جامعه بشری به چهارشناخت وابسته است:

۱. خداشناسی؛
۲. پیامبرشناسی؛
۳. امام‌شناسی؛
۴. دین‌شناسی.

و برای چه آمده و چه وظایفی دارد؟ نه راه زندگی انسانی را می‌شناسد، نه مبدأ پیدایش و پرورش خویش را می‌شناسد، نه وظیفه خویش را در جهان تشخیص می‌دهد. و در یک سخن بدون ارتباط با پیام‌آوران الهی نه عقل انسان قانع می‌گردد و نه قلب بشر آرام می‌گیرد.

معرفت پیامبران و معارف آنان کلید باغ معرفت و چراغ راه زندگی برتر است. دردعای معروفی که محدّث بزرگ شیعه شیخ کلینی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل کرده چنین آمده است: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَبِيَّكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْهُ قَطُّ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي؛^(۱)

خدایا خود را به من بشناسان، زیرا اگر تو خود را به من نشناسانی من تو را نشناسم، بار خدایا پیغمبرت را به من بشناسان، زیرا اگر تو پیغمبر خود را به من نشناسانی من هرگز او را نشناسم، بار خدایا حجت خود را به من بشناسان، زیرا اگر تو حجت خود را به من نشناسانی من از دینم گمراه شوم».

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۴۲.

حال باید دید دست‌یابی به این چهارگوهر معرفتی چگونه امکان‌پذیر است. حرکت تکاملی انسان با عقل و فطرت آغاز می‌شود و دین‌شناسی با پیامبرشناسی و امام‌شناسی کامل می‌گردد. معادشناسی ضامن اجرای قوانین دین و عالی‌ترین چشم‌انداز آینده‌پژوهی انسان‌هاست.

دربارهٔ رسول گرامی اسلام چه می‌دانیم؟

امروزه اطلاعات اندک نسل جوان از تاریخ اسلام و رهبر آن، فاجعه‌ای بزرگ است که باید نسبت به آن هشدار داد. نجات امت و بشریت به میزان خداشناسی، پیامبرشناسی و امام‌شناسی بستگی دارد ولی باکمال تأسف در میدان پژوهش، آموزش و تبلیغ کاری که باید برای انتقال این معارف (عقاید، احکام و اخلاق) به امت اسلامی و جامعه بشری صورت گیرد، بسیار اندک است و در این زمینه قصور و تقصیرهای فراوانی دامن‌گیر امت اسلامی و به ویژه عالمان و حاکمان دنیای اسلام است.

شناخت و معرفی اندیشه‌های نبوی، اخلاق نبوی، اهداف و آرمان‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عموم انبیای الهی از وظایف همه بشریت و پیروان ادیان الهی و به ویژه امت بزرگ اسلامی است؛ که در بسیاری از ابعاد کاری بر زمین مانده و ناقص است. شناخت و ایمان به همهٔ انبیا و به ویژه خورشید پیامبران، نیاز همهٔ جهان است، ولی فرزندان هر شخصیت نسبت به شناخت پدر وظیفه‌ای سنگین‌تر دارند. شناخت ابعاد فراوان زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مانند:

- کارنامهٔ فرهنگی رسول خدا صلی الله علیه و آله؛
- شناخت سیاست‌ها و کارنامهٔ سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله در روابط خارجی؛
- کارنامهٔ تربیتی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله؛
- کارنامهٔ تبلیغی رسول رحمت الهی صلی الله علیه و آله؛
- کارنامهٔ جهادی و دفاعی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله؛
- کارنامه اقتصادی سفیر بزرگ خدا.
- کارنامه عبادی و عرفانی امین آسمان و زمین همه ضروری و آب حیات جامعهٔ بشری است. در معرفی کامل و جامع

درجات و مراحل شناخت پیامبران

شناخت اشخاص درجات و ابعاد گوناگون دارد و در مورد رسول گرامی اسلام ﷺ مراحل شناخت را می‌توان بدین شرح بیان کرد:

۱. شناخت شناسنامه‌ای و اطلاعات خانوادگی؛
۲. شناخت کارنامه‌ای و اقدامات اجتماعی؛
۳. شناخت برنامه‌ها؛
۴. شناخت مبانی اندیشه و اهداف و آرمان‌های نهایی.

گام اول در حدّ اطلاعات شناسنامه‌ای به عنوان کلید بازیابی دیگر آگاهی‌های ضروری و مفید است ولی شناخت در سه مرحله عالی‌تر یعنی شناخت کارنامه، برنامه و مبانی اندیشه‌ها و اهداف نهایی با هویت واقعی و ارزش‌های عالی انسانی یعنی آزادی، عدالت و اتحاد جهانی ارتباط دارد.

شناخت ما از رسول گرامی ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام در این مراحل بسیار اندک و غم‌انگیز است. معرفی رسول خدا ﷺ در

کارنامه پیشوای اول مسلمین کارهای ناتمام و ناقص فراوان است ولی هنوز معارف و انوار نبوی در هیچ‌کدام از سطوح پژوهشی، آموزش و کاربردی در دسترس فرزندان خود آن بزرگوار هم قرار نگرفته است تا چه رسد به نشر و تبیین آن برای دیگر ادیان و عموم بشریت محروم از رهنمودهای پیام‌آوران.

حداقل قدرشناسی از هر مصلح بزرگ، دانشور برجسته، مخترع، متفکر و چهره شاخص اجتماعی آن است که سخن او را بشنویم، با اهداف و آرمان‌هایش آشنا شویم، کارنامه و راه و روش پیشنهادی و اجرایی او را بدانیم و در زندگی از آن استفاده کنیم.

معرفت و معرفی پیامبر و سپاس‌گزاری از بزرگترین و آخرین نجات‌بخش جامعه بشری فریضه‌ای بزرگ، عقلانی و وحیانی است.

غفلت از وظیفه و شناخت، تحریف سیمای نبوی ﷺ را در پی دارد که ظلمی بزرگ بر بشریت و عامل محرومیت از سعادت جاودانه و زندگی عاقلانه است.

قالب سیره و کارنامه و اخلاق آن بزرگوار، تهیه و تدوین آثاری با معرفی برنامه‌ها و اقدامات هماهنگ آن بزرگوار، شناخت مبانی فکری و اهداف و اندیشه‌های رسول رحمت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مناسب با سطوح متفاوت اجتماعی نیاز امروز جامعه اسلامی و دیگر تشنگان معارف الهی است.

مبلغان گرامی با معرفی کتب، مجلات، مقالات، سایت‌ها، کانال‌ها و گروه‌های مورد اعتماد می‌توانند نسل جدید را با پیامبر آگاهی، آزادی و عرفان بیشتر آشنا سازند.

- تدوین سیمای پیامبر در قرآن از مطمئن‌ترین شیوه‌ها برای شناخت رسول اعظم الهی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

- شناخت پیامبر از راه گردآوری و تحلیل مجموعه احادیث و سخنان آن بزرگوار یک راه مطمئن برای دستیابی به اندیشه‌ها، آرمان‌ها، اخلاق، سیره و گفتار آن بزرگوار است.

- شناخت پیامبر گرامی در نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و مجموعه گفتار علوی راهی مناسب برای ترسیم سیمای نورانی و اخلاق و رفتار نبوی است.

- گردآوری و تحلیل گفتار تک تک معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام و بزرگان صحابه راهی دیگری سوی پیام‌شناسی است، راهی که در مجالس و محافل دینی و رسانه‌های عالم اسلام باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

- کتابخانه‌های دنیای اسلام در همه موضوعات به ویژه در زمینه شناخت رسول اعظم الهی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گوهر علم و داروی ایمان، اخلاق، عدالت، آزادی و آگاهی فراوانی دارد که باید به زبان‌های گوناگون و در همایش‌ها و سمینارهای مولودی‌خوانی و مسابقات فرهنگی مورد استفاده دانش آموزان و دانشوران و هر مرد و زن میهن بزرگ اسلامی قرار گیرد.

معرفی آثار ارزشمند

با توجه به ۱۷ ربیع المولود، ۱۰ کتاب ارزشمند در زمینه شناخت رسول مهربانی‌ها معرفی می‌گردد که شایسته است مبلغان گرامی نسل جوان و دیگر علاقمندان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را با آن آشنا کنند:

۱. حکمت‌نامه پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ (۱۶ جلد، تدوین آیه‌الله محمد محمدی ری‌شهری، گزیده این اثر در نرم‌افزار کتابخانه «قائمیه» وجود دارد)
۲. فروغ ابدیت؛ (دو جلد، این اثر که یک دوره تاریخ جامع زندگی نبوی است توسط مرجع عالیقدر حضرت آیه‌الله سبحانی تدوین شده و خلاصه آن به نام «فرازهایی از تاریخ اسلام» در اختیار اهل مطالعه و تحقیق قرار دارد)
۳. تاریخ پیامبر اسلام؛ (دکتر محمد ابراهیم آیتی از آثار تحقیقی مورد تأیید استاد شهید مطهری است)
۴. محمد پیامبری برای همیشه؛ (این کتاب حاصل چهار سخنرانی استاد حسن رحیم پورازغدی است که به شناخت عمیق‌تر اهداف و آرمان‌های پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کمک می‌کند.
۵. آنک آن یتیم نظر کرده؛ (کتابی از رضا رهگذریا همان محمدرضا سرشار است که از زمان تولد تا هجرت به حبشه را در قالب زیبای داستانی عرضه کرده و به زبان‌های عربی، انگلیسی، اردو و ترکی استانبولی ترجمه شده است)
۶. الصحيح من سيرة النبي الاعظم؛ (تالیف استاد جعفر مرتضی عاملی در دو قالب ۱۱ جلد تا پایان جنگ احزاب و در قالب ۳۵ جلد تا پایان رویداد سقیفه را در بردارد و خلاصه آن در دو جلد به فارسی منتشر شده است و از کتب برگزیده کتاب سال در جمهوری اسلامی است)
۷. پیامبرشناسی از دیدگاه قرآن کریم؛ (تالیف دکتر محمد بیستونی، اثری در ۳۸۴ صفحه به صورت متن آموزشی توسط انتشارات بیان جوان در قم منتشر شده است و در نرم‌افزار کتابخانه قائمیه قابل دستیابی است)
۸. درس‌های پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ (این اثر گزیده‌ای از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی آیه‌الله العظمی خامنه‌ای حَفِظَهُ اللهُ درباره شخصیت و بعثت نبی مکرم اسلام در ۲۸۰ صفحه است که در سال ۱۳۹۱ توسط دفتر حفظ و نشر آثار ایشان انتشار یافته و در نرم‌افزار «قائمیه» قابل مطالعه است)
۹. سنن النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ (این اثر حاوی ۵۰۱ نکته مستند درباره اخلاق، سیره و سنن نبوی است که حاصل تلاش علامه سید

به خورشید می‌کند و از انوار خورشید محمدی می‌گریزد ولی بشر همیشه به ایمان، عدالت، الفت، امنیت، سلامت، بیداری و بصیرت نیاز دارد.

شناخت الگوهایی همچون رسول خدا ﷺ و امام صادق علیه السلام می‌تواند بشر را به همه ارزش‌های معقول و مقبول جامعه بشری نزدیک کند. نعمت میلاد امام صادق علیه السلام و رسول اعظم ﷺ نوید تولد خورشید آرمان‌های بشری در زمین است. رسول اعظم ﷺ چشمه جوشان آب حیات جامعه بشری است و امام صادق علیه السلام درگسترش، آبرسانی و سقایت فرهنگی و نشراندیشه‌ها و احکام نبوی بزرگترین نقش را ایفا کرده است. شناخت رسول اکرم ﷺ و امام صادق علیه السلام و معرفی دقیق و عمیق سیره و سخنان پیامبر و اهل بیت علیهم السلام ضامن دستیابی به ایمان، الفت، عدالت و امنیت نه تنها در میان فرق اسلامی بلکه در جاهلیت مدرن حاکم بر جهان است.

محمد حسین طباطبایی رحمته الله علیه مؤلف کتاب «المیزان» و تکمیل و ترجمه محقق محترم محمد هادی فقهی است و بارها توسط کتاب‌فروشی اسلامیة تهران منتشر شده است)

۱۰. سیری در سیره نبوی؛ (این کتاب چند نوشتار و گفتار از استاد شهید مطهری است. استاد مطالب را در مناسبت‌های مربوط به پیامبر اکرم ﷺ قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ارائه کرده و توسط انتشار صدرا در قم منتشر شده و در مجموعه یادداشت‌های استاد، جلد نهم به ضمیمه دیگر یادداشت‌های مربوط به تاریخ و سیره نبوی آمده است.

یکی از خدمات ارزشمند و ماندگار مبلغان گرامی، معرفی و ارائه خلاصه‌ای از کتاب‌ها مناسب با مسائل روز است. در محافل و گردهمایی‌های هفده ربیع این گونه آثار می‌تواند محور و مدار گفتگوی علمی و فرهنگی قرار گیرد.

نقش خورشید در زندگی امروز

فرهنگ و تمدن دنیاگرایی غرب و صهیونیسم جهانی گرچه امروزگاهی پشت



نکته‌هایی از زیارت‌نامه رسول خدا ﷺ

محمد اسماعیل نوری زنجانی

اشاره

فضایل، کرامات، عبادات، اطاعات و خدمات آنان.

زیارت‌نامه‌هایی که برای اولیای الهی نقل شده است، به پنج نوع تقسیم می‌شوند:

۱. زیارت‌نامه‌های مخصوص به حرم و اطراف قبر مطهر آنان، مثل بالای سر، پایین پا و... که از نظر مکان مقیدند؛ ولی از نظر زمان مطلق هستند؛

۲. زیارت‌نامه‌های مخصوص به زمان‌های خاص، مثل زیارت‌نامه‌هایی که در ایام هفته برای هر کدام از معصومانی که آن روز به وجود مقدس ایشان منتسب است و زیارت‌نامه‌های مربوط به ایام ولادت یا شهادت هریک از آن بزرگواران. این‌ها به عکس قسم

با توجه به این‌که در هر ماه قمری، ولادت یا شهادت یک یا چند معصوم واقع شده است، تصمیم داریم در هر ماه زیارت‌نامه یکی از معصومان علیهم‌السلام را که ولادت یا شهادت در آن ماه واقع شده، بررسی کرده، به نکته‌هایی از آن اشاره کنیم؛ اما قبل از پرداختن به اصل موضوع، لازم است با مفهوم زیارت، اقسام زیارت و تأثیر آن در زائر آشنا شویم. زیارت یعنی برقرار کردن ارتباط روحی و ایجاد پیوند قلبی با آن مقربان درگاه الهی؛ چه از طریق حضور نزد مرقد شریف آنان و چه با ارتباط از راه دور و فرستادن سلام و درود و اظهار ارادت به آستانشان، همراه با اعتقاد و اعتراف به

اول، از نظر زمان مقیدند؛ ولی از نظر مکان مطلق هستند؛

۳. زیارت‌نامه‌های مخصوص به زیارت از راه دور و مقید به زمان‌های خاص؛

۴. زیارت‌نامه‌های مخصوص به زیارت از راه دور و غیر مقید به زمان؛

۵. زیارت‌نامه‌های مطلق از هر جهت که خواندن آن‌ها در هر زمان و مکان، از دور و نزدیک مستحب است. مثل: زیارت امین‌الله، زیارت عاشورا و زیارت جامعه. هر کدام از انواع این زیارت‌ها، آدابی دارند که در کتاب‌هایی مثل «مفاتیح الجنان» و «مفاتیح نوین» و... ذکر شده‌اند.

انسان کم‌ترین آشنایی را داشته باشد، تصدیق خواهد کرد که اگر زائری با رعایت آداب زیارت و با حضور قلب و با توجه به محتوای بلند جملات زیارت‌نامه‌ها، در حرم آن بزرگان دین حضور یابد، می‌تواند از هر جمله‌ای درس‌های مهم تربیتی و انسان‌ساز کسب کند.^(۱)

با توجه به این‌که ولادت بابرکت خاتم الانبیاء، محمد بن عبدالله ﷺ در ماه ربیع‌الاول واقع شده^(۲) که اولین ماه سال قمری در زمان پیامبر اسلام ﷺ ربیع‌الاول بوده و در سال شانزدهم هجرت، خلیفه

تأثیر زیارت در زائر

زیارت معصومان علیهم‌السلام آثار فوق‌العاده سازنده‌ای در تربیت نفوس زیارت‌کنندگان و ارتقای روح و معنویت آنان دارد، چنان‌که اگر زائر بدانند چه می‌کند، چه می‌گوید و چه می‌خواهد، به خوبی می‌تواند راه قرب الی الله را پیماید و از کنار قبر آن مقربان الهی با روحی پاک از گناه آماده برای انجام وظایف الهی بازگردد. کسی که با مسائل روانی و روحیهٔ الگوپذیری

۱. رک: مفاتیح نوین، ناصر مکارم و همکاران، مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه‌السلام، قم، چاپ ششم، ۱۳۸۶ش، ص ۲۰۳-۲۰۴.
۲. مسار الشیعة، شیخ مفید، ضمن مجموعه نفیسه، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۳۹۶ق، ص ۲۹ (۶۵)؛ مصباح المتعجد و سلاح المتعبد، شیخ طوسی، مؤسسهٔ فقه الشیعة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۹۱؛ مصباح الکفعمی، ابراهیم کفعمی، دارالرضی (زاهدی)، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق، ص ۵۱۱؛ توضیح المقاصد، محمد بن حسین عاملی مشهور به شیخ بهایی، ضمن مجموعه نفیسه، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۳۹۶ق، ص ۹ (۵۲۱)؛ بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۲۴۸؛ تقویم شیعه، عبدالحسین بندانی نیشابوری، دلیل ما، قم، چاپ نهم، ۱۳۸۸ش، ص ۱۱۵.

ب. از امام سجاد علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ هَاجَرَ إِلَيَّ فِي حَيَاتِي، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا فَاذْعَبُوا إِلَيَّ السَّلَامَ فَإِنَّهُ يَبْلُغُنِي؛^(۳) هرکس پس از مرگ من، قبر مرا زیارت کند، همانند کسی است که در حال حیاتم [برای آمدن] به سوی من هجرت کرده (و رنج سفر را متحمل شده) است، اگر نتوانستید [به زیارت قبرم بیایید، از دور] به من سلام دهید که آن به من می رسد.» در این روایت، به این نکته تصریح شده است که سلام دادن از راه دور نیز زیارت محسوب می شود.

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز ولادتش

علامه مجلسی رحمته الله در اعمال هفدهم ربیع الأول می نویسد: مشهور بین علمای شیعه این است که امروز، روز ولادت رسول اعظم، محمد صلی الله علیه و آله بوده، در برخی روایات وارد شده که معراج ایشان نیز در شب هفدهم ربیع الأول واقع شده است.^(۴)

۳. همان، ص ۱۴، ح ۱۷.

۴. اگرچه طبق قول مشهور: معراج پیامبر صلی الله علیه و آله در شب هفدهم رمضان بوده؛ ولی با این قول منافات ندارد؛ زیرا معراج آن حضرت بیش از یکبار بوده است.

دوم آن را به محرم الحرام تغییر داد،^(۱) این نوشتار را از ربیع الأول شروع کرده، به زیارت نامه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره می کنیم:

ثواب زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله

درباره ثواب زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله روایات بسیاری از خود آن حضرت و ائمه علیهم السلام نقل شده است که «ابن قولویه» در کتاب «کامل الزیارات» ۲۰ مورد از آن ها را نقل کرده است و ما به نقل دو مورد اکتفا می کنیم:

الف. از حضرت علی علیه السلام روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي، كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي وَ كُنْتُ لَهُ شَهِيداً وَ شَافِعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛^(۲) هر کس بعد از وفاتم مرا زیارت کند، همانند کسی است که در حال حیاتم مرا زیارت کرده و من در روز قیامت گواه [اعمال] و شفیع او خواهم بود.»

۱. رک: الصحيح من سيرة النبي الأعظم صلی الله علیه و آله، سيد جعفر مرتضى عاملی، دارالحدیث، قم، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۱۷۴-۲۰۹.

۲. کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه، تحقیق: عبدالحسین امینی، دارالمرتضیة، نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۵۶ش، ص ۱۳، باب ۲، ح ۱۲.

بنابراین، شب و روز هفدهم ربیع الأول هر دو مبارک است و علما گفته اند: زیارت پیامبر و امیر مؤمنان علیهما السلام در این شب و روز مناسب است و روزه آن نیز بسیار فضیلت دارد. از مستحبات این شب و روز: صدقه دادن، خوشحال کردن مردان و زنان مؤمن و تشرف به زیارت مشاهد مشرفه، به خصوص زیارت خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان علیه السلام می باشد. ^(۱)

و در ادامه می گوید: شیخ مفید و سید بن طاووس رحمهما الله گفته اند: هرگاه خواستی پیامبر صلی الله علیه و آله را در غیر مدینه منوره (از راه دور) زیارت کنی، غسل کن، در مقابل خود چیزی شبیه به قبر قرار بده، نام مبارک آن حضرت را بر آن بنویس، در کنار آن ایستاده و با متوجه کردن قلب خود به سوی آن جناب، بگو: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنََّّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنََّّهُ سَيِّدُ

الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَةِ الطَّيِّبِينَ.» سپس بگو: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ... صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ كَمَا أَنْتُمْ أَهْلُهُ.» و پس از آن دست ها را [به سوی آسمان] بگشا و بگو: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ جَوَامِعَ صَلَوَاتِكَ وَنَوَامِي بَرَكَاتِكَ... وَآتِنَا مِنْ لُدُنِكَ فِي مَوْلَاتِهِمْ فَضْلاً وَإِحْسَاناً وَرَحْمَةً وَعُفْراً إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.»

سپس چهار رکعت نماز زیارت با هر سوره ای که خواستی بخوان، هر دو رکعت به یک سلام، بعد از نماز تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگو، سپس این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّاباً رَحِيماً﴾... بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

و در ادامه این دعا می گویی: «اللَّهُمَّ وَقَدْ أَمَلْتُكَ وَرَجَوْتُكَ وَقُمْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَرَغَبْتُ إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ وَقَدْ أَمَلْتُكَ جَزِيلَ تَوَابِكَ... وَإِذَا مَيَّرْتَ بَيْنَ خَلْقِكَ فَسَقْتُ كَلًّا

(رک: المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبائی، جامعه مدرسین قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۲۶-۲۷ و ۳۱).
۱. زاد المعاد، محمدباقر مجلسی، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۳ق، ص ۲۵۹.

بَأَعْمَالِهِمْ زُفراً إِلَىٰ مَنْزِلِهِمْ فَسُقْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَفِي زُمْرَةِ أَوْلِيَائِكَ الْمُتَّقِينَ إِلَىٰ جَنَّتِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. و در پایان، با آن حضرت وداع کن، با این جملات: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ... لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ.»^(۱)

علامه مجلسی رحمته الله پس از نقل زیارت نامه فوق، می نویسد: اگرچه سند این زیارت نامه به من نرسیده؛ ولی این یک زیارت کامل و جامعی است که هروقت می توان آن را انجام داد.^(۲)

این زیارت مشتمل بر مطالب بسیاری است که هر کدام از آن ها درسی برای پیروان آن حضرت دارد. از میان آن همه مطالب فراوان، فقط به سه مطلب اشاره می کنیم:

۱. در یک فراز می خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُبَلِّغاً عَنِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُبَشِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَذِيرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

مُنذِرُ؛ سلام بر تو ای ابلاغ کننده [دین] از ناحیه خدا! سلام بر تو ای چراغ نوردنده [که تاریکی های جهل و کفر را از بین بردی]! سلام بر تو ای بشارت دهنده [به رحمت بی پایان خدا]! سلام بر تو ای هشدار دهنده [بر غافلان]! سلام بر تو ای ترساننده [از عذاب خدا]! در این فراز بر «مبلِّغ» بودن آن جناب تکیه شده، بعد از آن صفاتی آمده که بر هر مبلِّغ دین لازم است خود را به آن ها متّصف کند.

بنابراین، شایسته است مبلِّغان دین و همه مردم، همواره به این نکته توجه داشته باشند که مبلِّغان دین ادامه دهنده راه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در انجام وظیفه مقدس تبلیغ دین خدا هستند. آن ها باید سعی کنند در حد امکان، خود را به صفات آن حضرت متّصف نمایند، به خصوص در «بشیر» و «نذیر» بودن؛ یعنی به گونه ای تبلیغ کنند که مردم را از رحمت خدا مأیوس نکنند و از عذاب الهی نیز ایمن نسازند.

از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده: «الْفَقِيهَةُ كُلُّ الْفَقِيهَةِ مَنْ لَمْ يُقْنِطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ

۱. زادالمعاد، ص ۲۶۰-۲۶۴. جهت اختصار از نقل متن کامل زیارت نامه خودداری شد، به زادالمعاد یا مفاتیح الجنان تحت عنوان «زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله از بعید» مراجعه فرمایید.

۲. همان، ص ۲۶۴.

اللَّهِ، وَلَمْ يُؤَيِّنْهُمْ مِنْ رُوحِ اللَّهِ، وَلَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ؛^(۱) فقیه کامل کسی است که مردم را از رحمت خدا ناامید نکند و از لطف الهی مأیوس نسازد و از مجازات حق ایمن ننماید».

۲. در فراز دیگر می خوانیم: «أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَعَ كُلِّ شَاهِدٍ وَأَتَحَمَّلُهَا عَنْ كُلِّ جَاوِدٍ أَنْتَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَ صَدَعْتَ بِأَمْرِهِ، وَ اخْتَمَلْتَ الْأَذَى فِي جَنْبِهِ، وَ دَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمُوعِظَةِ الْحَسَنَةِ الْجَبِيلَةِ، وَ أَدَيْتَ الْحَقَّ الَّذِي كَانَ عَلَيْكَ، وَ أَنْتَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ غَلُظَتْ عَلَى الْكَافِرِينَ، وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ؛ ای رسول خدا! همراه هریک از گواهان گواهی می دهم و از طرف هر منکر نیز این گواهی را تحمّل می کنم که رسالت های پروردگارت را ابلاغ کردی، برای امتت خیرخواه بودی، در راه پروردگارت جهاد کردی، امر او را آشکار ساختی، در کنار انجام وظیفه آزار

۱. نهج البلاغه، محمد بن حسین شریف رضی، تنظیم:

صبیحی صالح، نشر هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق،

حکمت ۹۰ [۸۷].

و اذیت ها را تحمل کردی، با حکمت و موعظه خوب و زیبا [مردم را] به راه خدا دعوت نمودی، وظیفه ای را که برعهده تو بود، [به نحو احسن] انجام دادی و [گواهی می دهم که] تو بر مؤمنان مهربانی کردی و بر کافران درشتی نمودی و تا پایان عمرت خدا را خالصانه عبادت کردی». این فراز نیز درس دیگری برای همه مردم به ویژه مبلغان دین است؛ که باید خیرخواه مردم باشند، در راه تبلیغ دین سعی و تلاش کرده، زحمت ها را تحمّل کنند، مطالب را با بیان و روش مناسب ابلاغ نمایند و با مؤمنان مهربان باشند و در مقابل کافران سرسختی نشان دهند. چنان که قرآن کریم در توصیف پیامبر اسلام ﷺ و یارانش می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛^(۲) «محمد ﷺ فرستاده خداست و کسانی که پیرو او هستند [مانند خود او] در برابر کفار سرسخت و شدیدند و در میان خودشان [با همدیگر] مهربان هستند».

هستند».

۲. فتح/۲۹.

۳. در فرآزی دیگر چنین می خوانیم: «بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ! زُرْتُكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ، مُقِرًّا بِفَضْلِكَ، مُسْتَبْصِرًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ وَ خَالَفَ أَهْلَ بَيْتِكَ؛ پدر و مادرم به فدایت ای پیام آور خدا! تورا زیارت کردم، در حالی که آشنا به حق (نبوت) تو و اقرارکننده به فضیلت تو هستم و به گمراهی کسی که با تو و اهل بیت تو مخالفت کند، بصیرت (و آگاهی کامل) دارم».

از این فرآز معلوم می شود که زیارت معصومین علیهم السلام وقتی ارزش دارد که زائر به مقام و منزلت مزور آگاه و به آن معترف باشد. از این رو، در بسیاری از روایات مربوط به فضیلت زیارت اولیای الهی، عنوان «عَارِفًا بِحَقِّهِ» به چشم می خورد. مثلاً ابن قولویه در «کامل الزیارات» در مورد ثواب زیارت امام حسین علیه السلام باب مستقلی تحت عنوان «الباب الرابع و الخمسون: ثواب من زار الحسين علیه السلام عارِفًا بِحَقِّهِ» منعقد کرده و در آن هفده حدیث آورده است که در همه آنها قید «عَارِفًا بِحَقِّهِ» وجود دارد.^(۱)

این قید، نه تنها در روایات مربوط به پاداش زیارت امامان؛ بلکه در روایات مربوط به پاداش زیارت بعضی از امامزادگان (مثل حضرت معصومه علیها السلام) نیز دیده می شود. مثل روایت «سعد بن عبدالله قمی» که می گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمودند: ای سعد! قبری از ما نزد شماست. عرض کردم: فدایت شوم! منظورتان قبر فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام است؟ فرمود: «نَعَمْ، مَنْ زَارَهَا عَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ...»^(۲) آری، هر کس او را زیارت کند، در حالی که به حق او عارف باشد، بهشت برای اوست».

حتی در ثواب زیارت برادران دینی نیز «عارف به حق بودن» شرط شده است. در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ خَرَجَ إِلَى أَخِيهِ يَرْوُهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةٍ...»^(۳) هر مؤمنی که برای زیارت برادرش حرکت کند، در حالی که عارف به حق او باشد، خدا برای هر قدم یک حسنه برای

۲. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۵-۲۶۶، ح ۴.

۳. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸۳-۱۸۴، باب معانقه، ح ۱.

۱. کامل الزیارات، ص ۱۳۸-۱۴۱.

او می نویسد. «اکنون باید دید که منظور از «عارفاً بِحَقِّهِ» در موارد سه گانه (زیارت معصومان، امامزادگان و مؤمنان) چیست؟

مفهوم عارف بودن به حق مزور

برای روشن شدن مفهوم «عارفاً بِحَقِّهِ»، باید سراغ روایاتی برویم که در آن ها، پس از جمله «عارفاً بِحَقِّهِ» کلماتی برای توضیح آمده است. در این مورد، پنج روایت را از باب نمونه بیان می کنیم:

۱. از امام صادق علیه السلام روایت شده: «مَنْ زَارَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَارِفاً بِحَقِّهِ، غَيْرَ مُتَجَبِّرٍ وَلَا مُتَكَبِّرٍ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ شَهِيدٍ...»^(۱) کسی که امیرمؤمنان علیه السلام را زیارت کند، در حالی که به حق او عارف باشد، ظالم و متکبر نباشد، خدا ثواب هزار شهید برای او می نویسد.»

۲. در روایتی دیگر از آن حضرت، نقل شده: «زُورُوا الْحُسَيْنَ علیه السلام وَ لَوْ كُلَّ سَنَةٍ فَإِنَّ كُلَّ مَنْ أَتَاهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ غَيْرَ جَاحِدٍ، لَمْ يَكُنْ لَهُ عِوَضٌ غَيْرَ الْجَنَّةِ، وَ رِزْقٌ رِزْقاً

وَاسِعاً...»^(۲) امام حسین علیه السلام را زیارت کنید، اگرچه سالی یک بار باشد؛ زیرا هر کس به زیارت او بیاید، در حالی که به حق او عارف باشد و منکر [امامتش] نباشد، پاداش او جز بهشت نیست و رزق وسیعی به او داده می شود.»

۳. و در روایت دیگر از آن حضرت میخوانیم: «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه السلام عَارِفاً بِحَقِّهِ يَأْتِمُّ بِهِ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ...»^(۳) کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت کند، در حالی که به

حق او عارف و اقتداکننده به او باشد (خود را امت آن امام بداند)، خدا او را می آمرزد.»

۴. از امام موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده: «أَدْنَى مَا يُثَابُ بِهِ زَائِرُ الْحُسَيْنِ علیه السلام بِسَطِّ الْفِرَاتِ إِذَا عَرَفَ بِحَقِّهِ وَ حُرْمَتِهِ وَ وِلَايَتِهِ، أَنْ يُعْفَرَ لَهُ...»^(۴) کمترین پاداشی که به زائر امام حسین علیه السلام در کنار فرات، در صورتی که حق، احترام و ولایت او را بشناسد (قبول داشته باشد)، داده می شود، این است که

بخشیده خواهد شد.»

۲. همان، ص ۸۵-۸۶، ح ۱۳ و ص ۱۵۱، ح ۴.

۳. کامل الزیارات، ص ۱۳۹، ح ۶.

۴. همان، ص ۱۳۸، ح ۳؛ الکافی، ج ۴، ص ۵۸۲، ح ۹.

۱. الأمامی، شیخ طوسی، دارالثقافه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ق، ص ۲۱۴-۲۱۵، ح ۳۷۲ (۲۲).

۵. «حمزة بن حُمران» می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: «يُقْتَلُ حَفَدَتِي بِأَرْضِ خُرَّاسَانَ فِي مَدِينَةِ يُقَالُ لَهَا طُوسٌ، مَنْ زَارَهُ إِلَيْهَا عَارِفًا بِحَقِّهِ، أَخَذَتْهُ بِيَدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَأَدْخَلَتْهُ الْجَنَّةَ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَائِرِ؛ نَوْهُ مَنْ، دَرَسَرَمِينَ خُرَّاسَانَ، دَر شَهْرِي كَه بَه آن طوس گویند، کشته می‌شود. کسی که او را در آن‌جا زیارت کند، در حالی که حق او را بشناسد، روز قیامت با دستم او را می‌گیرم و وارد بهشت می‌کنم، اگرچه از اهل گناهان کبیره باشد.» عرض کردم: فدایت شوم! منظور از «عرفان حق او» چیست؟ حضرت فرمودند: «يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُقْتَرَضُ الطَّاعَةِ، غَرِيبٌ شَهِيدٌ...»^(۱) [منظور این است که] بداند (وایمان داشته باشد) که او امام واجب الإطاعة و غریب و شهید است.»

از عباراتی که در روایات فوق آمده است، معلوم می‌شود:

الف. در زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و امام معصوم، منظور از «عارفاً بِحَقِّهِ» این است که زائر، در نبوت یا امامت مزور شک و تردید نداشته باشد و او را به عنوان پیامبر یا امام معصوم «واجب الإطاعة» قبول داشته باشد و خود را از امت او بداند و در پیشگاه مقدس او تواضع کند؛

ب. در زیارت امامزگان، منظور این است که زائر، مزور را به عنوان فرزند صالح امام و «واجب التعظیم» بداند و احترام او را رعایت کند؛

ج. در زیارت مؤمنان، منظور این است که زائر، مزور را مؤمن بداند و به خاطر این که احترام هر مؤمن لازم است، برای ادای احترام او به زیارتش برود، نه برای مقاصد مادی دنیوی.



۱. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، تحقیق: علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ش، ج ۲، ص ۵۸۴، ح ۳۱۹۰.



اندیشه‌های تفسیری

امام حسن عسکری علیه السلام

عبدالکریم پاک‌نیا تبریزی

اشاره

برای فهم ادبیات و حیانی کتاب خدا، امامان معصوم علیهم السلام شایسته‌ترین مترجمان قرآن و برترین مفسران آیات وحی به شمار می‌روند و بهترین راه بهره‌گیری از تفسیر آیات الهی، رهنمودهای حضرات معصومین علیهم السلام است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه کریمه ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^(۱) فرمود: «الذِّكْرُ الْقُرْآنُ وَنَحْنُ الْمَسْئُولُونَ»^(۲) ذکر یعنی قرآن و ما اهل آن هستیم و از ما باید سؤال شود.»
با این حال وقتی از امام عسکری علیه السلام سؤال شد: آیا شما دارای تمام علم قرآن

هستید؟ فرمود: «قَدْ جَمَعْتُ خَيْرًا كَثِيرًا، وَ أُوتِيتُ فَضْلًا وَاسِعًا، لَكِنَّهُ مَعَ ذَلِكَ أَقْلٌ قَلِيلٌ [مِنْ] أَجْزَاءِ عِلْمِ الْقُرْآنِ»^(۳) من علم فراوانی دارم و فضل گسترده‌ای به من عطا شده، با این حال، همه علم من بخشی از علوم موجود در قرآن است، [چراکه علم قرآن بی‌نهایت است].^(۴)
برای همین از معصومین علیهم السلام در زمینه تفسیر قرآن مطالب مفید و ارزشمندی برای ما به یادگار مانده است.

امام حسن عسکری علیه السلام در مورد اهمیت انس با قرآن در نامه‌ای به علی بن بابویه قمی رضی الله عنه^(۵) (پدر بزرگوار شیخ صدوق رضی الله عنه) می‌نویسد:

۳. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام،

مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، قم، ۱۴۰۹ق، ص ۱۱.

۴. لقمان / ۲۷.

۵. ابوجعفر محمد بن علی ابن بابویه قمی ملقب به

۱. نحل / ۴۳.

۲. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، مؤسسة الوفاء،

بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۲۳، ص ۱۸۰.

«ای بزرگ مرد و مورد اعتماد و فقیه»

صدوق اول، از محدثان و فقه‌های نام‌دار جهان اسلام در سال ۳۰۵ ق در شهر مقدس قم متولد شد. ولادت این عالم فقیه با آغاز نیابت حسین بن روح، سومین نائب خاص امام زمان علیه السلام هم زمان بوده است. صدوق اول که پدر بزرگوار شیخ صدوق مشهور -محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی- است معاصراً با امام حسن عسکری علیه السلام و امام زمان علیه السلام و مورد احترام آن گرامیان بود.

امام حسن عسکری علیه السلام در نامه‌ای که به علی بن بابویه نوشته وی را با کلماتی چون: شیخ معتمد و فقیه من ستایش نموده است.

این عالم جلیل‌القدر در ایام زندگی پربرکت خویش نزدیک دویست جلد کتاب تألیف کرده است. عمر با برکت علی بن بابویه از پنجاه می‌گذشت و هنوز فرزندی نداشت، نامه‌ای به محضر مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام نوشت و از آن حضرت درخواست کرد برایش دعا کند تا خداوند به او فرزندی صالح و فقیه مرحمت فرماید. پس از سه روز خبر رسید که حضرت برای علی بن حسین بن بابویه دعا فرموده و «أَنَّهُ سَيُولَدُ لَهُ وَكَدَّ مُبَارَكُهُ يَنْفَعُ اللَّهُ بِهِ وَبَعْدَهُ أَوْلَادٌ؛ به زودی خداوند به او فرزند مبارکی عطا می‌فرماید و به سبب او [به مردم] خیر می‌رساند» و خدای متعال بعد از او (شیخ صدوق) نیز فرزندان دیگری به او (ابن بابویه) عنایت خواهد کرد (کمال الدین و تمام النعمة، مؤسسة النشر الإسلامي، قم، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۵۰۲).

پس از دعای امام زمان علیه السلام بود که ابن بابویه صاحب فرزندی شد که نامش را محمد نامید و بعدها عالمی بزرگ و فقیهی نام آور شد. علامه مجلسی رحمته الله در کتاب ارزشمند «بحار الأنوار»، این قضیه را از معجزات حضرت ولی عصر علیه السلام به شمار آورده است. از این پدر و پسر با عنوان صدوقین یاد می‌شود (بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۳۵ و ۳۳۶).

من، ابوالحسن علی بن حسین بن بابویه قمی!... أوصيك بِعَفْوِ الذَّنْبِ... وَالتَّعَاهُدِ لِلْقُرْآنِ؛ تورا به بخشش خطاکاران... و هم پیمانی با قرآن و... توصیه می‌کنم.^(۱)

امام عسکری علیه السلام در انجام رسالت الهی خویش در موضوع فهم معارف قرآن و تفسیر آیات وحی، از روش‌های مختلفی بهره می‌برد. تفسیر قرآن به قرآن، استفاده از قرآن عقلی، بهره‌گیری از روایات و تفسیر علمی و ادبی و بالأخره تأویل و تطبیق آیات در شیوه تفسیری امام یازدهم علیه السلام به چشم می‌خورد.

نکته‌های تفسیری در فرمایشات امام حسن عسکری علیه السلام

در این فرصت به نکته‌های گهربار و رهنمودهای انسان‌ساز و حیات‌بخش حضرت امام عسکری علیه السلام در عرصه تفسیر قرآن، جان و دل می‌سپاریم:

۱. آشکارترین نشانه توحید

خدای متعال در مورد نشانه‌های قدرت و آفرینش خویش در عالم هستی می‌فرماید: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ

۱. صفات الشيعة، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، انتشارات علمی، تهران، ۱۳۶۲ ش، ص ۶.

بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَادًا
وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛^(۱) همان خدایی که زمین
را برای شما فرشی گسترده، و آسمان را
بنایی افراشته قرارداد؛ و از آسمان آبی فرو
فرستاد؛ و از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون
آورد؛ پس برای خدا همتایانی قرار ندهید،
در حالی که خود می‌دانید.»

امام عسکری علیه السلام در تفسیر این آیه
شریفه فرمود:

«خداوند زمین را ملایم طبایع و سازگار
با اجساد شما خلق کرد به طوری که آن
را داغ و پر حرارت قرار نداد تا این که
شما را نسوزاند و نیز آن را بسیار سرد و با
دمای پایین خلق نکرد تا شما را منجمد
نگرداند و نیز آن را با بوی شدید خلق
نکرد که مبادا بوی آن شما را آزار دهد
و موجب سردردتان گردد. و نیز خداوند
زمین را بدبو نگردانید تا مبادا شما به
مشقت بیفتید؛ و زمین را بسیار نرم مثل آب
خلق نکرد تا شما در آن غرق نشوید و نیز
بسیار سخت نگردانید تا که شما نتوانید
زراعت کنید و بر روی آن ساخت و ساز
کنید و حتی نتوانید امواتتان را دفن کنید.
ولیکن خداوند عزوجل زمین را به قدری

۱. بقره/۲۲.

استوار گردانید که شما از آن بهره‌مند شوید
و شما و بدن‌هایتان بر روی آن قرار گیرید و
نیز از لحاظ نرمی آن را آن قدر نرم گردانید
که در امر زراعت و دفن اموات و بسیاری
دیگر از منفعت‌ها مطیع شما باشد (نه
خیلی سخت و نه خیلی نرم) پس به این
صورت خداوند زمین را بستری برای قرار و
سکونت شما قرارداد.»^(۲)

«سنائی غزنوی» چه زیبا به عظمت
آیات الهی و توحید حق پرداخته و خدای
یگانه را می‌ستاید:

ملکا ذکر تو گویم، که تو پاکی و خدایی
نروم جز به همان ره، که توام راه‌نمایی
همه درگاه تو جویم، همه از فضل تو پویم
همه توحید تو گویم، که به توحید سزایی
تو حکیمی تو عظیمی، تو کرمی تو رحیمی
تو نماینده فضل، تو سزاوار ثنایی
این آیه به دو نعمت بزرگ الهی یعنی
زمین و آسمان، اشاره می‌کند که می‌تواند
بهترین انگیزه برای شناخت، عبادت و
شکرگزاری خدای منان باشد. نخست از

۲. البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم بحرانی، بنیاد
بعثت، تهران، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۵۲، ذیل آیه شریفه؛
تفسیر اهل بیت علیهم السلام، علی رضا برازش، انتشارات
امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۴ش، ج ۱، ص ۱۷۸.

آفرینش زمین سخن می‌گوید: ﴿الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا﴾.

این مرکب راهواری که شما را بر پشت خود سوار کرده و با سرعت سرسام‌آوری در این فضا به حرکات مختلف خود ادامه می‌دهد، بی‌آن‌که کم‌ترین لرزشی بر وجود شما وارد کند، یکی از نعمت‌های بزرگ او است. نیروی جاذبه‌اش که به شما اجازه حرکت و استراحت و ساختن خانه و لانه و تهیه باغ‌ها و زراعت‌ها و انواع وسائل زندگی می‌دهد، نعمت دیگری است، هیچ فکر کرده‌اید که اگر جاذبه زمین نبود در یک چشم برهم‌زدن همه ما و وسائل زندگی‌مان بر اثر حرکت دورانی زمین به فضا پرتاب و در فضا سرگردان می‌شد! سپس به نعمت آسمان می‌پردازد و می‌گوید: «آسمان را هم چون سقفی بر بالای سر شما قرارداد».

کلمه «سما» که در این آیه به آن اشاره شده است همان جو زمین است، یعنی قشر هوای متراکمی که دور تا دور کره زمین را پوشانده و طبق نظریه دانشمندان، ضخامت آن چند صد کیلومتر است. اگر این قشر مخصوص هوا که هم چون سقفی بلورین، اطراف ما را احاطه کرده، نبود،

زمین دائماً در معرض رگبار سنگ‌های پراکنده آسمانی بود و عملاً آرامش از مردم جهان سلب می‌شد.

فضل خدای را که تواند شمار کرد؟
یا کیست آن‌که شکر یکی از هزار کرد؟
آن صانع قدیم که بر فرش کائنات
چندین هزار صورت الوان نگار کرد
توحیدگوی او نه بنی‌آدمند و بس
هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد
بعد از نعمت زمین و آسمان (با تمام
زیبایی‌هایش) خدای مَنان به نعمت
باران پرداخته و می‌فرماید:
«و از آسمان آبی حیات بخش، و
زندگی‌آفرین نازل کرد».

قرآن سپس به انواع میوه‌هایی که از برکت باران و روزی‌هایی که نصیب انسان‌ها می‌شود اشاره می‌کند.

این برنامه الهی از يك سو، رحمت وسیع و گسترده خدا را بر همه بندگان مشخص می‌کند و از سوی دیگر بیان‌گر قدرت او است که چگونه از آب بی‌رنگ صد هزاران رنگ از میوه‌ها و دانه‌های غذایی با خواص متفاوت برای انسان‌ها، و هم چنین جان‌داران دیگر آفریده، یکی

از زنده ترین دلائل وجود اوست؛ بنابراین بلافاصله می فرماید: ﴿فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَاداً وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾؛ «[اکنون که چنین است] دانسته برای خدا شریک هایی قرار ندهید.»^(۱)

«سعدی» در توضیح همین معنای توحید عبادی و افعالی می گوید: ابرو باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری همه از بحر تو سرگشته و فرمان بردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

۲. آثار ذلت بارگناه

قرآن در مورد آثار گناه معصیت کاران و کفار فرموده است:

﴿خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾؛^(۲) «خدا بر دل ها و گوش های آنان مهر نهاده و بر چشم هایشان پرده ای افکنده شده و عذاب بزرگی در انتظار آن هاست.»
حضرت امام عسکری علیه السلام این آیه کریمه را اینگونه تفسیر می فرماید:

۱. برگزیده تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۸۲ ش، ج ۱، ص ۵۱.
۲. بقره / ۷.

«خداوند بر قلوب ایشان علامت و نشانه ای گذاشت که اگر هر یک از فرشتگانی که خود بخوهد، به آن مهر نگاه کند آن نشانه را می شناسد و می داند که ایشان از کسانی هستند که ایمان نیاورده اند و همین طور برگوش های آنان نیز چنین علامت و نشانه هایی گذاشت و بر چشم هایشان هم پرده هایی افکند. وقتی که آن ها از توجه به آنچه موظف به انجام آن بودند اعراض کرده، درباره آنچه از آن ها خواسته شده بود کوتاهی نموده و نسبت به چیزی که باید به آن ایمان آورند غفلت ورزیدند مثل کسی شدند که بر روی چشم هایش پرده ایست که پیش روی خود را نمی بیند.»^(۳)

فقدان قدرت تشخیص

طبق فرمایش امام یازدهم علیه السلام وقتی انسان های لجوج و اهل باطل و کفار و اهل معصیت چشم دارند، ولی با آن حق را نمی بینند و گوش دارند، ولی کلام حق را نمی شنوند و قلب و قوه مدرکه دارند، ولی آن را به کار نمی گیرند، نتیجه عملشان این می شود که قدرت تشخیص و تمییز حق از باطل را از دست می دهند؛ یعنی

۳. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۹۸.

اصرار و لجاجت آن‌ها در برابر حق و ادامه به ظلم و بیدادگری^(۱) و کفر^(۲) و پیروی از هوای نفس^(۳)، سبب می‌شود که پرده‌ای بر حس تشخیص آن‌ها بیفتد.

انسان لجوج چون خود آگاهانه این راه را انتخاب کرده است، مسئول تمام عواقب آن می‌باشد و اگر دریاه این‌ها به خدا نسبت داده شده، به خاطر آنست که خداوند این خاصیت را در این‌گونه اعمال نهاده است. در مقابل کسی هم که پاکی و تقوا، درستی و راستی را پیشه کند، خداوند حس تشخیص او را قوی‌تر می‌سازد و درک و دید و روشن بینی خاصی به او می‌بخشد، چنان‌که در آیه شریفه چنین آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»؛^(۴) «ای مؤمنان اگر تقوا پیشه کنید، خداوند فرقان (یعنی وسیله تشخیص حق از باطل) را به شما عطا می‌کند.»

عذاب‌های بیدارکننده

این حقیقت را در زندگی روزمره خود نیز آزموده‌ایم، افرادی هستند که عمل خلافی

۱. مؤمن / ۳۵.

۲. نساء / ۱۵۵.

۳. جاثیه / ۲۳.

۴. انفال / ۲۹.

را شروع می‌کنند، در آغاز خودشان معترفند که صد درصد خلاف کار و گناهکارند، و به همین دلیل از کار خود ناراحتند، ولی کم‌کم که با آن انس می‌گیرند، این ناراحتی از بین می‌رود و در مراحل بالاترگاهی کارشان به جایی می‌رسد که نه تنها ناراحت نیستند، بلکه خوشحالند و آن را وظیفه انسانی و یا وظیفه دینی خود می‌شمرند! در حالات «حجاج بن یوسف» می‌خوانیم که برای توجیه جنایات هولناکش می‌گفت: «این مردم گناهکارند، من باید بر آن‌ها مسلط باشم و به آن‌ها ستم کنم، چرا که مستحقند.» گویی این همه قتل و خونریزی و جنایت را مأموریتی از سوی خدا برای خود می‌پنداشت!!^(۵)

امام عسکری علیه السلام در تفسیر ذیل آیه «لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» هم می‌فرماید:

«کفار در آخرت گرفتار عذابی خواهند شد که برایشان آماده شده است و در دنیا نیز این عذاب برای کسانی خواهد بود که خدا می‌خواهد آن‌ها را به وسیله عذاب‌های بیدارکننده اصلاح کند. تا این‌که [این بندگان] با این عذاب‌های

۵. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب

الإسلامیة، تهران ۱۳۷۴ ش، ج ۱، ص ۸۴.

بیدارکننده متوجه لزوم عبادت و اطاعت خدا شده و با عذاب‌های بیچاره‌کننده [ای که گرفتارش می‌شوند به خود آمده و] به مسیر حکمت و عدالت الهی بازگردند.^(۱)

پس طبق این کلام امام عسکری علیه السلام، عذاب اهل باطل دونوع است: در آخرت برای مجازات و درد دنیا برای بیداری از غفلت.

۳. پاسداران صداقت

امام یازدهم علیه السلام در تفسیر باطنی آیه شریفه «وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا»^(۲) «و برای ایشان زبان راستین و بلند مرتبه قرار دادیم.» فرمود: «يَعْنِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا»^(۳) [مصدق بارز این آیه] امیرمؤمنان علی علیه السلام [است که پاسدار صداقت خوبان عالم است].

در حقیقت پیشوای یازدهم علیه السلام مولای متقیان علی علیه السلام را نمونه شاخص لسان صدق و فرد کامل و بلند مرتبه دین حضرت ابراهیم علیه السلام معرفی می‌کند و آن

حضرت علیه السلام را به تمام مسلمانان عالم به عنوان الگوی صداقت و راست‌گویی می‌شناساند. شبیه همین تفسیر باطنی از آیه شریفه مذکور را در کلام امام صادق علیه السلام می‌یابیم که فرمود:

«مقصود از «عَلِيًّا» علی بن ابی طالب علیه السلام است؛ زیرا حضرت ابراهیم علیه السلام از پروردگار خواسته بود که «وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»^(۴) «برای من در میان اقوامی که آینده می‌آیند؛ زبان راست‌گویی قرار ده.» و خدای تبارک و تعالی برای او زبان راست‌گویی چون علی علیه السلام قرار داده است.^(۵)

این تطبیق و تفسیر باطنی امام یازدهم علیه السلام در سخن امام صادق علیه السلام به «أبي كهمس» بیش‌تر نمایان می‌شود آن‌گاه که فرمود:

«يَا أَبِي كَهْمَسٍ! إِذَا أَتَيْتَ عَبْدَ اللَّهِ، فَأَقْرِئْهُ السَّلَامَ وَقُلْ لَهُ إِنَّ جَعْفَرِ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ لَكَ: انْظُرْ مَا بَلَغَ بِهِ عَلِيٌّ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛ فَالزَّمْهُ فَإِنَّ عَلِيًّا عَلِيًّا إِنَّمَا بَلَغَ مَا

۴ شعرا/۸۴.

۵. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمدبن

محمد رضا قمی، مؤسسة الطبع والنشر، تهران،

۱۳۶۷ش، ج ۸، ص ۲۳۱.

۱. تفسیر اهل بیت علیهم السلام، علیرضا برازش، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۴ش، ج ۱، ص ۱۳۲.

۲. مریم/۵۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۵۹.

بَلَّغْ بِهِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ
 وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ^(۱)؛ ای اَبی کهمس! هرگاه
 پیش عبدالله بن اَبی یعفور رفتی، سلام
 مرا به او برسان و بگو: جعفر بن محمد
 به تو می گوید: دقت کن در آن چیزی که
 به وسیله آن علی عَلَيْهِ السَّلَام در محضر رسول
 خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سرفراز شد و او را به آن مقامات
 عالی رساند. پس تو هم آن ها را برای
 خودت لازم بدان و رفتار خویش را با آن
 اوصاف زیبا بیاری. به اطمینان علی عَلَيْهِ السَّلَام
 با راست گویی و امانت داری در نزد
 پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آن درجه و عظمت رسید.»
 آری:

راستی کن، که راستان رستند
 در جهان راستان قوی دستند
 راستگاران بلندنام شوند
 کج روان نیم پخته خام شوند
 یوسف از راستی رسید به تخت
 راستی کن، که راست گردد بخت
 راستی ورز و رستگاری بین
 یار شو خلق را و یاری بین
 آخرین یار اولیا صدقست
 اولین کار انبیا صدقست
 هر که زین صدق دم تواند زد
 در ولایت قدم تواند زد^(۲)

حضرت امام خمینی رَحِمَهُ اللَّهُ در شرح این
 حدیث می فرماید:
 «هان! ای عزیزا! تفکر کن در این
 حدیث شریف! بین مقام صدق لهجه
 ورد امانت تا کجاست که علی بن ابی
 طالب عَلَيْهِ السَّلَام را بدان مقام بلند رسانید.
 از این حدیث معلوم می شود که رسول
 خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این دو صفت را از هر چیز
 بیش تر دوست می داشتند که در بین
 تمام صفات کمالیه مولی عَلَيْهِ السَّلَام این دواو
 را مقرب کرده است و بدان مقام ارجمند
 رسانده است. جناب صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز در
 بین تمام افعال و اوصاف، این امر را که
 در نظر مبارکشان خیلی اهمیت داشته، به
 ابن اَبی یعفور که مخلص و جان نثار آن
 بزرگوار بوده پیغام داده و سفارش فرموده
 به ملازمت آن ها.»^(۳)

درمان دروغ گویی

حضرت عسکری عَلَيْهِ السَّلَام با این فرمایش
 و معرفی الگوی صداقت، به یکی از
 درمان های بیماری روحی دروغ گویی هم
 اشاره کرده است.

۳. شرح چهل حدیث (أربعین حدیث)، امام
 خمینی رَحِمَهُ اللَّهُ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رَحِمَهُ اللَّهُ،
 تهران، ۱۳۷۱ ش، ص ۴۷۷.

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب
 الإسلامية، تهران، ۱۳۸۸ ق، ج ۲، ص ۱۰۴.
 ۲. شاعر: رکن الدین اوحدی مراغه ای (۶۷۳-۷۳۸ قمری).

آن حضرت علیه السلام برای درمان دروغ‌گویی به ارائه الگو می‌پردازد و مصداق بارز راست‌گویان و صداقت‌پیشه‌گان را معرفی می‌نماید و در حدیث دیگری با بیان آثار زیان‌بار دروغ و روشن‌گری، می‌فرماید:

«جُعِلَتْ الْخَبَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَجُعِلَ مِفْتَاحُهَا الْكَذِبُ»^(۱) تمام پلیدی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده، و کلید آن دروغ قرار داده شده است.»

هم‌چنین امام عسکری علیه السلام در سفارشی دیگر به شیعیان، صداقت و راستی و پرهیز از دروغ را یکی از نشانه‌های شیعیان تمام عیار و موجب خوش‌حالی آن‌گرامی و مایه زینت اهل‌بیت علیهم السلام بیان کرده و می‌فرماید: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَالْإِجْتِهَادِ لِلَّهِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ»^(۲) شما را به تقوای الهی و پارسایی در دینتان و تلاش برای خدا و راست‌گویی... سفارش می‌کنم.»

این شیوه درمان‌گری امام عسکری علیه السلام، ریشه در آیات وحی دارد که خداوند هم در آیاتی از قرآن کریم (نحل/

۱. جامع الأخبار، تاج الدین شعیری، انتشارات رضی، قم، ۱۴۰۵ ق، ص ۱۴۸.
 ۲. تحف العقول، حسن بن علی بن شعبه حنّانی، انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۸۷.

۱۱۶؛ بقره/ ۸ و ۱۰؛ آل عمران/ ۹۴؛ انعام/ ۲۱ و ۹۳) برای درمان کذب، آثار مخرب آن را بیان می‌کند.

ناگفته نماند که دروغ و سایر گناهان کبیره، رابطه تنگاتنگی با هم دارند و صاحبان گناهان کبیره اگر توبه نکنند نمی‌توانند، راست‌گو باشند، چرا که راست‌گویی موجب رسوایی آنان است، به ناچار همواره برای پوشاندن آثار گناه سخن ناراست می‌گویند.

در ادامه به مناسبت این بیان امام حسن عسکری علیه السلام، به دو روش از روش‌های درمان دروغ‌گویی می‌پردازیم:

اول: بازگو کردن مضرات دروغ

آثار مخرب دروغ بسیار است و در این مجال مختصر، بازگویی مفصل ممکن نیست. برای همین یک مورد را شرح داده و به فهرست برخی دیگر هم اشاره می‌کنیم:

الف. بی‌اعتباری و رسوایی

انسان بر اثر دروغ‌گویی، نه تنها اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهد، بلکه اعتماد عمومی نیز از او سلب شده و جایگاه اجتماعی‌اش متزلزل می‌گردد.

رخ مرد را تیره دارد دروغ
 بلندیش هرگز نگیرد فروغ
 در لطیفه‌ای پندآموز آورده‌اند: روزی
 فردی الاغ همسایه را به عاریه (اجاره)
 گرفت تا با آن به آسیاب گندم برود.
 صاحب درازگوش گفت: همسایه عزیز!
 متأسفانه الاغ ما را برده‌اند و هم اکنون در
 طویله نیست. در آن حال ناگهان صدای
 عرعر الاغ از طویله به گوش رسید!
 همسایه گفت: تو که می‌گویی الاغ در
 طویله نیست، پس این صدای چیست
 و از کجاست؟ صاحب الاغ گفت: ای
 همسایه! الحق که تو آدم احمق و نادانی
 هستی!

او پرسید چرا؟ پاسخ داد: به این جهت
 که حرف الاغ را می‌پذیری، ولی حرف
 صاحب الاغ را نمی‌پذیری!
 تجربه نشان می‌دهد که دروغ بودن
 یک سخن را برای مدت طولانی
 نمی‌توان پنهان داشت، کسی که دروغی
 را می‌سازد، مجبور است روابط ساختگی
 آن را با زمان و مکان و اشخاص و حوادث
 اطراف آن نیز بسازد، و از آن جا که این
 روابط حد و حسابی ندارد به فرض که
 چند مورد آن را درست کند و به خاطر

بسیار در بقیه وای می‌ماند. درست مانند
 داستان حضرت یوسف علیه السلام که برادرانش
 به دروغ گفتند او را گرگ خورد و پیراهن او
 را به خونی آغشته و برای پدر آوردند، اما
 فراموش کردند که پیراهن را از چندین جا
 پاره پاره کنند. سالم بودن پیراهن پرده از
 کار آن‌ها برداشت و دروغشان را ظاهر کرد
 و یا مانند همسر عزیز مصر، هنگامی که
 به دروغ ادعا کرد حضرت یوسف علیه السلام به
 دنبال او دویده و قصد بدی به او داشته،
 فراموش کرده بود که در این ماجرا، پیراهن
 یوسف علیه السلام از عقب سر پاره شده که دلیل
 روشنی است بر دروغ زلیخا و این که او به
 دنبال حضرت یوسف علیه السلام دویده است.
 امروز باز پیرسانِ آگاه به راحتی می‌توانند
 با سؤال‌های پی‌درپی مربوط به یک
 حادثه و لوازم و خصوصیات آن، دروغ یا
 راست بودن یک ادعا را ثابت کنند و
 کم‌تر دروغ‌گویی می‌تواند خود را از چنگال
 آن‌ها رهایی ببخشد.

آری! دروغ‌گو نمی‌تواند حافظه داشته
 باشد و به هر حال سرانجام کارش
 بی‌آبرویی است؛ حتی اگر خدای نکرده
 متفکران، دانشمندان و سیاست‌مداران
 که مورد اعتماد جامعه هستند در یک

یا چند مورد دروغ بگویند، تمام سوابق خوب خود را از اعتبار می اندازند.^(۱) داستان زیر نمونه ای از آن است:

سلطان حسین بایقرا، (م ۹۱۱ ق و آخرین پادشاه تیموری؛ پادشاه خراسان و زابلستان) امیر حسین ایبوردی (شاعرو ادیب معروف در سده نهم) را نزد سلطان یعقوب (پادشاه عراق و آذربایجان و جانشین و فرزند اوزون حسن پادشاه دودمان آق قویونلو) به سفارت فرستاد. سفیر، حامل تَحَف و هدایای بسیاری از طرف سلطان حسین به یعقوب شاه بود، از جمله هدایا، «کلیات دیوان جامی» بود که در آن زمان بسیار ارزش داشت.

سلطان حسین بایقرا، امر کرده بود که آن را از کتابخانه سلطنتی خارج کرده و در زمره هدایا قرار دهند. ملا عبدالکریم، کتاب دار مخصوص کتابخانه، در موقع برداشتن کتاب اشتباه کرد و به جای «کلیات جامی»، «فتوحات مکیه» را که از لحاظ جلد و حجم، بدان بسیار شبیه بود، به امیر حسین تسلیم نمود. امیر

بدون آن که کتاب را باز کند، آن را گرفت و روانه تبریز شد. هنگامی که نزد سلطان یعقوب رسید، سلطان او را بسیار مورد تَفَقُّد و نوازش قرار داد و گفت: در این سفر طولانی، قطعاً بسیار ناراحتی کشیده اید. امیر حسین، چون شدت شوق سلطان را به «کلیات جامی» شنیده بود، جواب داد: در راه هم سفری داشتم که در هر منزل، سروکارم با آن بود. و از این جهت رنج سفر را احساس نمی کردم.

سلطان از هم سفر پرسید و امیر «کلیات جامی» را نام برد و گفت: در زمره، هدایایی است که موظف است به حضور سلطان تقدیم دارد. سلطان یعقوب گفت: بگو بروند و کلیات جامی را بیاورند. امیر فردی را فرستاد و کتاب را آوردند. چون گشودند، معلوم شد که فتوحات مکیه است و دروغ سفیر برجسته و سیاست مدار مطرح، آشکار شد، و نزد دو پادشاه، بلکه دو کشور مفتضح و رسوا گردید و از درجه اعتبار ساقط گشت.^(۲)

برخی دیگر از آثار و پوی آمدهای دروغ که در منابع دینی ما آمده عبارتند از:

۲. دروغ، سید رضا صدر، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۰۴.

۱. اخلاق در قرآن، ناصر مکارم شیرازی، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۳۷۷ ش، ج ۳، ص ۲۳۳.

الف. شاه کلید معصیت ^(۱)؛

ب. مایه روسیاهی درد دنیا و آخرت ^(۲)؛

ج. در معرض لعن خداوند ^(۳)؛

د. نابودکننده ایمان ^(۴)؛

و. عامل ارتکاب دروغ‌های دیگر؛

ز. مانع اصلاح سایر رذائل؛

ح. تبعیت از هوای نفس ^(۵)؛

ط. پیوستن به اهل نفاق ^(۶)؛

ی. محوشایستگی‌ها ^(۷)؛

ک. جدا شدن از صف خوبان ^(۸)؛

ل. محرومیت از نماز شب ^(۹)؛

م. عدم قبولی عبادات ^(۱۰)؛

ن. قطع برکات زندگی ^(۱۱)؛

س. دوری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف ^(۱۲)؛

ع. محرومیت از هدایت خداوندی

و... ^(۱۳)

دوم: معرفی الگوهای راست‌گویی

یکی دیگر از راه‌های درمان دروغ‌گویی، معرفی الگوهای راستی و صداقت است تا افراد با الگوبرداری از آن‌ها، مسیر دروغ‌گویی را به راست‌گویی تغییر دهند؛ برخی این الگوهای عبارتند از:

۱. قرآن کریم

امیر مؤمنان علی علیه السلام در گفتگوها و رفتارهای فردی و اجتماعی خویش بر آیات الهی اصرار ورزیده و بر ترویج آن اهتمام ویژه‌ای داشتند. آن حضرت علیه السلام بر این باور بود که قرآن راست‌ترین کلام است و ذره‌ای در آیات آن تردید وجود ندارد. آن حضرت می‌فرمود: «أَنَّ الْقُرْآنَ هُوَ التَّاصِحُّ الَّذِي لَا يَغُشُّ وَالْهَادِي الَّذِي لَا يُضِلُّ وَ الْمُحَدِّثُ الَّذِي لَا يَكْذِبُ» ^(۱۴)

۱۱. الأمالی، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق، ص ۳۱۰.

۱۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

۱۳. زمر/ ۳.

۱۴. نهج البلاغة، صبحی صالح، تصحیح: شریف

رضی، نشر هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، ص ۲۵۲.

۱. شرح نهج البلاغة، عبد الحمید بن هبة الله ابن ابي الحديد، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۶، ص ۳۵۷.

۲. زمر/ ۶۰.

۳. آل عمران / ۶۱.

۴. نحل / ۱۰۵.

۵. يوسف / ۱۸.

۶. عيون الحكم والمواعظ، علي بن محمد ليشي واسطی، نشر دار الحديث، ۱۳۷۶ش، ص ۲۹.

۷. غرر الحكم ودرر الكلم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، دارالکتاب الإسلامية، قم، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۰.

۸. شرح نهج البلاغة، ج ۶، ص ۳۵۷.

۹. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابن بابویه، نشر

رضی، ۱۴۰۶ ق، قم، ص ۴۲.

۱۰. النوادر، اشعری قمی، مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشريف

قم، ۱۴۰۸، ص ۲۱.

همانا این قرآن پند دهنده‌ای است که نمی‌فریبد و هدایت کننده‌ای است که گمراه نمی‌سازد و سخن‌گویی است که هرگز دروغ نمی‌گوید.»

۲. چهارده معصوم علیهم السلام

سیره ائمه معصومین علیهم السلام به عنوان «برترین هادیان بشر» و «بهترین الگوهای انسانی» می‌تواند چراغ راه در این مسیر گردد.

الگوی اهل بیت علیهم السلام هم حضرت فاطمه علیها السلام است که در خانه حضرت علی علیه السلام با عشق و صفا و صمیمیت زندگی کرد و در آخرین لحظات زندگی به شوهر وفادار خویش صادقانه اظهار داشت: «يَا ابْنَ عَمِّ! مَا عَهْدْتَنِي كَاذِبَةً وَلَا خَائِنَةً!»^(۱) پسرعمو! هیچ‌گاه دروغ و خیانتی در زندگی از من ندیدی.»

۳. انسان‌های شایسته

در مورد شیخ عباس قمی رحمته الله علیه (نویسنده کتاب «مفاتیح الجنان») چنین نوشته‌اند: در یکی از روزهایی که محدث قمی رحمته الله علیه

بیمار بود و بعد از آن رحلت نمود، یکی از علمای تهران برای عیادت به حضورش رسید. حاج شیخ عباس رحمته الله علیه آن روز بسیار ناراحت بود. آن عالم پرسید: چرا ناراحتید؟ محدث قمی رحمته الله علیه پاسخ داد: در سفری که به حج رفتم در مکه معظمه خواستم به روش محدثین که از یکدیگر اجازه می‌گیرند، از یکی از محدثان اهل سنت اجازه نقل حدیث بگیرم؛ وقتی این منظور را با وی در میان نهادم، عالم سنی از من سؤالی کرد و من روی مصالحی آن را انکار کردم و به نوعی توریه نمودم. اکنون در این فکرم که فردای قیامت چگونه این سخن غیر واقعی را در محضر عدل الهی توجیه کنم؟^(۲)



۲. سیمای فرزندگان، رضا مختاری، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۱ش، ص ۱۰۵.

۱. روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، فتال نیشابوری، نشر رضی، قم، ۱۳۷۵ش، ج ۱، ص ۱۵۱.



نکاتی درس آموز در هجرت نبوی ﷺ

عبدالله تبریزی

اشاره

«هجرت» نبی مکرم اسلام ﷺ برای رسیدن به اهداف مقدسش، یک روش موفق و امری ضروری و لازم بود، به حدی که اگر آن گرامی از مکه به مدینه هجرت نمی‌کرد، بعثت به اهداف والایش نمی‌رسید. بر همین اساس خداوند متعال جهت تشویق مهاجران الی الله، عالی‌ترین پاداش را برای آنان مقرر کرده و می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جَزَاءَ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾^(۱)؛ «آن‌ها که پس از ستم دیدن در راه خدا، هجرت کردند، در این دنیا جایگاه (و مقام) خوبی به

آن‌ها می‌دهیم؛ و پاداش آخرت، از آن هم بزرگ‌تر است اگر می‌دانستند!» به دلیل اهمیت هجرت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام از مکه به مدینه، نکته‌هایی درس‌آموز و شنیدنی از این هجرت را بیان می‌کنیم.

۱. مشاهده امدادهای غیبی

از جمله نکات برجسته در هجرت رسول خدا ﷺ، نصرت و امدادهای غیبی نسبت به آن حضرت است. خداوند متعال با اسباب معنوی و غیر مادی از پیامبر و دینش حمایت کرد؛ چنان‌چه در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿أَلَا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا

۱. نحل/ ۴۱.

وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^(۱) «اگر او را یاری نمی‌کنید، خداوند او را یاری کرد (و در مشکل‌ترین ساعات، او را تنها گذاشت)، آن هنگام که کافران او را (از مکه) بیرون کردند، در حالی که دوّمین نفر بود (و یک نفریش تر همراه نداشت)؛ در آن هنگام که آن دو در غار بودند، و او به همراه خود می‌گفت: غم مخور، خدا با ماست! در این موقع، خداوند سکینه (و آرامش) خود را بر او فرستاد؛ و با لشکرهایی که مشاهده نمی‌کردید، او را تقویت نمود؛ و گفتار (و هدف) کافران را پایین قرار داد، (و آن‌ها را با شکست مواجه ساخت)؛ و سخن خدا (و آیین او)، بالا (و پیروز) است؛ و خداوند عزیز و حکیم است!»

آیه مذکور به توطئه خطرناک مشرکان برای کشتن پیامبر ﷺ اشاره دارد. در «لیلة المبيت» از هر قبیله‌ای شخصی آماده شد و تصمیم گرفتند شبانه پیامبر ﷺ را به قتل رسانند. علی بن ابی طالب علیه السلام آن شب به جای پیامبر در بستر ایشان خوابید تا مشرکان از هجرت رسول

۱. توبه / ۴۰.

اعظم ﷺ مطلع نشده و این توطئه خنثی گردد؛ در آن شب حضرت به غار ثور رفت و کفار در تعقیب پیامبر ﷺ تا جلوی غار آمدند، ولی با دیدن تار عنکبوت ولانۀ کبوتر که به اذن و امداد الهی بر ورودی غار ایجاد شده بود، منصرف شده و برگشتند و پیامبر ﷺ پس از سه روز اقامت در آن غار، به مدینه هجرت کرد.

در آن مدّت، عامر بن فهیره، صحابی رسول خدا ﷺ برای آنان غذا می‌برد و علی علیه السلام مقدمات سفر به مدینه را فراهم می‌کرد. پس از سه روز، سه شتر آماده شد و پیامبر ﷺ عازم مدینه گردید.^(۲)

۲. پاداش بی نظیر مهاجران

خدای متعال، پاداش کشته شدن مهاجران الی الله را سکونت در بهشت و پاداش دادن به آنان را وظیفه خود می‌داند و می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُّهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَآغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ

۲. تفسیر نور، محسن قرآنی، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، قم، ۱۳۸۸ش، ج ۳، ص ۴۲۳؛ تفسیر اهل بیت علیه السلام، محمد محمدی ری شهری، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۹۸ش، ج ۶، ص ۱۵۸ بحار الأنوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۷۲.

مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^(۱)

«کسی که در راه خدا هجرت کند، جاهای امن فراوان و گسترده‌ای در زمین می‌یابد و هرکس به عنوان مهاجرت به سوی خدا و پیامبر او، از خانه خود بیرون رود، سپس مرگش فرارسد، پاداش او بر خداست؛ و خداوند، آمرزنده و مهربان است.»

در تفسیر این آیه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ فَرَّ بِدِينِهِ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ وَإِنْ كَانَ شِبْرًا مِنَ الْأَرْضِ اسْتَوْجَبَ الْجَنَّةَ وَكَانَ رَفِيقَ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله؛ هرکس به خاطر دینش از جایی به جایی بگریزد، هرچند که یک وجب زمین باشد، بهشت بر او واجب می‌شود، و همراه پدرش ابراهیم عليه السلام و پیامبرش محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد.»

بنا بر این هجرت در جهت مقاومت برای حفظ دین و پیروزی بر کفر بالاترین پاداش را در نزد خدای متعال دارد.

هجرت تاریخی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم در همین راستا بود که انقلابی نوین در

۱. نساء/ ۱۰۰.

۲. تفسیر اهل بیت علیهم السلام، محمد محمدی ری شهری، ج ۳، ص ۴۰۶؛ بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۱۹، ص ۳۱.

جهت شکوفایی و گسترش رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پدید آورد و بهترین روش برای اوج‌گیری نهضت الهی و تثبیت دولت اسلامی رسول الله شد. در توضیح این سخن علی عليه السلام می‌فرماید: «و هِجْرَتُهُ بِطَيْبَةٍ، عَلَا بِهَا ذِكْرُهُ وَامْتَدَّ مِنْهَا صَوْتُهُ»^(۳) نام و یاد رسول خدا صلی الله علیه و آله به واسطه هجرت به مدینه طیبه، اوج گرفت و آوای توحیدی‌اش بر نقاط عالم طنین‌انداز شد.»

۳. شکوفایی فضایل اخلاقی

یکی از مهم‌ترین لوازم هجرت، جدایی از تعلقات نفسانی و ارتباطات عاطفی و خانوادگی است. رفتار و گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدت ۱۳ سال در مکه آن هم در میان شدیدترین فشارها و نا امنی‌ها، اعراب سنت‌گرا و گرفتار عواطف قومی و نسبی را آن‌چنان متحوّل کرده بود که در هنگام هجرت، مهاجران مسلمان با عزمی راسخ از تمام تعلقات مادی و وابستگی‌های عاطفی چشم پوشیدند و با ترک تمام زندگی و لوازم آن به سوی مدینه رهسپار شدند. و در حقیقت آنان قبل از

۳. نهج البلاغه، صبحی صالح، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ق، خطبه ۱۶۰.

هجرت به مدینه، هجرتی دیگر نیز از درون آغاز کرده بودند.

شاگردان مکتب نبوی در اثر تعلیمات رسول خدا ﷺ از تمام عادت‌های زشت و خُلُق و خوی غیر الهی و از تمام تعلقات نفسانی به سوی خدا هجرت کرده بودند و این گفتار زیبایی مقتدا ایشان حضرت رسول ﷺ را در درون خود پیاده کرده بودند که فرمود: «الْمُهَاجِرُ مَنْ هَجَرَ السَّيِّئَاتِ»^(۱) مهاجر [حقیقی] کسی است که از گناهان [و عادات زشت فاصله بگیرد و به سوی خوبی‌ها] هجرت کند.»

مسلمانان تحوّل یافته نه تنها در قلمرو باورهای ذهنی و نظری، بلکه از اعماق جانشان ریشه‌های عاطفی و نسبی منفی را از خود دور کرده و در راه الله قدم نهاده و هم‌زمان با هجرت از مکه از بسیاری از تعلقات دنیوی هم دست کشیدند.

علاوه بر این، پیامبر اکرم ﷺ در مسیر هجرت، برخی فضائل اخلاقی را به اُمت خویش تعلیم داد. به طور مثال خصلت امانت‌داری یک نمونه بود که آن گرامی در ماجرای هجرت به یارانش آموخت.

حضرت محمد ﷺ در امانت‌داری آن‌چنان شهره بود که حتی دشمنانش با این‌که نقشه قتلش را طراحی می‌کردند، او را با لقب امین خطاب کرده و در امانت‌داری ایشان لحظه‌ای تردید نکردند و در شب هجرت، امانت‌هایی نزد او داشتند.

پیامبر اکرم ﷺ در لحظات حساس و بحرانی، که حتی جانش در خطر بود، به امانت‌های مردم می‌اندیشید. رسول الله در غار ثور به علی رضی الله عنه که به ملاقاتش آمده بود، وصایایی نمود، از جمله این که: یا علی! فردا در اجتماعات مردم مکه، صبح و شام در ابطح با آوای بلند بگو: «مَنْ كَانَ لَهُ قَبْلَ مُحَمَّدٍ أَمَانَةٌ أَوْ وَدِيعَةٌ فَلْيَأْتِ، فَلْنُؤَدِّ إِلَيْهِ أَمَانَتَهُ»^(۲) هر کس در پیش محمد امانتی دارد، بیاید امانتش را بازستاند.» و امانت‌های مردم را در ملأ عام و آشکارا به صاحبانشان برگرداند.» با این بیانات و رفتار پیامبر اسلام ﷺ، مسلمانان درس امانت‌داری گرفتند.

۲. البرهان في تفسير القرآن، سيد هاشم بحرانی، مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۶۷۵.

۱. شرح الکافی، ملا صالح مازندرانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۹ق، ج ۹، ص ۱۵۵.

۴. پدیدار شدن اعجاز نبوی صلی الله علیه و آله

هنگام هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مکه به سوی مدینه، در حالی که گرسنگی و تشنگی بر او و همراهانش غالب شده بود، به منزل «قدید» به خیمه بادیه نشینی به نام «أمّ معبد» رسیدند. فقر و تهیدستی خانواده أمّ معبد، مانع از آن بود که وی بتواند به پذیرایی میهمانان گرسنه و تشنه پردازد، پس با شرمندگی تمام عذر خواست. در این حال، نگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برگوسفندی لاغر افتاد که از فرط ضعف باگله نرفته بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله از أمّ معبد اجازه گرفت تا گوسفند را بدوشد. زن در شگفت بود که چگونه ایشان انتظار شیر از گوسفندی لاغر و ناتوان دارد، اما به هر حال او میهمان بود و أمّ معبد رضایت خویش را اعلام داشت. در مقابل دیدگان حاضران، گوسفند لاغر اندام و فاقد شیر، بیش از نیاز حاضران شیر داد و باعث تعجب أمّ معبد گردید.^(۱)

چون أمّ معبد اعجاز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دید، عرض کرد: فرزندی ۷ ساله دارم که

بیمار است و مانند پاره گوستی افتاده و از سخن گفتن هم ناتوان است. چه می شود در حق او دعای خیر بفرمایی؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آن طفل را حاضر سازند، خرمایی در دهان او گذاشت، در همان حال کودک بیمار شفای خود را باز یافت. آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله هسته خرما را هم در زمین فرو برد و در همان لحظه نخلی بر آمد و رطب تروتازه آورد و اطراف خیمه أمّ معبد را سرسبز نمود.^(۲)

۵. جذب دل های مشتاق

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای هدایت دل های آماده، از روش های مختلفی بهره می گرفت و برای هر دردی دوی ویژه آن را تجویز می نمود. «بریده بن حصیب»^(۳)

۲. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۱۹، ص ۷۶.

۳. «بریده بن حصیب أسلمی»، صحابی وفادار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که ایمان آوردن او سبب مسلمان شدن افراد زیادی از قبیله اش شد. پس از درگذشت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با عشق به ولایت امام علی علیه السلام از بیعت با ابوبکر امتناع ورزید. و از معدود افرادی است که در تشییع حضرت فاطمه علیها السلام شرکت داشت. وی در سال ۶۳ قمری در زمان فرمان رویی یزید (۶۰-۶۴) در خراسان (در اطراف مرو) درگذشته است. [الإصابة فی تمییز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۲۸۸ق، ج ۱، ص ۱۴۶. ابن اثیر، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، عزالدین ابن اثیر، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۸۴.

۱. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۱۹، ص ۴۱. أسد الغابة فی معرفة الصحابة، عزالدین ابن اثیر، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۶۸۴.

از اهالی مدینه بود. وی که در میان قوم خود از موقعیت والایی برخوردار بود و به شجاعت و شهامت شهرت داشت، در اولین برخورد خود با رسول الله ﷺ داستانی شنیدنی دارد.

«بریده» هنگامی که خبردار شد مشرکان قریش جایزه مهمی (صد شتر) برای دستگیری حضرت محمد ﷺ تعیین کرده‌اند، بعد از این که اطلاع یافت آن حضرت از مکه به مدینه در حال هجرت است، به همراه ۷۰ سوار از قبیله «بنی سهم» برای دستگیری پیامبر ﷺ و تحویل وی به قریشیان، به راه افتاد و در نزدیکی‌های مدینه با آن حضرت روبه رو گشت. آن بزرگوار عادت نداشت که فال بد بزند، بلکه تفأل می‌کرد و فال خوب و امید دهنده می‌زد.

به همین جهت پرسید: کیستی؟ گفت: بریده. پیامبر به ابابکر که همراهش بود، فرمود: «بَرِّدْ أَمْرُنَا وَصَلِّحْ؛ کار ما آسان گردیده و حال ما بهتر شد.» دوباره حضرت از او پرسید: از کدام قبیله‌ای؟ او پاسخ داد: از قبیله «أسلم». آن حضرت فرمود: «سَلِمْنَا؛ سالم مانديم.»

است.

برای بار سوم از او پرسید: از کدام قبیله اسلم هستی؟
بریده جواب داد: از بنی سهم.
رسول اکرم ﷺ فرمود: «خَرَجَ سَهْمُكَ؛ قرعه به نامت درآمد [و موفق و پیروز هستی].»

وقتی بریده این سخنان زیبا و بیان جذاب رسول خدا ﷺ را مشاهده نمود از عمق دل و جان، شیفته رفتار و گفتار آن حضرت گردید. آن‌گاه پرسید: تو کیستی؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: من محمد بن عبدالله فرستاده خداوند هستم. بریده و همراهانش در همان لحظه شهادتین گفته و مسلمان شدند.^(۱)

او آن شب همراه پیامبر اکرم ﷺ بود و صبحگاهان عرض کرد: یا رسول الله! بدون پرچم وارد مدینه نشو! در همان ساعت عمامه خود را از سر باز کرده و به نیزه‌اش بسته و درپیش روی پیامبر حرکت می‌کرد. در وسط راه از پیامبر خواهش کرد که: یا رسول الله! به من افتخار میزبانی بده و در منزل من اقامت کن. پیامبر اکرم ﷺ

۱. دلائل الإمامة، محمد بن جریر طبری، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۳۰. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۱۹، ص ۴۰.

فرمود: شتر من بدان جاکه مأمور است، خواهد رفت. اما برای این که بریده بن خصیب ناراحت نشود به او مژده مهمی داد؛ مژده شهادت و فرمود: روزی می رسد که به همراه لشکر اسلام به مقام بلند شهادت نائل می شوی.^(۱)

بریده بن حصیب اسلمی در اثر فداکاری و عشق و ایثار به مرتبه ای رسید که از خواص یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام گردید. او جزء ۱۲ نفری بود که بر ضد خلافت ابی بکر شوریده و از مقام ولایت در سخت ترین لحظات تاریخی دفاع نمود.^(۲)

۶. اوج مدیریت سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله

در ماجرای هجرت اتفاقاتی افتاد که اوج مدیریت رسول خدا صلی الله علیه و آله را نشان می داد. اهمیت افتخار میزبانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زمینه کشمکش های ریشه دار میان دو قبیله «اوس» و «خزرج» که هر کدام اصرار داشتند تا آن افتخار تاریخی را به خود اختصاص دهند، نیازمند تدبیر و درایت ویژه ای بود.

با عنایت به شدت تعصبات قومی در میان اوس و خزرج - که علی رغم گرویدن به اسلام هیچ گاه تمام آنان نتوانستند، همواره تعصب قومی را در مرتبه ای نازل تر از تعصب دینی قرار دهند - اگر پیامبر سیاستی خاص را برای عدم تحریک آن تعصبات پیش نمی گرفت، چه بسا سرور و شادی استقبال از پیامبر خدا، جای خود را به جنگ و خونریزی می داد. به سهولت می توان تصوّر کرد که پس از رسیدن شتر پیامبر به آستانه شهر، چگونه انبوهی از مسلمانان اوس و خزرج با سبقت از همدیگر و با اشتیاق تمام، به افسار شتر چنگ زده بودند و هر کدام می کوشیدند تا پاسخ دعوت میزبانی را از زبان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بشنوند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله که همه این ها را پیش بینی کرده بود، در مقابل فریادهای دعوت، پاسخ داد: «خَلُّوا سَبِيلَهَا فَإِنَّهَا مَأْمُورَةٌ؛ زمام شتر را رها کنید، حیوان مأمور است.» یعنی هر جا شتر زانو زد من همان جا فرود خواهم آمد. این تدبیر آن قدر چاره ساز بود که همه را ساکت کرد، ولی تمام قلب ها به تپش افتاد. شتر پیامبر خدا از کوجه های مدینه گذشت و

۱. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۱۹، ص ۴۰.

۲. معجم رجال الحديث، سید ابوالقاسم خوئی، آستان مقدس رضوی علیه السلام، مشهد، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۲۰۲.

سرانجام در زمینی متعلق به دو یتیم زانو زد. وقتی شتر پیامبر، زمین یتیمان را برای غم خوار و حامی یتیمان برگزید، انصار نیز رضایت دادند تا حضرت رسول ﷺ به طور موقت در خانه ابویوب انصاری که در کنار آن زمین قرار داشت، مستقر گردد.^(۱)

۷. استقبال جوانان از رسول خدا ﷺ

یکی دیگر از مهم ترین نکاتی که در هجرت رسول الله ﷺ دیده می شود، توجه جوانان و نوجوانان مدینه به آن حضرت بود. در داستان هجرت این مسأله به طور واضح دیده می شود که جوانان مدنی با شورو شعف خاصی به استقبال حضرت رسول ﷺ آمده بودند و در مقابل موکب مبارک نبوی سرودهای شادی آفرین خوانده و احساسات وصف ناپذیر خود را به آن وجود گرامی ابراز می کردند، یکی از این اشعار سروده زیر بود:

طَلَعَ الْبَدْرُ عَلَيْنَا
مِنْ تَنْبِيَاتِ الْوُدَاعِ

ماه درخشان از «ثنية الوداع» برای ما طلوع کرد.

وَجَدَ الشُّكْرَ عَلَيْنَا
مَا دَعَى لِلَّهِ دَاعِ

۱. البداية و النهاية، ابن كثير دمشقي، دار المعرفة، بيروت، ۱۳۷۶ش، ج ۴، ص ۴۹۱.

تا روزی که خداپرستان خدا را عبادت می کنند، شکر این نعمت بر ما واجب است.

أَيُّهَا الْمَبْعُوثُ فِينَا
جِئْتَ بِالْأَمْرِ الْمَطَاعِ^(۲)

ای آن کسی که از طرف خداوند برای هدایت ما مبعوث شدی، فرمان تو بر همه ما لازم و مطاع است.

۸. درسی برای سیاستمداران

درس آموزترین بخش هجرت نبوی ﷺ رفتاری ساده، اما پر از حکمت برای سیاستمداران اسلامی است.

علامه مجلسی رحمته الله می نویسد: چون با عنایت الهی، گوسفند لاغرأم معبد به شیر دادن افتاد، پیامبر کاسه شیر را پر کرد و به حاضران داد. آنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بر خود مقدم می داشتند، اما او خود را بر حاضران مقدم نداشت و آموزه رهبری خویش را به زبانی ساده چنین بیان داشت:

«لَيْشْرَبَ سَاقِي الْقَوْمِ آخِرُهُمْ؛^(۳)
آب دهنده گروه، باید آخر از همه آب بنوشد.»

۲. إمتاع الأسماع، مقريزي، لجنة التأليف والترجمة والنشر، قاهرة، ۱۹۴۱م، ج ۹، ص ۲۰۲.
۳. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۷۵، ص ۴۵۵.

۵. به وجود آمدن یک نیروی مقتدر مذهبی و مدافع آیین وحی و یک جبهه قوی در مقابل شیاطین و مستکبران.

۶. تبدیل شدن شهر مدینه به یک کانون مذهبی و سیاسی و استقبال قبایل و متفکران آزاداندیش سیرادیان و شرکت آنان در گفتگوها و جلسات پیامبر صلی الله علیه و آله.

با توجه به این آثار و سایر نکاتی که هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به ارمغان آورد، شایسته بود که یاد این حادثه سرنوشت ساز که منشأ تحوّل عظیم در اسلام گردید، برای همیشه زنده و جاوید بماند. برای همین هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مکه به مدینه به عنوان تاریخ رسمی مسلمانان قرار گرفت. این هجرت الگوی شایسته‌ای برای مقاومت مسلمانان و به ویژه سیاست مداران مسلمان و علمای اسلام در مقابل حوادث سخت و دشمنان خطرناک است و فرصت خوبی برای توسعه و گسترش رسالت الهی و معارف توحیدی بوده که در سیره اصحاب و علما مشاهده می‌شود.

آن گرامی در عمل نشان داد که از جنس مردم است و با مردم. اگر امروزه فقط همین کلام نبوی را سیاست مداران و کارگزاران نظام اسلامی نصب العین قرار دهند، چقدر محبوب القلوب خواهند شد و در خدمت گذاری توفیق می‌یابند.

۹. برکات هجرت

در این جا به برخی از برکات هجرت رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره می‌کنیم:

۱. نجات جان پیامبر صلی الله علیه و آله از چنگال خون خواران مشرک و کافر در حساس ترین لحظات تاریخ اسلام.
۲. فراهم شدن محیط مناسب و آماده و آشنا به شرایع و کتب آسمانی برای تبلیغ معارف اسلام.
۳. تشکیل هسته‌های اولیه اولین دولت اسلامی در مدینه.
۴. به وجود آمدن زمینه تربیت و اعزام مبلغان جوان و با ایمان از مدینه برای نشر تعالیم آسمانی اسلام به قبائل دوردست و در حقیقت تشکیل یک سازمان منسجم تبلیغاتی و اطلاعاتی برای دولت نوظهور

نبوی صلی الله علیه و آله.



«مذهب جعفری»

چرا به مذهب «تشیع» مذهب جعفری می‌گویند؟

سید جواد حسینی

اشاره

مذهب جعفری همان اسلام واقعی است که در برابر سایر فرق اسلامی، نام شیعه را به خود گرفته است و در واقع پیامبر اسلام ﷺ خود مؤسس و نام‌گذارنده آن بوده‌اند. در کتاب «تأسیس الشیعة» آمده است: «لفظ شیعه در روزگار پیامبر ﷺ بوده است، چنان‌که ابوحاتم می‌نویسد: نخستین نامی که در اسلام به روزگار رسول خدا ﷺ آشکار گردید، شیعه بود و آن لقب چهارتن از صحابه بود: ابوذر غفاری، سلمان فارسی، مقداد بنی‌أسود کندی و عمار بن یاسر، تا این‌که هنگام صفین این اصطلاح در میان هواخواهان [امام] علی علیه السلام منتشر گردید».

«انس بن مالک» خادم رسول الله ﷺ می‌گوید: روزی رسول خدا ﷺ فرمودند: خدای تعالی در روز قیامت بندگان را بر می‌انگیزد که از چهره‌های شان نوری از راست به چپ عرش پرتوافکنی می‌کند و به منزله پیامبران هستند؛ ولی پیامبر نیستند و به منزله شهیدان هستند؛ ولی شهید نیستند. ابوبکر برخاست و گفت: من از آنان هستم ای پیامبر خدا؟ فرمود: نه. سهل بن حنیف برخاست و گفت: من از آنان هستم ای پیامبر خدا؟ فرمود: نه. سپس رسول خدا ﷺ دستش را بر سر علی علیه السلام گذاشته، فرمودند: این [شخص] است و شیعه‌اش».^(۱)

۱. دایرةالمعارف تشیع، سید محمد مهدی جعفری، نشر سعید محبتی، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۳، فصل اول، ص ۳-۵.

۱. شیعه و تشیع

لغت شیعه به معنای پیرو و یار بوده، در قرآن نیز به همین معنا استعمال شده است: «فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَةِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ»؛^(۳) «حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ در شهر دو مرد را دید که نزاع می‌کردند؛ یکی از پیروان و یکی از دشمنانش بود».^(۴)

راز این نام آن است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیروان حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را در صدر اسلام شیعه نامیدند و بارها برای پیروان و دوست‌داران امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ این لفظ را به‌کار بردند. از «عبدالله انصاری» و «ابن عباس» نقل شده: پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تفسیر آیه: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»؛^(۵) «کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات‌اند.» به امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ اشاره کرده، فرمودند «تو و شیعیانت، روز قیامت رستگار خواهید بود».^(۶)

دوره امامت حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ (از سال ۱۱۴ تا ۱۴۸ق)^(۱) یکی از دوران بحرانی در تاریخ اسلام بود؛ زیرا بنیان حکومتی یکصدساله بنی‌امیه فروریخته بود و بنیان حکومت پانصدساله بنی‌عباس پی‌ریزی می‌شد، پس همت اصلی سران حکومت تازه، کوبیدن مخالفان بود. از سال ۱۳۲ق که حکومت عباسیان به‌طور رسمی آغاز شد، تا سال ۱۳۷ق سردمداران آن از هیبت و عظمت «ابومسلم خراسانی» هراس داشتند و تا او را با حيله و فریب نکشتند،^(۲) احساس آرامش نکردند. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ با توجه به این فضا، پایه‌های فکری نظام تشیع را تقویت نمود.

چهار نام معروف مذهب «شیعیان»

از شیعه در منابع تاریخی به نام‌های مختلفی یاد شده است که به اهم آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۴۷، ص ۶.
۲. تاریخ طبری، محمد بن رستم جریرطبری، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲ش، ج ۶، ص ۱۲۳.

۳. قصص/۱۵.

۴. قاموس قرآن، سید علی‌اکبر قرشی، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۷۱ش، ج ۴، ص ۹۵.

۵. بیته/۷.

۶. الدر المنثور، جلال‌الدین سیوطی، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۴ق، ج ۸، ص ۵۸۹.

حاکم حسکانی نیز در ذیل آیه فوق، بیش از ۲۰ روایت نقل کرده است که مراد از «خیر البریة» شیعیان حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام هستند. بسیاری دیگر از دانشمندان اهل سنت نیز همین مضمون را در کتب خود نقل کرده‌اند. از جمله: خطیب خوارزمی در «مناقب»؛ ابونعیم اصفهانی در «کفایة الخصام»؛ علامه طبری در تفسیر معروفش؛ ابن صباغ مالکی در «فصول المهمة»؛ علامه شوکانی در «فتح الغدیر»؛ شیخ سلیمان قندوزی در «ینایع المودة» و آلوسی در «روح المعانی» و جمعی دیگر ذیل آیات مورد بحث.^(۱)

پس آن‌هایی که توهم می‌کنند شیعه از تعبیراتی است که قرن‌ها بعد از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به وجود آمده، سخت در اشتباه‌اند.^(۲)

۲. امامیه اثنی عشریه

نام دیگری که برای این مذهب به کار می‌رود، نام امامیه اثنی عشریه؛ یعنی پیروان دوازده امام است. راز این نام‌گذاری روایاتی است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ امامان و خلفای بعد از خود را دوازده نفر

۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۰ش، ج ۲۷، ص ۲۱۴.
 ۲. همان.

دانسته‌اند و شیعیان این دوازده نفر از اولاد آن حضرت را به عنوان امام و پیشوایان دینی و علمی پذیرفته‌اند. این روایات در منابع اهل سنت تحت عناوین: دوازده خلیفه، دوازده امیر و امثال این عناوین آمده است. در ادامه برخی احادیث «کَلِّهْمْ مِنْ قَرِيشٍ» و در برخی روایات «کَلِّهْمْ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ» دارد. به عنوان نمونه، در یکی از این روایات که عنوان دوازده خلیفه ذکر شده و مکرر در مسند احمد، صحیح مسلم و سنن ابی داود بیان گردیده، مضمون همه آن‌ها چنین است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند: اسلام پیوسته با دوازده خلیفه که همه آنان از قریش هستند، عزیز خواهد بود.^(۳)

در برخی از کتاب‌های اهل سنت آمده است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: پیوسته این دین بر کسی که آن را دشمن دارد، غالب است و هیچ مخالف و معاندی به آن ضرر نمی‌زند، تا این‌که دوازده

۳. مسند احمد، احمد بن حنبل، دار صادر، بیروت، بی تا، ج ۵، صص ۹۰، ۹۳، ۹۸ و ۱۰۰؛ صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، دارالفکر، بیروت، بی تا، ج ۶، ص ۳-۴؛ سنن ابی داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۰۹.

گران بها باقی می‌گذارم: کتاب خدا که در آن هدایت و نوراست؛ پس کتاب خدا را بگیرید و به آن تمسک جوید! و دیگری، اهل بیتم».

در منابع مختلف اهل سنت آمده است که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي...»^(۳) من در میان شما دو چیز را به جا می‌گذارم؛ اگر از هر دوی آن‌ها متابعت کنید، هرگز گمراه نمی‌شوید و آن دو، کتاب خدا و اهل بیت و عترتم هستند.» البته این حدیث به صورت‌های گوناگون در کتاب‌های شیعه و عامه نقل شده است.

۴. مذهب جعفری ﷺ

چهارمین و معروف‌ترین نام این مذهب «جعفری» منسوب به اسم امام جعفر صادق ﷺ است.

علت نام‌گذاری به مذهب «جعفری»

بحث ما در این نام است که چرا با وجود امامان برتر، مانند سیدالآوصیاء، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب ﷺ و حسن بن حسین ﷺ به عنوان سید جوانان

۳. المستدرک علی الصحیحین، حاکم محمد بن عبدالله نیشابوری، دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۱۸.

امیر از امت من را پشت سر بگذرانند که همگی آنان از قریش‌اند (یا کارمردم پیوسته بگذرد، تا این که دوازده امیر بر آنان حکومت کنند که همگی از قریش هستند).^(۱)

۳. مذهب اهل بیت ﷺ

نام دیگری که برای شیعه به کار رفته، مذهب اهل بیت است. دلیل این نام آن است که در این مذهب، اهل بیت رسول الله ﷺ در کنار قرآن به عنوان مرجع دینی و علمی مطرح‌اند و در روایات شیعه و عامه بر مرجعیت آن‌ها تصریح شده است. از جمله در «صحیح مسلم» آمده است: رسول خدا ﷺ بین راه مکه و مدینه در محلی به نام «خم» بعد از ستایش خدا و موعظه مردم فرمودند: «...وَأَنَا تَارِكٌ فِيكُمْ ثَقَلَيْنِ أَوْلُهُمَا كِتَابُ اللَّهِ فِيهِ الْهُدَى وَالنُّورُ فَخُذُوا بِكِتَابِ اللَّهِ وَاسْتَمْسِكُوا بِهِ وَأَهْلُ بَيْتِي...»^(۲) من بین شما دو امر

۱. مسند احمد، ج ۵، ص ۸۷، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۹۸ و ۱۰۱؛ صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، دارالفکر، بیروت، بی تا، ج ۸، ص ۱۳۷؛ سنن ترمذی، محمد بن عیسی ترمذی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۴؛ ح ۲۳۲۳؛ المعجم الکبیر، سلمیان بن احمد طبرانی، مکتبه ابن تیمیّه، قاهره، بی تا، ج ۲، ص ۱۹۰ و ۲۵۵.
۲. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۳.

بهشت، چرا مذهب شیعه به نام مذهب جعفری معروف شده است؟ حکمت و علت این نام‌گذاری اموری است که به اهم آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. نام‌گذاری خود حضرت صادق علیه السلام

اولین مسأله‌ای که کم‌تر به آن توجه شده است و می‌تواند راز این نام‌گذاری باشد، تصریح خود حضرت صادق علیه السلام در مورد جعفری بودن شیعیان است. در منابع مختلف این روایت آمده است که «زید شحام»^(۱) می‌گوید:

امام صادق علیه السلام به من فرمودند: به هرکس از مردم که بینی پیروی از من کند و به گفتار من عمل نماید، سلام مرا برسان! و من به شما سفارش می‌کنم که نسبت به خدای عزوجل تقوا پیشه کنید و در دین خود پارسا باشید و برای

۱. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، محقق/مصحح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۷؛ مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، علی بن حسن طبرسی، المكتبة الحیدریة، نجف، ۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م/۱۳۴۴ش، ص ۱۵؛ وسائل الشیعة، شیخ حرعاملی، مصحح و چاپ: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۶؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله، محمدباقر مجلسی، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۴ق، ج ۱۲، ص ۵۲۸.

خداکوشش کنید و به راست‌گویی و ادای امانت و طول دادن سجده و نیکی با همسایه شما را سفارش می‌کنم؛ زیرا حضرت محمد صلی الله علیه و آله همین دستورها را آورده است. هر که به شما امانت سپرده، به او برگردانید؛ خواه نیک رفتار باشد یا بدکردار؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله دستور می‌داد که سوزن و نخ را نیز به صاحبش رد کنید؛ و با خاندان خود پیوند داشته باشید و به جنازه مرده‌های شان حاضر شوید و بیماران شان را عیادت کنید و حقوق شان را بپردازید؛ زیرا هرکس از شما که در دینش پارسا و راست‌گو باشد و امانت را به صاحبش برگرداند و اخلاقش با مردم خوب باشد، گویند: این جعفری است و این مرا شاد می‌کند و از جانب او بر من شادی و سرور وارد می‌شود و گویند که این ادب (و فرهنگ) جعفر بن محمد علیه السلام است و اگر جز این باشد، عار و ننگ او بر من وارد می‌شود و گویند: این ادب و فرهنگ جعفر است.

به خدا سوگند! پدرم برای من حدیث کرد که مردی از شیعیان علی علیه السلام در قبیله‌ای بود و زینت آن قبیله به شمار می‌رفت، از همه آن‌ها در پرداخت

و در یک انقلاب فرهنگی همه جانبه، مذهب واقعی را ارائه کردند که بر اثر آن تشیع دارای شناسنامه رسمی گردید و از آن پس مذهب شیعه به نام «جعفری» مزین شد. حضرت با توجه به شرایط مناسب اجتماعی و کاسته شدن اختناق و فشارهای سیاسی، توانستند این انقلاب فرهنگی مهم را ایجاد کنند و تعالیم اسلامی و احادیث نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بیش تر از سایر امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام گسترش داده، تبلیغ کنند و هزاران شاگرد و دانشمند زبده را در حوزه های مختلف درس خویش، مانند: فقه، حدیث، تفسیر، کلام، کیمیا، طبابت، جغرافیا، نجوم و... به جامعه اسلامی تحویل دهند و چون در آن زمان مذاهب چهارگانه اسلامی از طرف مسلمانان به رسمیت شناخته شده بودند، مذهب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز بر همین اساس به نام مذهب جعفری در کنار مذاهب اسلامی دیگر معروف گردید.^(۱)

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره مسائل مختلف علمی و اسلامی روایات زیادی

۱. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام و مذاهب چهارگانه، اسد حیدر، مترجم: حسن یوسفی اشکوری، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹ش، ج ۱، ص ۲۷۹-۲۸۰.

امانت بهتر بود و حقوق شان را بهتر مراعات می کرد و در گفتار راست گوتر بود و سفارشات و تمام وصیت های اهل قبيله و سپرده های خود را آنان به او می سپردند و چون از او می پرسیدی، می گفتند: کیست مثل فلان شخص؟ او در ادای امانت و راست گویی از همه ما بهتر است».

این روایت را با این که طولانی بود، آوردیم تا اولاً صفات شیعه جعفری روشن شود، ثانیاً حضرت سه مرتبه بر کلمه جعفری و جعفر تصریح فرموده اند که نشان می دهد از شیعه در آن زمان به نام جعفری یاد می شده و حضرت نیز این نام را انتخاب فرموده اند.

۲. انقلاب فرهنگی جامع امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام

قیام خونین امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام دل های بسیاری از مسلمانان جهان اسلام را متوجه اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کرده بود. در زمان امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام حکومتی روی کار بود که از شعار «الرِّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ» استفاده کرد، گرچه آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام را کنار زده بود و مردم نیز پذیرفته بودند. در آن فضای تیره که مذاهب اهل سنت در حال شکل گیری و تبلیغ بودند، حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام گام دوم در بنیان گذاری مکتب تشیع را برداشتند

نقل شده است، چنان که «ابن حجر هیتمی»، فقیه شافعی قرن دهم هجری قمری نوشته است: مردم آن چنان از علم او بهره بردند که آوازه جعفر بن محمد به تمام شهرها رسید.^(۱) عالمان برجسته‌ای مانند: یحیی بن سعید، ابن جریج، مالک بن انس، سفیان بن عینه، سفیان ثوری، ابوحنیفه و ایوب سختیانی و... از امام صادق علیه السلام روایت کرده‌اند^(۲) و به باور «احمد پاکتچی»، منتسب کردن مذهب شیعه به امام جعفر صادق علیه السلام به دلیل شرایطی بوده که حضرت در آن زندگی می‌کردند که مذاهب و مکاتب مختلف ظهور کرده بودند و متداول‌ترین شیوه برای متمایز کردن مذاهب از یکدیگر، انتساب آن‌ها به کسانی بود که بنیان‌گذار آن بودند یا در گسترش آن کوشیده بودند.^(۳) وی شواهدی آورده است که بر اساس آن در زمان حیات امام صادق علیه السلام

نیز عنوان «مذهب جعفری» برای شیعه به کار می‌رفته است.^(۴)

۳. ظهور عمده مبانی فقه و احکام در زمان امام صادق علیه السلام

تمام امامان شیعه برای توسعه احکام اسلامی زحمات طاقت‌فرسایی را در قالب‌های مختلف، مانند: قیام، صلح، سکوت، فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی متحمل شدند؛ اما امام صادق علیه السلام به سبب درگیری‌ها و اختلافاتی که بین بنی‌امیه و بنی‌عباس پیش آمده بود، فرصت خوبی برای توسعه اسلام واقعی (تشیع) پیدا کردند. امروزه عمده مبانی تمامی ابواب فقه و احکام ریز حج، خمس، زکات، دیات و... از آن امام بزرگوار اخذ شده است.^(۵)

استاد جعفر شهیدی رحمته الله علیه، تاریخ‌نگار (م ۱۳۸۶ش) دوران امامت امام صادق علیه السلام (از ۱۱۴ تا ۱۴۸ق) را عصر انتشار فقه آل محمد صلوات الله علیهم یا به تعبیر دیگر، روزگار تعلیم

۴. همان؛ المعارف، ابن قتیبه، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۱۹۹۲م، ص ۲۱۵؛ قرب الاسناد، عبدالله بن جعفر حمیری، مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۳ق، ص ۳۵۷.
۵. فرهنگ فقه فارسی، مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷ش، ج ۳، ص ۹۵.

۱. الصواعق المحرقة، احمد بن حجر هیتمی، مكتبة القاهرة، ۱۳۸۵ق، ص ۲۰۱.
۲. همان.
۳. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (امام جعفر صادق علیه السلام)، احمد پاکتچی، زیر نظر: کاظم موسوی بجنوردی، انتشارات دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۹ش، ص ۲۱۱.

۴. مناظرات امام صادق علیه السلام با اربابان دانش

مناظرات امام صادق علیه السلام با علمای مختلف، در رشته‌های گوناگون علمی، به ویژه مناظرات وی با ابوحنیفه مشهور، در منابع شیعه و سنی ثبت شده است.^(۳) به عنوان مثال، امام چگونگی گردش خون در بدن و وظایف گلبول‌ها را دست‌کم هزار سال پیش از دانشمندان غربی بیان کرده‌اند.^(۴) «ابن ابوالعوجاء» که مناظرات و مباحثات زیادی با حضرت داشت، دربارهٔ ایشان می‌گوید: «این شخص از جنس بشر نیست، اگر در جهان روحانی‌ای، وجود داشته باشد که هرگاه اراده کند جهانی یا روحانی باشد، اوست.»^(۵) این مناظرات سبب شهرت حضرت و معروف شدن شیعه به نام ایشان شد.

و تدریس فقه جعفری دانسته است که در آن سال‌ها مدینه چهرهٔ دیگری یافته بود.^(۱) ایشان به صراحت می‌نویسد: «آن که در اخبار فقه شیعه تتبع کند، خواهد دید روایت‌های رسیده از امام صادق علیه السلام در مسائل مختلف فقهی و کلامی، مجموعه‌ای گسترده و متنوع است. برای همین است که مذهب شیعه را مذهب جعفری خوانده‌اند. گشایشی که در آغاز دههٔ سوم سدهٔ دوم هجری پدید آمد، موجب شد مردم آزادانه‌تر به امام صادق علیه السلام روی آورند و گشودن مشکلات فقهی و غیرفقهی را از او بخواهند... دانشمندان از هیچ‌یک از اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مقدار آن‌چه از ابو عبدالله علیه السلام روایت دارند، نقل نکرده‌اند. هیچ‌یک از آنان متعلمان و شاگردانی به اندازهٔ شاگردان او نداشته‌اند. روایات هیچ‌یک از آنان برابر با روایت‌های رسیده از او نیست. اصحاب حدیث نام راویان از او را چهار هزار تن نوشته‌اند. نشانهٔ آشکار امامت او خردها را حیران می‌کند و زبان مخالفان را از طعن لال می‌سازد.»^(۲)

۱. زندگانی امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام، جعفر شهیدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۴ ش، ص ۶۱.
۲. همان، ص ۴۷.

۳. المناقب، ابن شهر آشوب مازندرانی، نشر علامه، قم، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۳۰۵-۲۳۳؛ کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، علی بن عیسیٰ اربلی، ترجمه: هاشم رسولی محلاتی بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۳۰-۳۶۷.
۴. توحید مفضل (از امام صادق علیه السلام)، مفضل بن عمر، هجرت، قم، ۱۳۷۷ش.
۵. امام صادق علیه السلام و مذاهب چهارگانه، ج ۱، ص ۸۲.



بوی خوش بهشتی

حسین تربتی

خوش بوهای بهشتی

اشاره

در طول تاریخ افرادی که بوی خوش بهشتی و با عامل معنوی داشته‌اند زیادند؛ اما در این نوشته به دلیل مجال اندکی که وجود دارد، به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. بوی خوش پیراهن حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام

بوی خوش پیراهن حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام را که برگرفته از عطر خود او بود، حضرت یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام از فاصله دور استشمام کرد. قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفِئِدُون﴾^(۱) «هنگامی که کاروان

انسان‌ها ذاتاً و فطرتاً بوی خوش را دوست دارند و از آن لذت می‌برند. در ادیان الهی، به خصوص اسلام، بر استفاده از بوی خوش، به ویژه در مسجد و نماز سفارش و تأکید شده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیوسته منظم و معطر بود و هزینه تهیه عطر حضرت بیش‌تر از غذا و لباس بود.

گاهی خوش‌بویی ناشی از عطر، ادکلن و امثال آن است و گاهی عامل و ریشه معنوی دارد که ناشی از معنویت بالا و قرب الی الله است. آنچه پیش رو دارید، بیان نمونه‌هایی از افرادی است که از بوی خوش معنوی برخوردار بودند.

۱. یوسف/۹۴.

چنان که رسول خدا ﷺ نسبت به او یس قرنیه ﷺ فرمودند: من بوی رحمان را از جانب یمن استشمام می‌کنم. (۴)

از روایات استفاده می‌شود که این پیراهن یک پیراهن معمولی نبوده؛ بلکه پیراهنی بهشتی بوده است که از حضرت ابراهیم ﷺ به خاندان یعقوب ﷺ به یادگار داده بود و چون حضرت یعقوب ﷺ شامه بهشتی داشت، از راه دور آن را استشمام کرد (۵) و این که چرا بوی پیراهن را از درون چاه یا در طول ۴۰ سال استشمام نکرد، شاید قضای الهی بوده است که با پایان یافتن قضای الهی، آن بورا بشنود و دوران فراق خاتمه یابد. (۶)

در واقع، علم غیبی انبیا و اولیا ﷺ متکی به علم و اراده الهی است؛

(برادران یوسف ﷺ از سرزمین مصر) جدا شد، پدرشان [یعقوب ﷺ] که در کنعان بود [گفت: من بوی یوسف را احساس می‌کنم، اگر به من نسبت نادانی و کم عقلی نمی‌دهید!].

طبرسی ﷺ از امام صادق ﷺ روایتی نقل کرده است که: یعقوب در فلسطین بوی پیراهن یوسف ﷺ را از فاصله مسیر ده شب راه شنید. ابن عباس گفته: از مسیر هشت شب راه بوی او را استشمام کرد. حسن گفته: از هشتاد فرسخی آن را استشمام نمود و اصم گفته: از مسیری یک ماه (استشمام نمود). (۱) هر چند استشمام بوی پیراهن از فاصله دور، به حسب عادی ممکن نیست و بدین جهت مورد ملامت اطرافیان خود قرار گرفت؛ (۲) اما نوعی معجزه و کرامت مخصوصی بود که به حضرت یعقوب ﷺ عنایت شد. (۳)

۴. تنبیه الخواطر ونزهة النواظر (معروف به مجموعه وزام)، مسعود بن عیسی وزام بن ابی فراس، چاپ علی اصغر حامد، تهران، ۱۳۷۶ق، ج ۱، ص ۱۵۴.
 ۵. تفسیر نور الثقلین، عبد العلی بن جمعه عروسی حویزی، محقق: سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۴۶۴؛ تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ هفتم، ۱۳۷۰ش، ج ۱۰، ص ۷۳.
 ۶. تفسیر کوثر، یعقوب جعفری، هجرت، قم، ۱۳۹۸ش، ج ۵، ص ۴۴۹.

۱. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، فضل بن حسن طبرسی، تحقیق: رضا ستوده، انتشارات ناصر خسرو، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش، ج ۱۲، ص ۲۹۳.
 ۲. گفتند: «به خدا تودر همان گمراهی سابقت هستی!» یوسف/ ۹۵.
 ۳. تفسیر آسان، محمد جواد نجفی خمینی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش، ج ۸، ص ۱۹۵-۱۹۶.

یعنی هر جا خدا بخواهد، متوجه می‌شوند.^(۱) سعدی در این باره می‌گوید: یکی پرسید از آن گم‌کرده فرزند که ای روشن‌گهر پیر خردمند زمصرش بوی پیراهن شنیدی چرا در چاه کنعانش ندیدی بگفت احوال ما برق جهان است دمی پیدا و دیگر دم نهان است گهی بر طارم اعلا نشینیم گهی بر پشت پای خود نبینیم^(۲)

۲. بوی خوش رسول خدا ﷺ

در حدیث معروف کساء، قصه بوی خوش حضرت ﷺ بیان شده است: «... اِنِّی اَشْمُ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ...؛ من نزد شما بوی خوشی استشمام می‌کنم، گویا بوی جدم رسول خدا ﷺ است».

۳. بوی بهشتی حضرت فاطمه زهرا ﷺ:

در برخی روایات ریشه این خوش‌بویی بیان شده است. از جمله ابن عباس

می‌گوید: پیغمبر اکرم ﷺ زیاد فاطمه را می‌بوسید. روزی عایشه به اعتراض گفت: چرا شما فاطمه را زیاد می‌بوسید؟ حضرت فرمودند: در شب معراج، هنگامی که جبرئیل ﷺ مرا وارد بهشت کرد، از تمام میوه‌های بهشتی به من داد و از عصاره آن‌ها نطفه فاطمه در رحم خدیجه ﷺ منعقد شد: «فَإِذَا اشْتَقْتُ لِيَتْلِكَ التَّمَارِ قَبَّلْتُ فَاطِمَةَ فَاصْبَتْ مِنْ رَائِحَتِهَا جَمِيعَ تِلْكَ التَّمَارِ الَّتِي أَكَلْتُهَا»^(۳) هنگامی که مشتاق آن میوه‌های بهشتی می‌شوم، فاطمه را می‌بوسم و از عطر او بوی تمام آن میوه‌ها را که در آن شب خوردم، استشمام می‌کنم».

در کتاب «ذخائر العقبی» در روایتی از جمعی از صحابه آمده است که: پیغمبر ﷺ فرمودند: جبرئیل ﷺ سببی از بهشت برایم آورد، خوردم و نطفه فاطمه از آن منعقد شد.^(۴) در روایت دیگری این میوه «سفرجل» یعنی «به» تعیین شده است، چنان‌که در «مستدرک الصحیحین»

۳. ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی ﷺ، احمد بن عبدالله طبری، دارالکتاب الإسلامی، قم، ۱۳۸۶ ش، ص ۳۶.

۴. همان، ص ۴۴.

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۰، صص ۷۳-۷۴.

۲. گلستان سعدی، به کوشش: دکتر خلیل خطیب رهبر، انتشارات صفی علی‌شاه، چاپ چهارم،

۱۳۶۹ ش، باب دوم: در اخلاق درویشان، ص ۱۶۱.

از «سعد بن مالك» از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است.^(۱)

در روایتی میوه سفید و خوش بو معرفی شده است: «لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أُدْخِلْتُ الْجَنَّةَ فَوَقَفْتُ عَلَى شَجَرَةٍ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ لَمْ أَرَفِي الْجَنَّةَ أَحْسَنَ مِنْهَا وَلَا أْبْيَضَ وَرَقًا وَلَا أَطْيَبَ ثَمَرَةً، فَتَنَاوَلْتُ ثَمَرَةً مِنْ ثَمَرَتِهَا، فَأَكَلْتُهَا فَصَارَتْ نُظْفَةً فِي صُلْبِي، فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَقَعْتُ خَدِيحَةَ، فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ، فَإِذَا أَنَا اشْتَقْتُ إِلَى رِيحِ الْجَنَّةِ شَمَمْتُ رِيحَ فَاطِمَةَ؛^(۲) در شب معراج مرا وارد بهشت کردند و در برابر درختی از درختان بهشتی ایستادم که در تمام بهشت از آن زیباتر و بزرگی از برگ های آن سفیدتر و میوه ای از میوه های آن خوش بوتر ندیدم، پس یکی از میوه های آن را برگزیدم و تناول کردم و نطفه ای در صلب من تشکیل شد. بعد از آن که به زمین هبوط کردم و با خدیجه عَلَيْهَا السَّلَامُ هم بستر شدم، نطفه فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ منعقد شد، پس

هنگام اشتیاق به بوی بهشت، فاطمه را استشمام می کنم.^(۳)

۴. بوی خوش امام حسین شهید عَلَيْهِ السَّلَامُ

ابن کثیر دمشقی، از علمای بزرگ اهل سنت، می نویسد: «هشام بن کلبی می گوید: برای این که اثری از قبر [امام] حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ نماند، [به دستور متوکل عباسی] آب را به سمت قبر [شریف] هدایت کردند. پس از چهل روز که آب فروکش کرد، مردی اعرابی از قبیلۀ بنی اسد آمد و [برای یافتن قبر مبارک حضرت] مشتی خاک را برداشت و بوید [تا ببیند کدام خاک بوی امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ را می دهد] تا [به قبر مبارک رسید، پس] روی قبر افتاد و گریه کرد و عرضه داشت: حسین جان! پدر و مادرم به فدایت! چقدر خوش بو هستی و تربتت چه خوش بوست! دشمنانت می خواستند قبرت را مخفی کنند؛ ولی بوی خوش تربتت نشانه و راهنما به قبرتوست».^(۴)

شاید ریشه این بوی خوش جریانی

۳. همان؛ در این بخش از کتاب: زهر عَلَيْهِ السَّلَامُ برترین بانوی جهان، ناصر مکارم شیرازی، سرور، قم، ۱۳۸۶ ش، ص ۶۷ بهره برده ایم.

۴. البداية والنهاية، ابن کثیر دمشقی، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، ج ۸، ص ۲۲۲.

۱. مستدرک الصحیحین، حاکم نیشابوری، تحقیق: عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۵۶.

۲. تفسیر دژ المنشور، جلال الدین سیوطی، دارالفکر، بیروت، چاپ اول، بی تا، ذیل آیه ۱۷ سوره اسراء.

است که در حدیثی نقل شده: «جبرئیل علیه السلام نازل شد و در دستش سیب، به و انار بود. آن‌ها را به امام حسن علیه السلام داد، همان‌گونه با دستش اشاره کرد و به امام حسین علیه السلام نیز داد. هر دو خوشحال و خندان شدند و نزد جدشان شتافتند. پیامبر صلی الله علیه و آله میوه‌ها را گرفت و بویید، سپس آن‌ها را به آن دو بزرگوار برگردانده، فرمود: با آنچه دارید، نزد مادرتان بروید و اگر ابتدا پیش پدرتان بروید، بهتر است. آن دو طبق دستور پیامبر صلی الله علیه و آله رفتند و چیزی از آن میوه‌ها را نخوردند تا پیامبر صلی الله علیه و آله نزدشان برود. پس فرمود: یا علی! چرا از میوه نخوردی و به همسر و فرزندان ندادی؟ و به امیرالمؤمنین علیه السلام ماجرا را فرمود. پس همگی از آن میوه‌ها خوردند و به ام سلمه نیز دادند؛ اما میوه‌ها به همان حال باقی بود و هرچه از آن خورده می‌شد، باز به حالت اول برمی‌گشت.

تا این‌که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، امام حسین علیه السلام فرمود: در دوران حضرت فاطمه علیه السلام نیز تغییر و کاهشی در آن میوه‌ها پیش نیامد؛ چون مادرمان به شهادت رسید، انار را از دست دادیم و

سیب و به در دوران پدرم باقی بود. چون امیرالمؤمنین علیه السلام شهید شد، به ناپدید شد و سیب به همان حالت نزد امام حسن علیه السلام باقی بود تا آن‌که مسموم و شهید شد. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: این سخنان را پدرم ساعتی پیش از شهادت به من گفتم: سیب باقی بود تا وقتی که در محاصره و بی‌آبی قرار گرفتم. هرگاه تشنه می‌شدم، آن را می‌بوییدم، شدت عطش فرو می‌نشست. چون تشنگی ام افزون شد، بر آن دندان زدم و دیگر یقین به مرگ داشتم.

وقتی پدرم، امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، بوی آن سیب از قتلگاهش می‌آمد. در پی آن سیب بودند و اثری از آن دیده نشد؛ ولی بوی سیب، پس از پدرم نیز باقی ماند. قبر او را زیارت کردم، دیدم بوی آن سیب از قبر او به مشام می‌رسد. پس هر کس از شیعیان ماکه زائران قبر او باشند، بخواهند آن بورا استشمام کنند، هنگام سحر به دنبال آن روند. اگر مخلص باشند، آن را خواهند یافت»^(۱).

۱. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، مؤسسة الوفا، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق، ج ۴۳، ص ۲۸۹ و ج ۴۵، ص ۹۱؛

من، پروردگار دیگری داری؟ گفت: آری. پرسید: به پدرم بگویم؟ گفت: بگو! دختر فرعون نزد پدرش رفت و جریان را برای او نقل کرد. فرعون آرایش‌گر و دخترش را احضار کرد و پرسید: آیا غیر از من، پروردگار دیگری داری؟ گفت: آری، پروردگار من و تو خدایی است که در آسمان‌ها است. فرعون دستور داد مجسمه گاوی که از مس بود، گداخته کردند و آن زن بیچاره و بچه‌هایش را در آن افکندند. آن لحظه که خواستند زن را در آن مس گداخته بیندازند، گفت: من درخواستی دارم. فرعون پرسید: درخواست چیست؟ گفت: می‌خواهم وقتی من و فرزندانم را سوزانند، استخوان‌های ما را جمع کنید و دفن نمایید! فرعون قبول کرد و گفت این کار را می‌کنم؛ زیرا توبه گردن ما حق داری. آن‌گاه آنان را به نوبت در آن مس گداخته انداختند، تا در آخر خواستند که طفل شیرخوارش را بسوزانند، مادرش فریادی کشید، طفل گفت: ای مادر! پیش بیا و عقب نرو که تو برحقی. سرانجام او و فرزندانش در آن مجسمه مسی سوختند. ابن عباس اضافه کرده است که چهار نفر

هرچند این روایت مرسله است؛ ولی مضمون آن قابل تأیید می‌باشد و ام سلمه که یکی از بهترین همسران پیامبر ﷺ بوده نیز آن را نقل کرده است.

۵. شهیده، مشاطه همسر فرعون

علامه طباطبایی رحمته الله علیه نقل فرموده است: «در الدر المنثور است که احمد و نسایی و بزاز و طبرانی و ابن مردویه و بیهقی (در کتاب دلائل) به سند صحیح از ابن عباس روایت کرده‌اند که گفت: رسول خدا ﷺ فرمود: وقتی مرا به معراج بردند، بویی خوش و پاکیزه را استشمام کردم. به جبرئیل علیه السلام گفتم: این بوی خوش از کجاست؟ گفت: بوی مشاطه و آرایش‌گر همسر فرعون است؛ چراکه او روزی مشغول شانه زدن به گیسوان دختر فرعون بود که شانه از دستش افتاد و گفت: بسم الله. دختر فرعون گفت: مقصودت از الله، نام پدر من است؟ گفت: خیر، مقصودم پروردگار خودم و پروردگار تو و پدرت می‌باشد. پرسید: مگر تو غیر از پدر

مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، محمد بن علی ابن شهر آشوب مازندرانی، نشر علامه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۹ق، ج ۳، ص ۱۶۱؛ روضة الواعظین، محمد فتال نیشابوری، نشر رضی، قم، ۱۳۸۶ق، ص ۱۵۹.

اما با شفاعت او دو قبیلۀ بزرگ «ریعه» و «مضر» داخل بهشت می شوند. به من ایمان می آورد، با آن که مرا ندیده است و در پیش روی خلیفۀ من، امیرالمؤمنین علی علیه السلام در صفین کشته می شود. (۴)

او پس در یمن دامدار و شتربان بود و با مادر سال خورده خود زندگی می کرد. عشق وافر که به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت، او را وادار کرد که از مادر اجازه گرفته، به مدینه بشتابد. مادر به این شرط که اگر پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه حضور نداشت، بیش از نیم روز نماند و برگردد، اجازه داد. او پس آن مسیر طولانی یمن تا مدینه را طی کرد؛ اما وقتی به مدینه رسید، متوجه شد که حضرت در شهر حضور ندارند، پس طبق شرط مادر برگشت. وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله به منزل برگشت، پرسید: آیا کسی به خانه ما آمده است؟ همسران ایشان عرض کردند: آری، شتربانی از یمن به نام او پس آمد و بر شما درود و سلام

در کودکی به زبان آمده اند؛ یکی همین کودک است، دومی آن شاهدی بود که به بی گناهی یوسف علیه السلام شهادت داد و سومی طفل شیرخوار در داستان جریح و چهارمی عیسی بن مریم علیه السلام بود. (۱)

۶. اوپس قرنی و بوی رحمان

بوی خوش بهشتی اوپس آن قدر قوی بود که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را از فاصله یمن استشمام کرده، می فرمودند: «تَفُوحُ رَوَائِحِ الْجَنَّةِ مِنْ قَبْلِ قَرْنٍ وَ شَوْقَاهُ إِلَيْكَ يَا أُوَيْسُ الْقُرْنِيِّ» (۲) از جانب یمن بوی بهشت می وزد. چه بسیار مشتاق توأم ای اوپس قرنی! و نیز می فرمود: «من بوی رحمان را از جانب یمن استشمام می کنم.» (۳) و به اصحاب می فرمود: «هرکس او را ملاقات کرد، سلام مرا به او برساند.»

عرض کردند: یا رسول الله! اوپس قرنی کیست؟ فرمود: شخص گم نامی است که اگر غایب باشد، نمی خواهید او را بیابید و اگر نزد شما باشد، به او اعتنایی ندارید؛

۴. الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام، شاذان بن جبرئیل قمی، به تحقیق: علی شکرچی، بی نا، بی جا، چاپ اول، ۱۴۲۳ق، ص ۴۹-۴۸ و ۱۰۷؛ شرح الاخبار، قاضی نعمان مغربی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، چاپ اول، بی تا، ج ۲، ص ۳۶.

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۳۰.
۲. بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۱۵۵، باب ۱۲۴.
۳. مجموعه وزام، ج ۱، ص ۱۵۴.

فرستاد و به سرعت برگشت. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «أَزْي نُوْرَاللهِ وَأَشْمُ رَائِحَةَ اللهِ»^(۱) نور خدا را می بینم و بوی خدا را استشمام می کنم».

این جمله می رساند که اویس قرنی نور الهی و بوی خوش بهشتی داشته است. آری، مؤمن هم نور دارد و هم بوی خوش، حتی در این دنیا نیز این نور و بوی او قابل درک است. جالب است که این نور ذخیره شده و بعد از مدتی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدند، آن را مشاهده کردند و بارها می فرمودند: «إِنِّي لَأَشْمُ رُوْحَ الرَّحْمَنِ مِنْ طَرْفِ الْيَمَنِ»^(۲) همانا من نسیم خدایی (و بوی خوش بهشتی) را از طرف یمن استشمام می کنم».

سرکوبش هوس داری، هوس راپشت پای زن در این اندیشه یک روشو، دو عالم را قفایی زن بساط قرب می جویی، خرد را الوداعی گو وصال دوست می خواهی، بلا را مرحبایی زن

به خاطر همین رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمایند: «وَفِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ يَشْفَعُ مِثْلَ رَيْبَعَةَ وَمُضَرَ وَأَقْلُ الْمُؤْمِنِينَ شَفَاعَةُ مَنْ يَشْفَعُ لِثَلَاثِينَ إِنْسَانًا»^(۳) بین مؤمنین کسی است که درباره (دوقبیلۀ) ربیعۀ و مضر شفاعت می کند، هر مؤمنی لااقل شفیع ۳۰ نفر می شود». و در روایت دیگر می فرمایند: «أُبَشِّرُوا بِرَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي يُقَالُ لَهُ أُوَيْسُ الْقُرْنِيِّ فَإِنَّهُ يَشْفَعُ بِمِثْلِ رَيْبَعَةَ وَمُضَرَ»^(۴) بشارت باد شما را به مردی از ائمتّم که به او اویس قرنی گفته می شود؛ زیرا مثل (دوقبیلۀ) ربیعۀ و مضر را شفاعت می کند».

اویس قرنی سرانجام در روز هشتم یا نهم صفر سال ۳۷ ق، در صفین به شهادت رسید، امر مؤمنان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بر جنازه او نمازگزارد و در همان صفین بدن مطهر او را به خاک سپرد.^(۵) در شهر شوشتر قبری منسوب به اویس وجود دارد که باید گفت

۳. امالی، شیخ صدوق، کتابخانه اسلامی، تهران،

۱۳۶۲ش، ص ۴۱۱، ح ۵.

۴. بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۱۵۶.

۵. صفین مکان وسیعی در حدود سوریه، کنار رود فرات، ناحیه غربی آن است، بین شهر «رقه» و «بالس» که جنگ معروف صفین بین امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و معاویه در همین سال، اول ماه صفر واقع شد.

۱. الفضائل والذرائل، مظاهری، بی نا، بی جا، چاپ اول، ص ۱۲۸؛ دایرة المعارف جامع اسلامی (معارف و معاریف)، سید مصطفی دشتی، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۱۰۲۲.
۲. اویس قرنی، محمد محمدی اشتهازی، انتشارات علامه، قم، چاپ اول، بی تا، ص ۴۴.

او شخصی دیگر است که هم نام او ایس بوده است.^(۱)

۷. بوی خوش «جُون»

«جُون» غلام سیاه پوست ابوذر غفاری رضی الله عنه بود. در زیارت ناحیه مقدسه آمده است: «السَّلامُ عَلٰی جُونِ بْنِ حَرِيٍّ مَوْلٰى اَبِي ذَرِّ الْعُقَارِيٍّ». امیرالمؤمنین علیه السلام چون را از فضل بن عباس خرید و به ابوذر هدیه کرد. وی هنگام تبعید ابوذربه تبعیدگاه ریزه، در کنار او بود. پس از وفات ابوذر در سال ۳۲ ق به مدینه برگشت و در خدمت امام علی، سپس در خدمت امام حسن و نهایتاً امام حسین علیه السلام قرار گرفت. او در کربلا به شهادت رسید و به برکت دعای امام حسین علیه السلام بوی خوشی گرفت.^(۲)

هنگام نبرد این رجز را خواند:

كَيْفَ يَرَى الْفَجَّارُ صَرْبَ الْأَسْوَدِ
بِالْمَشْرِفِيِّ الْقَاطِعِ الْمُهَنْدِ
بِالسَّيْفِ صَلْتاً عَنِ يَمِينِ مُحَمَّدٍ
أَذْبَتْ عَنْهُمْ بِاللِّسَانِ وَالْيَدِ
أَرْجُو بِذَلِكَ الْقَوْرِ عِنْدَ الْمَوْرِ

۱. او ایس قرنی، ص ۹۲-۹۳ با تلخیص.

۲. تنقیح المقال فی علم الرجال، عبدالله مامقانی، موسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۳۱ق، ج ۱۶، ص ۳۱۶-۳۱۷.

مِنَ الْإِلَهِ الْأَحَدِ الْمُوَحَّدِ
إِذْ لَا شَفِيعَ عِنْدَهُ كَأَحْمَدِ^(۳)

«این مردم تبهکار ضربت غلام سیاه را چگونه می بینند؟ که شمشیر برنده مشرفی و هندی را به کار می برد. با شمشیری برنده برای فرزندان محمد صلی الله علیه و آله می جنگم و با زبان و دست از ایشان دفاع می کنم. امیدوارم این عمل در روز ورود به محشر از طرف خدای یگانه باعث رستگاری من شود؛ زیرا شفیع نظیر احمد صلی الله علیه و آله نزد خدا نیست».

او شجاعانه جنگید و حدود ۲۵ نفر را به درک واصل کرد تا سرانجام به شهادت رسید.^(۴) امام علیه السلام در کنار بدن او این جملات را بر زبان جاری ساخت:

«اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهَهُ وَطَيِّبْ رِيحَهُ وَاخْشُرْهُ
مَعَ الْأَبْرَارِ وَعَرِّفْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ؛ خدایا! صورتش را سفیدگردان، او را خوش بوساز و او را با نیکان محشورکن و

۳. مناقب آل أبي طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۱۰۳؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۳.

۴. مناقب آل أبي طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۱۰۳؛ نفس المهموم، شیخ عباس قمی، المكتبة الحیدریة، نجف، چاپ اول، ۱۴۲۱ق، ص ۲۶۳.

شما مولا و آقای ما هستی، برایتان تعریف می‌کنم: یک شب در عالم خواب محضر مقدس آقا رسول الله ﷺ مشرف شدم، آن حضرت نشسته بودند و حدود ده یا بیست نفر اطراف ایشان حضور داشتند. آن حضرت فرمودند: کدام یک از شما بر من زیاد صلوات می‌فرستید؟ من خواستم بگویم که من زیاد صلوات می‌فرستم؛ اما ساکت شدم. حضرت بار دوم پرسیدند، باز هم کسی جواب نداد. دفعه سوم، حضرت فرمودند: کدام یک از شما بر من زیاد صلوات می‌فرستید؟ خواستم بگویم من، با خودم فکر کردم شاید دیگران بیش‌تر از من صلوات می‌فرستند. دیدم وجود نازنین حضرت رسول ﷺ ایستادند و به من فرمودند: شما بر من زیاد صلوات می‌فرستید! و لبان مرا بوسیدند. این عطر به برکت مداومت صلوات بر محمد و آل محمد ﷺ است. (۳)

میان او و خاندان پیامبر ﷺ آشنایی برقرار سازا! (۱) حضرت باقره علیه السلام از پدر بزرگوارش، حضرت سجاد علیه السلام نقل فرموده که: بعد از گذشت ده روز از شهادت جون، هنگامی که بدنش را یافتند، بوی مُشک از آن به مشام می‌رسید. (۲)

۸. بوی عطر عجیب

حجة الاسلام والمسلمین محقق (داماد آیه الله گلیایگانی رحمته الله علیه) نقل می‌کند: «مرحوم آخوند ملاعلی همدانی رحمته الله علیه فرمودند: یک روز پیرمردی برای حساب خمس و زکات پیش من آمد. متوجه شدم که از آن پیرمرد بوی عطر عجیبی بر مشام می‌رسد که تا به حال نظیر آن را استشمام نکرده‌ام. از آن پیرمرد پرسیدم که: ای پیرمرد! از چه عطری استفاده می‌کنی؟ گفت: حضرت آیه الله! این بوی خوش داستانی دارد که تا به حال به کسی نگفته‌ام؛ اما چون

۱. تسلیة المُجالس و زینة المُجالس (مقتل الحسین علیه السلام)، محمد بن ابی طالب حسینی موسوی، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم، ج ۲، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ص ۲۹۳؛ بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۳.
۲. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۳؛ تسلیة المُجالس، ج ۲، ص ۲۹۳.

۳. صلوات و آثار آن، رضا جاهد، نسیم حیات، قم، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش، ص ۵۰.



حکمرانی در خانواده (۳)

دواصل «هم سان همسری» و «غیرتورزی»

عبدالحسین خسرو پناه

اشاره

در شماره‌های گذشته ماهنامه مبلغان (۳۰۳ و ۳۰۴) مبحث «حکمرانی در خانواده» که متن سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین عبدالحسین خسرو پناه دبیر شورای انقلاب فرهنگی است، مطرح گردید و در آن به مباحثی هم چون «نقش خانواده در رشد و غیّ فرزندان» و «اصول حکمرانی در خانواده» (اصل‌های: یاور امام حسین علیه السلام، آرامش بخشی در خانواده، محبت، لقمه حلال و ایثار و فداکاری) اشاره شد؛ در این نوشته ادامه این موضوع تقدیم مبلغان دینی می‌گردد.

مقدمه

حکمرانی خانواده از مباحث مهمی است که حتی قبل از میلاد مسیح، فیلسوفانی مثل: سقراط، افلاطون و ارسطو در حکمت نظری و فلسفه عملی، بحثی به عنوان «تدبیر منزل» مطرح کردند. آن قدر اهمیت دارد که در دنیا به «بحران خانواده» تعبیر می‌کنند و از گذشته نیز بشریت به آن به عنوان یک مسأله مهم توجه داشته است. همین‌که حضرت آدم و حوا علیهم السلام خلق شدند، خانواده تشکیل شد.

یکی از دلایل اهمیت بحث حکمرانی خانواده این است که وقتی خانواده یا خانواده‌هایی یار امام

زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى باشند، جامعه امام شناس می شود. ما نیز وظیفه داریم بستر را برای ظهور حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى آماده کنیم. این طور نیست که وقتی امام ظهور کنند، شمشیر بلند کنند، یک مرتبه سر تمام کفار را از تن شان جدا کنند. البته حضرت معجزاتی دارند؛ ولی یکی از کارهای ایشان، معرفت افزایی است. بنابراین، هر چقدر معرفت ما نسبت به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى و جامعه ولایی قوی باشد، بهتر به سمت یاری آن حضرت حرکت خواهیم کرد. وقتی در خانواده حکمرانی درستی وجود نداشته باشد، برخی به جای این که چند فرزند داشته باشند، با سگ، گربه یا حیوانات دیگر زندگی می کنند، در حالی که هزینه نگهداری یک سگ در منزل، برابر با هزینه سه کودک است.

عده ای این شبهه را مطرح می کنند که چرا این همه برای عزاداری امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ خرج می کنید؟ این هزینه را خرج فقرا کنید. خودشان این همه برای سگ، کنسرت، رقاصی ها و زندگی ابتدالی هزینه می کنند؛ آن جا نمی گویند: چرا برای فقرا خرج نمی کنید؟؛ اما تا

نوبت به عزاداری، امور معنوی و زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ (که منشأ تحکیم خانواده همین مجالس اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ است)، می رسد و مسائلی که در زندگی شهروندی و خانواده آثار مثبتی دارد، آن وقت یاد فقرا می افتند. در صورتی که همین هیأتی ها به فقرا رسیدگی می کنند؛ کمک به محرومین، کمک به مردم در ایام کرونا و سیل و زلزله و... توسط گروه های جهادی و همین بچه هیأتی ها اداره می شود.

برخی از سلبریتی ها می گفتند بیا بیاید با هم به فقرا کمک کنیم. میلیاردها پول از مردم گرفتند و در جیب خودشان گذاشتند، یک ریال هم به فقرا ندادند تا دادگاه از آن ها پس گرفت. فلسفه هیأت های عزاداری، خدمت به مردم و محرومین بوده و هست.

در این جلسه دو اصل از اصول حکمرانی در خانواده را بررسی می کنیم:

۱. اصل «هم سان همسری»

این همان اصطلاحی است که در معارف دینی به آن «هم کفوی» می گویند. وقتی انسان می خواهد خانواده تشکیل دهد، هم کفو خودش را انتخاب می کند.

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «كُلُّ امْرِئٍ يَمِيلُ إِلَى مِثْلِهِ»^(۱) هر انسانی به مثل خودش میل دارد.

کبوتر با کبوتر باز با باز کند هم‌جنس با هم‌جنس پرواز در روایت دیگری می‌فرمایند: «التُّفُوسُ أَشْكَالٌ، فَمَا تَشَاكَلْ مِنْهَا، اتَّفَقَ وَالنَّاسُ إِلَى أَشْكَالِهِمْ أَمِيلٌ»^(۲) جان‌ها گونه‌گونه‌اند، پس آن‌هایی که هم‌گون باشند، با هم گرد آیند و مردم به هم‌گونه‌های خود بیش‌تر گرایش دارند. همان‌طور که ما جسم‌های متفاوتی داریم؛ نفوس ما نیز متفاوت است؛ یعنی نفوس شکل‌های مختلفی دارد و روح ما یکسان نمی‌باشد. آن نفوسی که هم‌شکل هستند، به همدیگر تمایل دارند.

وقتی دختر و پسری از نظر روحی به هم شباهت داشته باشند، به یکدیگر تمایل پیدا می‌کنند. هم‌شکل بودن؛ یعنی هم‌سنخ و هم‌خُلق بودن. برخی افراد به دنبال این هستند که کدام دختر

زیباتر یا کدام پسر خوش‌تیپ‌تر است. تحقیقات میدانی نشان داده که ۹۰ درصد ازدواج‌های احساسی به طلاق کشیده شده. عاشق صوری که تا هم‌دیگر می‌بینند، عاشق می‌شوند و به یکدیگر نامه می‌نویسند و اظهار مودت و محبت می‌کنند؛ اما سه ماه نمی‌توانند با هم زندگی کنند.

پس هم‌سان بودن به این است که چقدر اخلاق و فرهنگ‌تان به هم نزدیک باشد. این هم‌سانی و هم‌کفوی در ازدواج‌های سنتی بیش‌تر بوده است؛ البته نه آن مواردی که پدران و مادران تشخیص می‌دادند و حتی گاهی پسر و دختر همدیگر را نمی‌دیدند یا با هم حرف نمی‌زدند؛ چون این‌طور درست نیست. دو نفری که می‌خواهند با هم ازدواج کنند، باید همدیگر را ببینند، با هم حرف بزنند و شرایط یکدیگر را بسنجند. در مدل خانواده غربی، می‌گویند این‌ها مهم نیست؛ همین که علقه ظاهری داریم، کافی است. بعد، شش ماه نیز دوام نمی‌آورد. متأسفانه در جلسات مشاوره در کشور ما می‌گویند: در ۲۰۰ آیتم (ویژگی)

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ش، ص ۴۲۳.
۲. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۷۸، ص ۹۲، ح ۱۰۰.

مشغول تفریح است، بعد تا نزدیک ظهر می‌خوابد و از نظر اقتصادی به والدین وابسته است. این شخص به درد ازدواج نمی‌خورد. باید با عرضه و اهل کار و تلاش باشد. اهل کار نیز به این معنا نیست که حتماً پشت میز بنشیند؛ خیلی از جوان‌ها که می‌گویند کار نیست؛ یعنی کار اداری برای ما فراهم نیست. برخی جوان‌ها حاضر نیستند کاری انجام دهند که مقداری زحمت داشته باشد. تا می‌بینند کاری سخت است، خودداری می‌کنند. کار ننگ نیست و البته کار زحمت دارد. برخی جوان‌ها که در خانه یک کشاورز بزرگ شده‌اند، حاضر نیستند روی زمین کشاورزی بیل بزنند و آن را آباد کنند. فوری زمین را می‌فروشند، ماشین می‌خرند و این درست نیست. پس مردی برای ازدواج خوب است که عرضه و انگیزه کار کردن داشته باشد.

هم کفو؛ یعنی در مسائل معنوی شریک هم باشند. برخی خانم‌ها نه تنها کمک می‌کنند که مثلاً نماز شوهرشان قضا نشود؛ بلکه به او کمک می‌کنند که اهل نافله شب شود یا برعکس، برخی آقایان در مسائل معنوی: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلٰی طَاعَةِ

باید مثل هم باشند؛ با این سخت‌گیری، از کجا می‌خواهید هم کفو پیدا کنید؟ اگر در یک آیت‌م شباهت نداشته باشند، می‌گویند شما به درد هم نمی‌خورید! این مدل مشاوره امروزه اغلب جوانان را به ترک ازدواج سوق داده است.

اخلاق خیلی مهم است. این ملاک نیز صحیح نیست که دختر و پسر چقدر نیازهای همدیگر را تأمین می‌کنند؛ به ویژه گاه منحصر به نیازهای جنسی می‌شود که این بخشی از قضیه است. البته خیلی مهم است؛ اما نباید به عنوان اصل باشد. برخی نیاز معیشتی را لحاظ می‌کنند که این آقا خانه و ماشین دارد؟ درآمدش چقدر است؟ و... این هم بخشی از نیاز هست؛ اما گاهی پسر ممکن است این شرایط را نداشته باشد؛ ولی اهل کار کردن است. در بسیاری از ازدواج‌ها، خانواده‌ها در اوایل از نظر اقتصادی ضعیف هستند؛ اما چون داماد عرضه کار کردن را دارد، کم‌کم نیاز اقتصادی را تأمین می‌کند و به خانه و ماشین و همه چیز می‌رسد. آن جوانی که بی‌عرضه است و توصیه شده با جوان بی‌عرضه ازدواج نکنید، جوانی است که تا دیروقت با رفقاییش

الله» هستند. زن و مرد باید اهل ﴿تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ باشند. در این صورت فرزندان سالم می‌شوند. پدر و مادر باید اهل بیتی باشند. مادری که عاشق امام حسین علیه السلام باشد، پدری که در زندگی با اهل بیت علیهم السلام انس دارد، قطعاً فرزندان‌شان نیز مؤمن خواهند شد.

۲. اصل «غیرت‌ورزی»

در یک تقسیم‌بندی، غیرت به «غیرت ملی» و «غیرت ناموسی» تقسیم می‌شود و در تقسیم‌بندی دیگر، غیرت به غیرت مثبت و منفی تقسیم می‌شود. خیال نکنید هر غیرت‌ورزیدنی مثبت است. اگر غیرت‌ورزی اعتدالی باشد، مثبت است؛ اما اگر افراطی و تفریطی باشد، قطعاً غیرت منفی خواهد بود. بحث غیرت در روایات و کتاب‌های اخلاقی و عرفانی مطرح شده است.

الف. غیرت‌ورزی افراطی

سوء ظن، بدگمانی، تجسس که گاهی حسادت و به دنبال آن قتل می‌آید، جزء غیرت‌ورزی افراطی است. مردی که نسبت به همسرش بدگمان باشد، به دنبال آن تجسس کند و با طرح سؤالاتی که نشان

می‌دهد برای تجسس است، نمی‌داند که افراط می‌کند و این غیرت‌ورزی منفی، حرام و نامشروع است. زن و شوهر نباید نسبت به همدیگر بدبین باشند.^(۱)

ده‌ها تحقیق میدانی در مورد کشف حجاب انجام داده‌ایم، به طوری که این تحقیقات گروهی براساس علم و مبنای دقیق آمار بوده، متوجه شدیم بخشی از خانم‌هایی که کشف حجاب می‌کردند، باندهایی بودند که پول می‌گرفتند تا بدحجاب بگردند. اکثر آن‌ها می‌گفتند:

۱. قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها پرهیزید؛ چراکه بعضی از گمان‌ها گناه هستند.» منظور آیه، نهی از پذیرفتن ظن بد است. می‌خواهد بفرماید: اگر درباره کسی ظن بدی به دلت وارد شد، آن را نپذیر و به آن ترتیب اثر نده. در روایات نیز امر شده است تا می‌توانیم از بدگمانی دوری کرده، حتی کارهای اشتباه دیگران را به نحو درست تفسیر کنیم. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «صَغُ أَمْرُ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يَغْلِبُكَ مِنْهُ وَلَا تَطُنَّنَّ بِكَلِمَةٍ حَرْجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي النَّخِيرِ مَخْمَلًا؛ فعل برادر مؤمنت را به بهترین صورت ممکن حمل کن، تا دلیلی برخلاف آن قائم شود، و هرگز نسبت به سخنی که از برادر مسلمانان صادر شده، گمان بد مبر، مادام که می‌توانی محمل نیکی برای آن بیابی.» کافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الإسلامية، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۶۲.

با آن‌ها برخورد شود؛ اما همه این‌طور نیستند.

این‌که در کتاب‌های دینی دبیرستان، آن‌هم در یک پایه از سه پایه، تنها یک درس باشد، آن‌هم به این موضوع اشاره خیلی کوتاهی شده باشد، جواب نمی‌دهد. حال اگر در مورد کشف حجاب غیرت‌ورزی افراطی کنیم و به جای این‌که با علم و معرفت و آگاهی، شبهات دختران را حل نماییم، تازیانه بگیریم و زد و خورد داشته باشیم؛ این غیرت‌ورزی غلط است. این غیرت‌ورزی از اول با سوءظن همراه بوده؛ هرکه را دیدیم بی حجاب است، بگوییم او عامدانه و عالمانه می‌خواهد از دین خارج شود؛ این سوءظن است. گاهی بعضی به خاطر غیرت‌ورزی افراطی، به دیگران ظلم می‌کنند. عده‌ای اوایل انقلاب، هر خانم بدحجابی را می‌دیدند، پونز به پیشانی‌اش می‌زدند. همین افراطی‌ها امروزه در اروپا یا آمریکا خودشان هم نماز نمی‌خوانند. هر فردی اهل افراط باشد، زمانی هم دچار تفریط می‌شود؛ چون دینش از روی تفکر غلط بوده است.

کجای دین گفته است که باید حجاب داشته باشیم؟ می‌گفتند: در قرآن آمده؛ ولی نگفته واجب است. فهمیدیم حدود ۷۰ درصد از کسانی که کشف حجاب می‌کنند، گرفتار جهل هستند و حکم خدا را نمی‌دانند؛ چون این دختر خانم در فرهنگی تربیت شده است که ما نتوانستیم با او گفت‌وگوی عالمانه همراه با تکریم شخصیت او داشته باشیم، لذا گرفتار شبهه شده است. وظیفه ما چیست؟ همان کاری که انبیا علیهم‌السلام انجام می‌دادند؛ یعنی هدایت‌گری و جهاد تبیین.

جهاد تبیین؛ یعنی گفتگو کردن؛ با آن‌ها حرف بزنیم، درصدد رفع شبهات فکری دختران - که فرزندان ما هستند - باشیم. به خصوص معلمین خانم، باید حوصله کنند، تندی نکنند و با اخلاق خوب، ادب و حلم این افراد را از شبهات بیرون بیاورند. اگر نگاه ما به این افراد که انحرافی دارند، نگاه قهرآمیز باشد و نظام تربیتی و هدایت‌گری رعایت نشود، خطاست. عده‌ای باندها و مأمور هستند که حساب‌شان با کرام‌الکاتبین است و باید

نوع دیگر غیرت‌ورزی افراطی، حسادت است. پیامبرگرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «شَرُّ النَّاسِ الظَّانُونَ وَ شَرُّ الظَّانِيْنَ الْمُتَجَبِّسُونَ وَ شَرُّ الْقَوَالِيْنَ الْهَتَاكُونَ»^(۱) بدترین مردم، بدگمانان هستند و بدترین بدگمانان، تجسس‌کنندگان و بدترین تجسس‌کنندگان، بازگوکنندگان‌اند و بدترین بازگوکنندگان، پرده‌دران‌اند. «قَوَالُونَ»؛ کسانی هستند که عیوب دیگران را بر زبان جاری می‌کنند. این روایت شریفه در تفسیر آیه ۱۲ سوره حجرات آمده است. در این آیه اوّل بدگمانی، بعد تجسس، بعد هم‌غیبت منع شده است. غیبت همان بازگوکردن عیوب مردم می‌باشد؛ عیوبی که خدا آن‌ها را پنهان کرده است.

ب. غیرت‌ورزی تفریطی

یعنی نسبت به خانواده یا جامعه بی‌دین یا کم‌دین و ضعیف‌الدین بی‌تفاوت و بی‌اعتنا بودن. انحرافات و آسیب‌های اجتماعی را در جامعه می‌بینند، مشاهده می‌کنند که افرادی

ابتدال فرهنگی را رواج می‌دهند؛ ولی می‌گویند: عیسی به دین خود، موسی به دین خود، یا مگرما را با هم در یک قبر می‌گذارند.

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُبْغِضُ رَجُلًا يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ وَ لَا يُقَاتِلُ»^(۲) خداوند نفرت دارد از مردی که به زور وارد خانه‌اش شوند و او [برای دفاع از ناموس خود] نجنگد». در این جا واژه «مقاتله» به معنای کشتن نیست؛ بلکه به معنای پیکار و دفاع است. خداوند متعال نسبت به افرادی که به حریم خانواده‌شان آسیب وارد می‌کنند؛ ولی آن‌ها بی‌اعتنا هستند و پیکار نمی‌کنند، غضب می‌کند.

مردی که می‌بیند همسرش با آرایش و بدحجاب وارد جامعه می‌شود؛ اما او بی‌غیرت و بی‌اعتناست، این غضب الهی را در پی دارد.

امیرالمؤمنین علیؑ می‌فرماید: «إِذَا لَمْ يَغْرِ الرَّجُلُ فَهُوَ مَنكُوشُ الْقَلْبِ»^(۳) کسی که غیرت نوزدد، قلبش وارونه است.»

۲. کنز العمال في سنن الأقوال والأفعال، متقی هندی بکری حیانی، مؤسسة الرسالة، چاپ پنجم، ۱۴۰۱ق، ح ۷۰۷۴.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۵۳۶، ح ۲.

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، آل البيت ﷺ، قم، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۱۴۷.

خداوند نفرین می‌کند مردی را که ببیند همسرش حدود شرعی را مراعات نمی‌کند و بای بی‌حجابی و آرایش غلیظ در خیابان خود را عرضه می‌کند؛ ولی جلوگیری نمی‌کند.

پس همان‌طور که غیرت‌ورزی افراطی بد است، غیرت‌ورزی تفریطی نیز بد است.

ج. غیرت‌ورزی اعتدالی

در عرف ما گرچه واژه «غیرت» معمولاً در غیرت ناموسی به کار می‌رود؛ ولی مفهوم آن گسترده است و شامل دفاع از تمام مواهب و ارزش‌های الهی که باید از آن‌ها دفاع کرد، می‌شود. بنابراین، دفاع از وطن، آبرو، حیثیت و از آن مهم‌تر، دفاع از دین و آیین نیز از مصادیق غیرت است.

چه نوع غیرت‌ورزی خوب است؟ در روایت آمده است: خداوند غیور است و غیرتمند را دوست دارد. یا: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مَنْ عِبَادِهِ الْغَيُورُ»^(۱) خدای تعالی بندگان غیرتمند خویش را دوست می‌دارد.» می‌دانید چرا نگاه به ناموس

که خدای نکرده در دید نامحرم نباشد و حدود حجاب شرعی را رعایت کند. وقتی از غیرت سخن گفته می‌شود، همه فکر می‌کنند غیرت‌ورزی مخصوص مردان است و زن‌ها نباید غیرت داشته باشند. به خصوص که امیرالمؤمنین ع می‌فرمایند: «غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ وَغَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيمَانٌ»^(۲) غیرت زن کفر است و غیرت مرد، ایمان. این‌که غیرت زن کفر است؛ از امام صادق ع نقل شده است که غیرت زنان، حسادت است؛ چون در اسلام تعدد زوجات برای مردی که توان برقراری عدالت را داشته باشد، اجازه داده شده است. اگر همسر او نسبت به این امر حلال

۲. «لَا أَحَدٌ أَغْيَرُ مِنَ اللَّهِ فَلذَلِكَ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ؛ هیچ‌کس غیرتمندتر از خدا نیست. از این روزگشت‌کاری‌های آشکار و پنهان را حرام کرده است.» الدر المنثور، عبدالرحمن سیوطی، المكتبة الإسلامية، تهران، ۱۳۷۷ق، ج ۳، ص ۴۴۷.

۳. رک: حکمت ۱۲۴ از کلمات قصار نهج البلاغه.

۱. کنز العمال، ح ۷۰۷.

غیرت‌ورزی کند، حسادت است و غیرت منفی. به این معناکه اگر به شوهر اجازه تعدد ازواج را ندهد، این بد است. نه به این معناکه هر مردی برود چند زن دیگر بگیرد؛ برای برخی تعدد ازواج حرام است؛ چون به زندگی خانوادگی اش ضرر می‌زند و نمی‌تواند به عدالت رفتار کند. زن و مرد هر دو باید مراقب باشند تا در زندگی خانوادگی بی‌مبالائی صورت نگیرد و به تعبیر قرآن «لباس» همدیگر باشند.^(۱)

غیرت‌ورزی به معنای حافظ خانواده بودن، یک امر انسانی است و مخصوص مردها نیست؛ به شرطی که به افراط کشیده نشود؛ یعنی همان‌طور که غیرت‌ورزی افراطی مرد بد است، اگر از ناحیه زن باشد نیز بد است.

صفت غیرت در مکتب امام حسین علیه السلام وجود دارد. امام در بخشی از سخنانش در روز عاشورا فرمود: «الْأَوَّانُ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ

۱. بقره/۱۸۷.

السُّلَّةِ وَالذَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ مِّنَ الذَّلَّةِ؛^(۲) این فرومایه (عبیدالله بن زیاد) فرزند فرومایه‌ای دیگر (زیاد بن ابیه)، مرا بین دوراهی کشته شدن با شمشیر و قبول خواری قراردادده است؛ هیهات که ما زیر بار ذلت و خواری برویم.» در بحث اسارت اهل بیت علیهم السلام وقتی امام سجاد علیه السلام در شام یا در مسیر آن بودند، عده‌ای از مردها به زنان اسرانگام می‌کردند. امام مبلغی در اختیار افرادی می‌گذاشت تا به نامحرم‌ها بگویند از خانم‌ها فاصله بگیرند یا سرها را جلوتر ببرند که مردم مشغول دیدن آن‌ها شوند و به ناموس اهل بیت علیهم السلام نگاه نکنند. اسرا آه در بساط نداشتند، همه غارت شده بود؛ ولی مراقب بودند. شب و روز عاشورا تجلی غیرت دینی و خانوادگی کربلائیان است.

۲. اللهموف علی قتلی الطفوف، سید علی بن موسی بن طابوس، انتشارات جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۸ش، ص ۹۷؛ احتجاج، احمد بن علی طبرسی، محقق و مصحح: محمدباقر خراسان، نشر مرتضی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۰۰.



حجاب و عفاف در کلام ولایت (۱)

کلیات منظومه فکری مقام معظم رهبری حفظه الله
درباره حجاب و عفاف

محمدحسین بخشیان

اشاره

ابزارهای جدید ارتباطی، به زندگی مردم بیش‌تر ورود پیدا کرده است و خود این موضوع باعث دگرگونی ارزشی و هنجاری گسترده‌ای، در موضوع حجاب شده است، به گونه‌ای که خوانش‌های جدیدی در برابر خوانش اسلامی در موضوع عفاف و حجاب بروز پیدا کرده است؛ از این رو، تبیین خوانش اسلامی و نمایاندن الگوی زن تراز در پوشش و حجاب، با وجود قرائت‌های گوناگون، بایستگی دارد. در این نوشتار مضامین حجاب و عفاف در منظومه فکری آیه الله العظمی خامنه‌ای حفظه الله، واکاوی خواهد شد و تحلیلی واقعی در این موضوع به مخاطب ارائه می‌گردد.

موضوع «حجاب و عفاف» مربوط به سده اخیریا حتی مختص دین اسلام و به تبع آن انقلاب اسلامی ایران نیست، بلکه این موضوع قبل از ظهور اسلام در جزیره العرب و حتی در جوامعی که صبغه دینی هم نداشته‌اند مطرح بوده است و در مجسمه‌ها و آثاری که از این سرزمین‌ها و تمدن‌ها به جا مانده است، زنان در پوشش‌های خاصی به تصویر کشیده شده‌اند.

موضوع پوشش و حجاب، به مانند هر پدیده اجتماعی، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به ویژه در دهه اخیر مناقشات و دگرگونی‌هایی را از سرگذرانده است؛ و هر چه از پیروزی انقلاب گذشته، مدرنیته به وسیله

برخی موضوعات حجاب و عفاف

هر یک از عنوان‌های فوق می‌تواند موضوعاتی ذیل خود داشته باشد که در فرامین ایشان دیده می‌شود؛ در ادامه برخی از این موضوعات ارائه می‌شود: اولین دسته از فرامین مقام معظم رهبری حَفِظَهُ اللهُ در مورد حجاب و عفاف، «تلازم و به هم پیوستگی عفاف و حجاب» است که خود موضوعات مختلفی در کلام معظم له دارد:

۱. حجاب، زمینه‌ساز عفت زنانه؛
۲. عفت، وسیله تعالی و شخصیت زن؛
۳. عفت، پایه احترام و شخصیت بخشی زن؛
۴. تأکید اسلام بر عفت زنان، جهت جلوگیری از ظلم به آن‌ها؛
۵. رعایت عفاف، رکن اصلی دفاع از زن؛
۶. عفت، برجسته‌ترین عنصر شخصیت زن؛
۷. بی‌حجابی یا بدحجابی، مقدمه رفع عفت و حیاء زن.

دسته دوم از فرامین مقام معظم رهبری حَفِظَهُ اللهُ درباره حجاب و عفاف «کرامت بخشی به زن در پرتو حجاب و عفاف» است که ریز موضوعات آن در بیانات رهبری حَفِظَهُ اللهُ عبارتند از:

اقسام مباحث «حجاب و عفاف» از نگاه

مقام معظم رهبری حَفِظَهُ اللهُ

وقتی فرامین مقام معظم رهبری حَفِظَهُ اللهُ در موضوع «حجاب و عفاف» در کنار هم قرار می‌گیرد، پیوستگی، نظم و ارتباط بین آن‌ها روشن می‌گردد؛ این فرامین نه تنها در گذشت بیش از چهل سال عوض نشده، بلکه روز به روز مصادیق این سخنان در جامعه نمایان‌تر گردیده و انسان پی به عمق و احاطه معظم له به این گزاره دینی می‌برد.

سخنان مقام معظم رهبری حَفِظَهُ اللهُ در موضوع زن، به ویژه مسأله «حجاب و عفاف» از فراوانی خاصی برخوردار است و می‌توان آن‌ها را در عنوان‌های زیر مطرح کرد:

۱. تلازم و به هم پیوستگی «عفاف» و «حجاب»؛

۲. کرامت بخشی به زن در پرتو حجاب و عفاف؛

۳. فایده مندی حجاب و پوشش در جامعه امروزی؛

۴. نماد بودن حجاب و عفاف برای هویت ایرانی - اسلامی؛

۵. بهانه بودن حجاب و عفاف برای تولیدات رسانه‌ای؛

۶. همگامی حجاب و عفاف با حضور بانوان در جامعه.

۱. حجاب، نشانه افتخارآمیز زن ایرانی؛
 ۲. هدف رسانه ملی تکریم زن باحجاب اسلامی؛
 ۳. احتجاج زن یعنی تکریم زن؛
 ۴. حجاب، یعنی ایجاد حریم؛
 ۵. حجاب، مایه تشخیص و آزادی زن؛
 ۶. برداشتن حجاب، سبب کم‌ارزشی و سبکی زن؛
 ۷. حجاب، وقار و متانت، یعنی ارزش‌گذاری زن؛
 ۸. حجاب و حیا و عفاف زنانه، نشانه عظمت زن؛
 ۹. حجاب، شرط اول دستیابی به مراتب بالا در زن؛
 ۱۰. پوشش و حجاب صحیح، انگیزه حفظ کرامت و مقام واقعی زن؛
 ۱۱. حجاب، مقدمه رسیدن به ارزش‌های والا؛
 ۱۲. حجاب، ارزش هم‌سویا طبیعت انسان؛
 ۱۳. حجاب و حفاظ زنانه، نماد تقوا؛
 ۱۴. حجاب، تحقق عزت و متانت زنانه.
- سومین بخش از فرامین حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله علیه در باب حجاب و عفاف «فایده‌مندی حجاب و پوشش
- در جامعه امروزی» است که گونه‌های مختلف موضوعی آن به شرح ذیل است:
۱. حجاب، احساس آرامش و آسایش؛
 ۲. حجاب، امنیت‌ساز جامعه و جایگاه زنان؛
 ۳. مراقبت از حجاب و عفاف، مایه آثار عمیق و ماندگار در عرصه‌های گوناگون؛
 ۴. حجاب، موجب سلامت بیش‌تر جامعه؛
 ۵. رعایت حجاب، رعایت حدود اخلاق؛
 ۶. اهمیت حجاب در رشد و تعالی کانون خانواده؛
 ۷. مراقبت بر حجاب، حافظ اقتدار و پیشرفت کشور؛
 ۸. سست شدن بنیان خانواده، از تبعات جانکاه خودنمایی زن.

گلبگی از فرامین ولایت

طرح هر کدام از این موضوعات در بیانات معظم‌له، نشان از نگاه عمیق مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه در این مقوله دارد و هر یک از این موضوعات می‌تواند بهانه یک مطالعه و پژوهش تخصصی قرارگیرد. در ادامه به گوشه‌هایی از فرامین ایشان اشاره می‌شود:

۱. اهمّیت عفاف در جامعه

حضرت آیه الله العظمی خامنه ای حفظه الله
درباره «اهمّیت وجود عفاف در جامعه»
می فرماید:

«شما امروز هم که در دنیا نگاه کنید،
می بینید یکی از مشکلات زنان در دنیای
غرب، به خصوص درکشور ایالات متّحده
آمریکا، همین است که مردان با تکیه به
زورمندی خودشان، به عفت زن تعدّی و
تجاوز می کنند.

آمار منتشر شده از سوی مقامات رسمی
خود آمریکا را من دیدم که یکی مربوط
به دادگستری آمریکا و یکی هم مربوط
به یک مقام دیگری بود. آمارها واقعاً
وحشت انگیز است. در هر شش ثانیه،
یک تجاوز به عنف در کشور آمریکا
صورت می گیرد!

بینید چقدر مسأله عفت مهمّ است
و وقتی بی اعتنائی کردند، قضیه به کجا
می رسد. هر شش ثانیه، یک تجاوز به
عنف! برخلاف تمایل زن، مرد زورگو،
ظالم، بی بند و بار و بی عفت بتواند به
حریم عفت زن تعدّی و تجاوز کند. اسلام
این ها را ملاحظه می کند.

مسأله حجاب که این همه مورد توجّه
اسلام است، به خاطر این هاست. پس،
مسأله حفظ عفاف و اهمّیت دادن به
حجاب و عفاف هم مسأله دیگری
است. (۱)

۲. ارتباط عفاف و حجاب

ایشان درباره «ارتباط تنگاتنگ بین
موضوع عفاف و حجاب» در میان بانوان
می فرماید:

«زن غربی با ورود در منجلاب فساد،
دستاوردش نابودی خانواده بود. این جور
نبود که زن با برداشتن حجاب در میدان
علم یا در میدان سیاست یا در میدان
فعالیت های اجتماعی پیشرفت کند؛ همه
این ها با حفظ حجاب و عفت ممکن بود
و ما در نظام اسلامی این را تجربه کردیم.
برداشتن حجاب، مقدمه ای برای
برداشتن عفت بود؛ برای برداشتن حیا
در جامعه اسلامی بود؛ برای سرگرم کردن
مردم به عامل بسیار قوی و نیرومند جنسی
بود؛ برای این که از همه کارهای دیگر
بمانند؛ و یک مدتی هم موفق شدند،
اما ایمان عمیق ملت ایران نگذاشت.

۱. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی
خامنه ای حفظه الله در دیدار جمعی از زنان؛ مورخ:

۱۳۷۶/۰۷/۳۰

زن‌های مسلمان ما با وجود سختگیری‌ها در طول زمان، در مقابل این فشار سرکوب‌گر مقاومت کردند.»^(۱)

یا در جای دیگری فرماید:

«هر حرکتی که برای دفاع از زنان انجام می‌گیرد، باید رکن اصلی آن رعایت عفاف زن باشد. همان‌طور که عرض کردم، در غرب به خاطر این‌که به این نکته توجه نشد - یعنی مسأله عفت زنان مورد اهتمام قرار نگرفت و به آن اعتنایی نکردند - کار به این بی‌بند و باری‌ها کشید. نباید بگذارند عفت زن - که مهم‌ترین عنصر برای شخصیت زن است - مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد. عفت در زن، وسیله‌ای برای تعالی و تکریم شخصیت زن در چشم دیگران، حتی در چشم خود مردان شهوتران و بی‌بند و بار است. عفت زن، مایه احترام و شخصیت اوست.»^(۲)

این موارد نمونه‌هایی از سخنان معظم‌له در موضوع «ارتباط تنگاتنگ بین عفاف و حجاب» می‌باشد که خمیرمایه آن «تلازم بین عفاف و حجاب» است؛

۱. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله علیه در دیدار مردم قم؛ مورخ: ۱۳۸۶/۱۰/۱۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله علیه در دیدار جمعی از بانوان؛ مورخ: ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

بدین معنا که رفتن حجاب به رفتن حیاء و عفاف منجر خواهد شد و رفتن عفاف و حیاء در جامعه مساوی است با ترویج بی‌بند و باری و مسائل جنسی که به تبع آن عوارض و مفسد اجتماعی جبران‌ناپذیری در جامعه به بار خواهد آورد.

۳. پوشش و حجاب صحیح، انگیزه حفظ کرامت و مقام واقعی زن

مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه در بخش کرامت‌بخشی و ارزش‌گذاری به جامعه زنان در سایه حفظ حیاء و عفت و حجاب و جایگاه زنانه خودشان، سخنان مهمی را ایراد کرده‌اند که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

«از روزی که اروپائی‌ها، صنایع جدید را به وجود آوردند - در اوایل قرن نوزدهم که سرمایه‌داران غربی کارخانه‌های بزرگ را اختراع کرده بودند - و احتیاج به نیروی کار ارزان و بی‌توقع و کم دزد داشتند، زمزمه «آزادی زن» را بلند کردند؛ برای این‌که زن را از داخل خانواده‌ها به درون کارخانه‌ها بکشانند؛ به عنوان یک کارگزار ارزان او استفاده کنند، جیب‌های خودشان را پرکنند و زن را از کرامت و منزلت خود بیندازند. امروز آن‌چه که به عنوان «آزادی

زن» در غرب مطرح است، دنباله همان داستان و همان ماجراست.^(۱)

ایشان در جای دیگری می‌فرماید:

«من بارها به گویندگان و مبلغین قضیه زن عرض کرده‌ام: این ما نیستیم که باید از موضع خودمان دفاع کنیم؛ این فرهنگ منحط غرب است که باید از خودش دفاع کند. آنچه را که ما برای زن عرضه می‌کنیم، چیزی است که هیچ انسان اندیشمند با انصافی نمی‌تواند منکر شود که «این برای زن خوب است.» ما زن را به عفت، به عصمت، به حجاب، به عدم اختلاط و آمیزش بی‌حد و مرز میان زن و مرد، به حفظ کرامت انسانی، به آرایش نکردن در مقابل مرد بیگانه - برای آن‌که چشم اولدّت نبرد - دعوت می‌کنیم. این بد است؟ این کرامت زن مسلمان است. این کرامت زن است.»^(۲)

یا در جای دیگری می‌فرماید:

«عقیده من این است که بیش‌ترین جرمه غرب در مسأله زن و خانواده، در نگاهش به زن است؛ و این را با یک

جمله و دو جمله نمی‌شود توصیف کرد. بزرگ‌ترین ضربه و اهانت به کرامت زن را همین سیاست غربی دارد انجام می‌دهد. همین فمینیست‌های افراطی هم - که خوب، لایه‌های متعددی دارند - من حیث لایشعر دارند به زن ضربه می‌زنند... این شده عرف، این شده عادت. چه ضربه‌ای برای زن از این بالاتر؟ الگو درست کردن برای زنان به این شکل - زنان خودشان را می‌گویم، و کشورهایی که دنباله‌رو آن‌هایند، نه زنان ما را - یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌هایی است که دارند می‌زنند.

بنابراین نباید در مقابل این فرهنگ غلط انفعال داشت. غرب در قضیه زن و خانواده، در یک گمراهی و ضلالت عمیقی به سر می‌برد. فقط خانواده نیست؛ بلکه در مورد شخصیت زن، هویت زن و کرامت زن، غرب در یک گمراهی عجیبی است.»^(۳)

مجموعه سخنان ایشان در این بخش هم باز به دفاع از هویت زنان جامعه در سایه حفظ حیا و عفت و روحیات زنانه و حمله به جوامع و سیاست‌مداران و جامعه‌پردازانی

۱. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله العظمی

خامنه‌ای علیه السلام در جمع زنان؛ مورخ: ۱۳۷۱/۰۹/۲۵.

۲. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله العظمی

خامنه‌ای علیه السلام در دیدار جمعی از زنان؛ مورخ:

۱۳۷۱/۰۹/۲۵.

۳. پیام مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله العظمی

خامنه‌ای علیه السلام در سومین نشست اندیشه‌های

راهبردی؛ مورخ: ۱۳۹۰/۱۰/۱۴.

جایی که حجاب را از زنان دور می‌کنند، آن جایی که زن را به عریانی و برهنگی نزدیک می‌کنند، در درجه اول، امنیت از خود زن و در درجه بعد، از مردان و جوانان گرفته خواهد شد. برای این که محیط سالم و دارای امنیت باشد؛ زن بتواند کار خود را در جامعه انجام دهد، مرد هم بتواند مسئولیت‌های خود را انجام دهد، اسلام حجاب را معین کرده است.^(۱)

یا در جای دیگری این طوریان کرده‌اند: «اگر به مسأله حجاب نگاه می‌کنیم، به عنوان یک چیزی که وسیله محرومیت زن است نگاه نکنیم؛ این محرومیت نیست، این در واقع یک برخورداری است؛ حجاب امنیت آوراست، موجب امنیت می‌شود، موجب حفظ می‌شود.»^(۲)

فایده دوم: اهمیت یافتن خانواده و نقش مادر

معظم‌له به اهمیت خانواده و نقش محوری مادر در حفظ این محیط در سایه حفظ حیاء زنانه اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در اجتماع زنان خوزستان؛ مورخ: ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.
۲. بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام حضرت آیه الله العظمی خاмене‌ای علیه السلام در دیدار اقسام مختلف بانوان؛ مورخ:

۱۴۰۲/۱۰/۰۶

است که در برابر حفظ کرامت زن و شخصیت و جایگاه او بیش تر به دنبال راضی نگه داشتن سرمایه داران و مردانی است که زن را خلاصه کرده‌اند در موجودی مصرف شونده و کارگری بی‌منت و وسیله برای رفع اغراض جنسی که درست در مقابل نگاه اسلام به جایگاه زن است که او را کرامت می‌بخشد و هر چیزی که بخواهد به این هویت و جایگاه لطمه بزند وارد می‌کند و مطابق شخصیت و هویت او برای او در جامعه جایگاه متناسب با خودش را تعریف می‌کند.

۴. فواید حجاب و پوشش در زندگی شخصی زنان

در بخش شمارش فواید حجاب و پوشش در زندگی شخصی و جمعی زنان نیز فرامینی از مقام معظم رهبری علیه السلام وجود دارد که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

فایده اول: تقویت امنیت در جامعه

حضرت آیه الله العظمی خاмене‌ای علیه السلام حفظ حجاب را مایه تقویت امنیت در جامعه می‌داند و می‌فرماید:

«اسلام برای زن حجاب را معین کرده است. خود این حجاب، یکی از وسایل امنیت است. با حجاب زن مسلمان، هم خود زن مسلمان امنیت پیدا می‌کند و هم مردان مسلمان امنیت پیدا می‌کنند. آن

«بعضی می‌گویند حجاب مانع از رشد زن و ترقی زن است؛ نه به عکس؛ حجاب مانع از آن خودنمایی‌های بی‌موردی است که مانع حرکت زن می‌شود. ما امروز هزاران بانوی بزرگ و برجسته در صحنه‌های گوناگون علمی و عملی و اجتماعی و سیاسی و فنی داریم که همه با حجاب کامل در حال زندگی هستند. خب وقتی با این نگاه به زن نگاه کردیم، نقش [زن در] خانواده هم برجسته می‌شود؛ نقش مادری، نقش همسری، نقش کدبانویی و مانند این‌ها برجسته می‌شود؛ این چیزی است که در غرب روزبه‌روز دارد کم‌رنگ‌تر می‌شود؛ خانواده در غرب دارد رو به اضمحلال می‌رود. خانواده یک کانون گرم و پُرپرکتی است که قوی‌ترین پایه‌های تربیت انسان در این کانون گذاشته می‌شود.»^(۱)

فایده سوم: کسب رتبه معنوی عالی

بر اساس آنچه در آموزه‌های دینی پیرامون حجاب و عفاف ذکر شده، حجاب زن می‌تواند زمینه‌ساز تعالی

معنوی و کسب درجات عالی اخلاق و معنویت او باشد؛ مقام معظم رهبری رحمته الله علیه به این نکته اشاره کرده و می‌فرماید: «باید مسائل ارزشی اسلام در جامعه ما احیاء بشود. مثلاً مسأله حجاب، یک مسأله ارزشی است. مسأله حجاب، مسأله‌ای است که اگرچه مقدمه‌ای است برای چیزهای بالاتر، اما خود یک مسأله ارزشی است. ما که روی حجاب این قدر مقیدیم، به خاطر این است که حفظ حجاب به زن کمک می‌کند تا بتواند به آن رتبه معنوی عالی خود برسد و دچار آن لغزشگاه‌های بسیار لغزنده‌ای که سر راهش قرار داده‌اند، نشود.»^(۲)

کلام پایانی

توصیف و تبیین دریای بی‌کران و عمیق منظومه فکری مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای رحمته الله علیه پیرامون «عفاف و حجاب»، از عهده یک نوشتار چند صفحه‌ای خارج است و نمی‌توان این مفاهیم و مضامین برآمده از آموزه‌های اصیل دینی و اسلامی را در چند صفحه جمع نمود، اما این مقاله

۱. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای رحمته الله علیه در دیدار اقشار مختلف بانوان؛ مورخ:

۱۴۰۲/۱۰/۰۶

۲. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی

خامنه‌ای رحمته الله علیه در دیدار اعضای شورای فرهنگی -

اجتماعی بانوان؛ مورخ: ۱۳۷۰/۱۰/۰۴

می‌تواند سرآغازی بر این موضوع باشد تا ان شاء الله در شماره‌های بعدی ماهنامه مبلغان سایر نکات و مطالب مربوط به حجاب و عفاف ارائه گردد.

به عبارتی دیگر در شماره‌های آتی این موضوع به مباحث زیر اشاره خواهد شد:

۱. حجاب و سیاست: دشمن، در موضوع

حجاب و عفاف در صدد است آن را از یک هنجار اجتماعی و یک تکلیف شرعی و اجتماعی به یک موضوع سیاسی تبدیل کند و در سایه آن، اعتراضات جنس زنان را به وسیله کم‌حجابی نشان دهند در حالی که بیش‌تر موارد بی‌حجابی زنان، ارتباطی به اعتراض به حاکمیت ندارد.

نگاه مقام معظم رهبری حفظه الله، نقطه مقابل این برداشت است و ایشان به شدت از تبدیل شدن مقوله حجاب و عفاف به یک موضوع سیاسی و اجتماعی منع کرده‌اند و همیشه بحث حجاب و پوشش را به عنوان یک واجب شرعی و عرفی و قانونی تبیین نموده‌اند.

۲. حجاب و محدودیت: مخالفان مکتب

تشیع در صددند عفاف و حجاب زنان در جامعه را محدودکننده و محروم‌کننده ایشان از حضور اجتماعی معرفی نمایند و در نتیجه

حکم دینی حجاب را نوعی سرکوب زنان القاء کنند. این القائات شیطانی با نگاه مقام معظم رهبری حفظه الله به جایگاه و جنس زن در جامعه که برای او کرامت در سایه حفظ حیا و عفت قائل است، در تضاد است و ایشان معتقد است حجاب، زنان را از حضور در جامعه و ایفای نقش فعال در محیط اجتماع محروم نمی‌سازد که به حول و قوه الهی در شماره‌های بعد این سلسله مباحث به آن پرداخته خواهد شد.

۳. حجاب و انحرافات: نگاه فمینیستی

به جنس زن و جایگاه زن و خانواده، مانع شکوفایی جایگاه واقعی زنانه شده و برخلاف ادعای صاحبان این نگاه که شعار حمایت از زنان را سرمی‌دهند، گاهی منفعت‌جویانه نسبت به زن و خانواده می‌باشد. در مقابل این نگاه دانی، نگاهی عالی برآمده از آموزه‌های دینی وجود دارد که حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای حفظه الله ضمن نقد نگاه فمینیستی به زن، نکاتی در باب «حفظ هویت و جایگاه زنان» بیان فرموده‌اند که در شماره‌های بعد به این نکته هم اشاره خواهد شد.



تحلیل مسائل سیاسی روز جامعه

شهریورماه ۱۴۰۳

مرتضی غرسبان روزبهرانی

ناکارآمدی ترور در برابر مقاومت

همه تظاهر و یال و کویال، از گروه محدود مقاومت شکست سختی خورده است. آن‌ها می‌گویند رژیم صهیونیستی بعد از طوفان الأقصى، با این همه تلاش، به هیچ‌کدام از هدف‌های حدّ اقلی خود هم نرسیده است.^(۱)

در ادامه همین شکست‌ها، رژیم صهیونیستی به ترور رهبران مقاومت متوسّل شده است. امری که از پیشینه قدیمی ترور شخصیت‌های برجسته‌ای هم چون سید عباس موسوی، عماد مغنیه، شیخ احمد یاسین، عبدالعزیز رنتیسی و مروان عیسی برخوردار است

شکست ترمیم‌ناپذیر رژیم صهیونیستی در عملیات طوفان الأقصى امری بدیهی است و با وجود اقدامات وحشیانه و حمایت بی‌چون و چرای آمریکا و غرب، رژیم صهیونیستی تاکنون به هیچ‌یک از اهداف خود دست نیافته است.

به اعتقاد رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای حفظه الله:
«همه تحلیلگران غربی، اعم از اروپایی، آمریکایی و حتی وابستگان به خود رژیم صهیونیستی معتقدند که در این عملیات، رژیم صهیونیستی با

۱. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای حفظه الله در مراسم سال‌گرد ارتحال امام خمینی رحمته الله؛ مورخ: ۱۴۰۳/۰۳/۱۴.

و بررسی از سوی کارشناسان سیاسی و رسانه‌ها قرار دارد. برخی از رسانه‌ها، رأی اعتماد کامل نمایندگان مجلس شورای اسلامی به وزرای پیشنهادی دولت را بیان‌کننده حسن اعتماد و همراهی «خانه ملت» با «دولت وفاق ملی» و تولید سرمایه‌ای عظیم و مستحکم برای پشتیبانی مؤثر از برنامه‌های دولت چهاردهم می‌دانند. نظریه اهمیت این موضوع، توجه به چند نکته حائز اهمیت است:

۱. طی روزها و هفته‌هایی که سپری شد، عبارت «وفاق ملی» به تدریج از سوی رسانه‌ها و کارشناسان سیاسی و خاصه رئیس‌جمهور و اعضای دولت به عبارت پرتکرار تبدیل شده است.

۲. رئیس‌جمهور محترم در ایام تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری بارها تأکید کردند که خود را موظف به اجرای برنامه هفتم، سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز می‌دانند. علاوه بر آن برخی عبارات ذکر شده از زبان ایشان (هم‌چون: «نباید کشور با یک جریان اداره شود»، «اصول‌گرای اصلاح‌طلب هستم»، «با

و هر چند که این سیاست، با هدف تضعیف و ریشه‌کن کردن مقاومت انجام می‌شود، اما نتیجه عکس داده و سبب تنگ‌تر شدن «حلقه آتش» در محیط پیرامونی فلسطین اشغالی گشته است. تجربه دهه اخیر نشان داده است که هرگاه رهبران یا فرماندهان نظامی هسته‌های مقاومت مورد هدف جوخه ترور موساد قرار گرفتند، جریان مقاومت با قدرت بیش‌تری به میدان بازگشته و به منافع رژیم صهیونیستی ضربه زده است.

در پی ترور شهید اسماعیل هنیه نیز وعده انتقام حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای حفظه الله سبب شد تا زندگی عادی در فلسطین اشغالی متوقف شده و صهیونیست‌ها خود را برای پاسخ احتمالی ایران و بحران‌های ناشی از این حمله آماده کنند.

آغاز راه دولت وفاق ملی

رأی اعتماد نمایندگان مجلس شورای اسلامی به وزرای پیشنهادی دولت جدید از مهم‌ترین رخداد‌های جاری کشور به شمار می‌آید که هم‌چنان محل بحث

باند مخالفم» و...) ترکیب خاص و متمایز کابینه دولت با ادوار گذشته را منطقی جلوه می دهد.

۳. از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی حَفِظَهُ اللهُ، اگر فرد و گروهی بر سر اصول با شما تفاهم داشت، او برادر شماست.

از آن جا که وفاق ملی از منظر دولت چهاردهم یک امر تبلیغاتی و تزئینی نیست، گام نخست وفاق ملی که ترکیب و

تشکیل کابینه است، به خوبی آن را شروع کرده است و امید می رود در ادامه راه و گام دوم وفاق ملی، که تمرکز بر صیانت

از اصول و اغماض در سلاقی است، مسیر پیش روی کشور توأم با ثبات، نشاط سیاسی و پیشرفت همه جانبه طی شود.

۴. هر آن چه تاکنون اتفاق افتاده، صرفاً یک آغاز خوب است که می تواند نویدبخش دوره ای مطلوب و تحولات مثبت باشد و در معیشت و زندگی مردم

تغییرات سازنده و مؤثر ایجاد شود و مشکلاتی که وضعیت اقتصادی را برای مردم سخت کرده، روز به روز به سمت

آسانی و گره گشایی سوق پیدا کند.

۵. در سال های اخیر، مسائل اقتصادی متغیر تعیین کننده در مطالبات مردم بوده است؛ از این منظر انتظار می رود دولت و مجلس با توافق و تفاهم بر این مسأله اصلی، در جهت رفع مشکلات اقتصادی بیش از پیش همت گمارند.

رأی اعتماد مجلس شورای اسلامی به کابینه دولت چهاردهم

درباره رأی مجلس به کابینه دولت چهاردهم چند نکته حائز اهمیت است:

۱. رأی مجلس به همه وزرای پیشنهادی نشان از آن دارد که مجلس نیز همسو با دولت جدید در صدد تحقق همگرایی و وفاق در کشور است.

۲. در رأی مجلس به کابینه پیشنهادی این نکته به خوبی نهفته شده که جریان های سیاسی از منازعات سیاسی سرمایه سوز خسته شده و در صدد مشق کارآمدی هستند.

۳. کیفیت رأی مجلس به دولت جدید می تواند در تقویت وزن گزینه های روی میز نظام در مذاکرات احتمالی هسته ای و سایر معادلات امنیتی در ارتباط با همسایگان اثرگذار باشد.

۴. نوع اظهارات آقای پزشک‌یان در روز رأی اعتماد مجلس موجب سوءاستفاده رسانه‌های معاند و بیگانه شد. وی در سخنان خود در مجلس، روال متعارف مشورت رؤسای جمهور با رهبر انقلاب پس از چیدن کابینه را به نحوی روایت کرد که گویا یکایک اعضای کابینه با نظر رهبر معظم انقلاب حفظه الله چیده شده است، حال آن‌که فهرست کابینه پیشنهادی تا حدودی طبق نظر شورای مشورتی موسوم به شورای راهبری کابینه چهاردهم و نهایتاً انتخاب خود رئیس جمهور بوده است.

رهبر معظم انقلاب حفظه الله در نخستین دیدار با اعضای دولت فرمودند:

«آقای رئیس جمهور برای انتخاب وزیران با من مشورت کردند. برخی را تأیید و برخی را هم تأکید کردم. تعداد بیش‌تری را هم نمی‌شناختم و نظری نداشتم.»

نوع روایت جناب آقای پزشک‌یان، موجب سوءاستفاده رسانه‌های معاند شده و می‌تواند تصوّرات غلطی نظیر هیچ‌کاره بودن رئیس جمهور و تبعاتی

نظیر پاسخ‌گونی نبودن مجلس به انتخاب خود و پاسخ‌گونی نبودن وزرا و دولت نسبت به عملکرد خود را به همراه داشته باشد، حال آن‌که در ادوار مختلف، وزرای همه دولت‌ها به انتخاب و سلیقه خود رؤسای جمهور تعیین شده‌اند و درنهایتی کردن چند وزیر با توجه به حساسیت فعالیت‌های آن‌ها و نسبت‌شان با مسئولیت‌های دفاعی و امنیتی، از رهبر معظم انقلاب حفظه الله اذن و تأیید می‌گرفتند.

۵. رأی اعتماد دادن به کابینه به معنای بی‌عیب و نقص بودن همه وزرا نیست. همه مجلس‌ها در ابتدای تشکیل دولت‌ها موظف هستند نهایت همکاری را برای تشکیل کابینه داشته باشند و همکاری مجلس برای تشکیل سریع دولت، یک کمک ارزنده است، ولی مراقبت لازم برای انتخاب نکردن افراد مسأله‌دار در رفته‌ها، یک تکلیف قانونی و انقلابی برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی است، بنابراین در ادامه مسیر، نظارت جدی مجلس بر عملکرد دولت و وزراء، از مطالبات جدی مردم انقلابی و ولایت‌مداران نمایندگان مجلس می‌باشد.

تقابل با دشمن، پایانی ندارد

نامه ۶۲ نهج البلاغه، نامه امیرالمؤمنین علی علیه السلام به مردم مصر است که حضرت آن را به همراه مالک اشتر برای اهل مصر فرستاد. در این نامه امام علی علیه السلام بعد از بیان مقدماتی، از عزم جدی خود برای مبارزه با دشمنان خدا خبر می دهد و تأکید می کند به هیچ وجه این وظیفه را زمین نخواهد گذاشت؛ آن جا که می فرماید:

«إِنِّي وَاللَّهِ لَوَلَّيْتُهُمْ وَاحِدًا وَهُمْ طِلَاعُ الْأَرْضِ كُلِّهَا مَا بَالِيَتْ وَلَا اسْتَوْحِشْتُ؛^(۱) به خدا سوگند من اگر تنها با آن ها (دشمنان) روبه روشوم در حالی که تمام روی زمین را پر کرده باشند، باکی ندارم و وحشت به خود راه نمی دهم.»

این نهایت ایمان، وظیفه شناسی و شجاعت امام علیه السلام را نشان می دهد. در نامه «عثمان بن حنیف» نیز حضرت می فرماید:

«وَاللَّهِ لَوَلَّيْتُهَا بِأَعْرَبِ الْعَرَبِ عَلَى قِتَالِي لَمَا وَكَيْتُ عَنْهَا؛ به خدا سوگند اگر تمام عرب

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، نشر شریف رضی، قم، ۱۴۰۹ق، نامه ۶۲.

به بیکار من برخیزند من پشت به میدان نبرد نخواهم کرد».

امام علیه السلام در ادامه دو دلیل برای این تصمیم قطعی خود بیان می کنند:

- «وَإِنِّي مِنْ ضَالِّهِمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ وَ الْهُدَى الَّذِي أَنَا عَلَيْهِ لَعَلِّي بَصِيرَةٌ مِنْ نَفْسِي وَيَقِينٌ مِنْ رَبِّي؛ من از گمراهی آن ها و هدایتی که من بر آنم کاملاً آگاهم و به پروردگارم یقین دارم (و به همین دلیل در مبارزه با آن گمراهان کم ترین تردید به خود راه نمی دهم).»

- «وَإِنِّي إِلَى لِقَاءِ اللَّهِ لَمُشْتَاقٌ وَحُسْنِ ثَوَابِهِ لَمُنْتَظَرٌ رَاجٍ؛ من مشتاق (شهادت و) لقای پروردگارم و به پاداش نیکش منتظر و امیدوارم.»

بنابراین طبق مفهوم عبارت امیرالمؤمنین علیه السلام، عشق به شهادت و ثواب های عظیمی که خداوند نصیب مجاهدین راهش می کند مرا برای این وا می دارد که از کثرت دشمن و تنهایی خودم کم ترین وحشتی نداشته باشم.

در عصر حاضر نیز دشمنان انقلاب اسلامی در طول سال های گذشته تمام تلاش خود را انجام دادند تا روحیه

هم این دوجبهه وجود داشت. در زمان بعد از ایشان هم وجود داشته، امروز هم وجود دارد و تا آخر هم وجود خواهد داشت.^(۱)

بنابراین تقابل جبهه حق و جبهه ظلم همواره وجود داشته و پایانی ندارد، از این رو مبارزه جبهه حق با جبهه ظلم و جور نیز باید همواره ادامه داشته باشد. بر این اساس، حمایت از ملت مظلوم فلسطین، وظیفه همگانی است و پاسخ مقتدرانه به ترور شهید هنیّه نیز حق و وظیفه جمهوری اسلامی ایران است، چراکه این اقدام، اولاً در خاک جمهوری اسلامی ایران اتفاق افتاده و ثانیاً این شهید عزیز، رهبر سیاسی ملت مظلوم فلسطین بوده است.

حماسه اربعین، مقدمه ظهور

زیارت اربعین به عنوان یک آیین کهن شیعی، با پایان دوران دیکتاتوری در عراق رونقی دوباره یافت و خیلی زود جای خود را در میان ایرانیان هم بازکرد. شیوع این

۱. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام در جمع عزاداران هیأت‌های دانشجویی اربعین حسینی؛ مورخ: ۱۴۰۳/۰۶/۰۴.

جهاد و شهادت را از جامعه اسلامی ایران بگیرند و روحیه تسلیم و ظلم‌پذیری را در ملت ما نهادینه کنند، اما موفق نشدند؛ چراکه الگوی حکمرانی در نظام اسلامی، برآمده از آموزه‌های دینی و سیره ائمه علیهم السلام است.

نظام اسلامی با رهبری و هدایت‌های امامین انقلاب با دشمنان خود بر اساس این الگو مبارزه کرده و خواهد کرد؛ بنابراین همان‌گونه که در کلام حضرت امیر علیه السلام آمده، مبارزه با دشمنان مستکبر و ظالم در نظام اسلامی تا رسیدن به نقطه مطلوب، هرگز کنار گذاشته نخواهد شد.

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در جمع عزاداران هیأت‌های دانشجویی اربعین حسینی فرمودند:

«امام حسین علیه السلام در سفر کربلا، در چند جا مشخص کرده که حرف و هدفش چیست. مسأله، مسأله ظلم و جور است. این جبهه حسینی است که در مقابله با ظلم فعالیت و جهاد می‌کند. نقطه مقابله هم جبهه جور و ظلم و شکست عهده الهی است. امروز شما در دنیا این را می‌بینید. قبل از دوران امام حسین علیه السلام

زیارت در میان ایرانیان مربوط به سال ۱۳۸۹ است؛ چراکه پیش از آن آماری از ایرانیان حاضر در این مراسم وجود ندارد. روند شرکت ایرانیان در زیارت اربعین در طول ۱۴ سال، با شیب تندی صعودی بوده است.

برپایی آیین موبداری و پذیرایی توسط مردم عراق، حمایت‌های قانونی دولت‌های ایران و عراق برای تسهیل خروج از کشور، برقراری امنیت و رفع مخاطرات گروه‌های تروریستی تا پایان دهه ۹۰ و بسترسازی جامع دولت‌ها برای برپایی هرچه باشکوه‌ترین مراسم از جمله عواملی‌اند که در کنار شور و اشتیاق مردم به مکتب امام حسین علیه السلام به این رشد صعودی کمک کرده‌اند.

بسیاری از تحلیل‌گران در باب کارکردهای پدیده اربعین و ارتباط آن با مقولاتی هم‌چون اقتصاد، فرهنگ، سیاست و امنیت تحقیق و پژوهش انجام داده‌اند؛ این در حالی است که در بحث ماهیت‌شناسی و شناخت ذات این پدیده، تلاش‌های زیادی صورت نگرفته است.

پدیده شگفت‌انگیز «پیاده‌روی و زیارت اربعین» به شکل گسترده و تشکیلاتی کنونی، آثار فراوانی در ابعاد مختلف دارد که به چند مورد می‌پردازیم:

۱. قدرت‌نمایی جهانی شیعه: این

حرکت دشمن‌شکن، از مصادیق توصیه‌های قرآنی است که به قدرت‌نمایی در مقابل دشمن تأکید می‌نماید: ﴿وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً﴾؛^(۱)

۲. خشم و وحشت دشمن: قرآن کریم، توصیه می‌کند که مسلمین باید به مسیری گام نهند که موجب خشم و وحشت دشمن می‌شود: ﴿وَلَا يَطُؤْنَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفْرَانَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نِيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ﴾؛^(۲)

۳. تجلی‌ایشار و فداکاری: بسیاری از شیعیان به‌ویژه شیعیان عراقی پس‌انداز و دارایی‌های خود را در اختیار زوار قرار می‌دهند، گرچه خود به آن نیاز داشته باشند: ﴿وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ﴾؛^(۳)

۱. توبه / ۱۲۳.

۲. توبه / ۱۲۰.

۳. حشر / ۹.

۴. تحقق اتحاد جهانی شیعه: درجاده

۸۰ کیلومتری، شیعیان و سایر مسلمانان در کنار هم صحنه زیبایی از وحدت و انسجام جهانی را به وجود آورده، به ندای این آیه شریفه لبیک می‌گویند: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^(۱)

۵. عملی شدن بسیاری از آموزه‌های اسلامی: بسیاری از آموزه‌های دینی نظیر میهمان‌نوازی، مدارا، صبر، از خودگذشتگی و... در این سفر عملاً خود را نشان می‌دهد.

برآمد همه این آثار، زمینه‌سازی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف است. تحمل سختی‌های این سفر زیارتی (گرما و...) نمونه‌ای از تمرین و آمادگی برای سربازی در رکاب حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف به شمار می‌رود و به فرموده رهبر معظم انقلاب، نوعی اعلام آمادگی برای مبارزه در راه خدا و اسلام است، آن‌جا که می‌فرماید: «راه‌پیمایی عظیم اربعین ... واقعاً یک پدیده است، یک پدیده الهی

است، یک پدیده معنوی است. حقیقتاً قابل توصیف نیست؛ مثل خیلی از این پدیده‌های مهم الهی، درست قابل تفسیر هم نیست؛ یعنی نمی‌شود این حادثه را تحلیل کرد. ... این جمعیت عظیم میلیونی از جاهای مختلف دنیا - چند میلیون از ایران و میلیون‌ها از خود عراق و از کشورهای دیگر- این حرکت عظیم، یک پدیده فوق‌العاده عظیمی است؛ خیلی مهم است. این نشان‌دهنده اوج گرفتن همین تفکر مبارزه در راه خدا و در راه اسلام و آمادگی عمومی و همگانی در این راه است.»^(۲)



۲. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای رحمته الله علیه؛ مورخ: ۱۳۹۶/۰۸/۲۲.



شهید رئیسی، سیاست مدار تراز (۱) امتیازات و ویژگی‌های شخصیتی آیه الله شهید، سید ابراهیم رئیسی

ابومصطفی اسماعیل زاده

اشاره

حضرت آیه الله العظمی خامنه ای حفظه الله
در اولین دیدار دولت چهاردهم در مورد
الگو بودن امیرکبیر^(۱) و شهید رئیسی
فرمود:

«این امانت خدا و مردم را قدرشناسی
کنید و بدانید فرصت ۴ سال خدمت
به سرعت برق و باد می‌گذرد؛ البته در
همین مدت هم می‌توان کارهای بزرگی
کرد. هم چنان‌که امیرکبیر در مدت ۳
سال کارهای بزرگی انجام داد و رئیسی
عزیز هم در حدود ۳ سال خدمت
برخی پایه‌گذاری‌های خوبی انجام داد

۱. در مورد خدمات دولت امیرکبیر در شماره ۲۵۹
ماهنامه مبلمان مقاله‌ای جامع، کوتاه، تاریخی و
رجالی با عنوان «میرزا محمد تقی خان امیرکبیر،
الگوی سیاست مدار اسلامی» منتشر گردیده
است.

که ان شاء الله ثمره آن به کشور خواهد
رسید.»^(۲)

در تاریخ پر افتخار عالم تشیع،
سیاست مداران برجسته، با کفایت،
آگاه، متدین و عاشق اهل بیت علیهم السلام
کم نداریم که سیمای مکتب شیعه را
در عالم سیاست روشن و پرفروغ نگه
داشته‌اند. برخی از آن‌ها عبارتند از:
۱. «علی بن یقظین بن موسی کوفی»
(۱۲۴-۱۸۲ق)، محدث، فقیه، متکلم و
از بزرگان شیعه در دوران امام صادق علیه السلام
و امام کاظم علیه السلام.

۲. «صاحب بن عباد» (۳۲۶-
۳۸۵ق)، دانشمند با سیاست و دیانت

۲. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه الله
العظمی خامنه ای حفظه الله در اولین دیدار با اعضای
هیأت دولت چهاردهم؛ مورخ: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷.

و فرهنگ و سخاوت و ادیب، نویسنده، شاعر و وزیر شیعه آل بویه.

۳. «امیر مجد الملک ابوالفضل قمی» (۴۴۱ ق در قم - ۴۹۲ ق در همدان)، وزیر شیعی سلجوقیان، معروف به «مجد الملک» در نیمه اول سده پنجم هجری. ۴. «محمد بن علقمی» (۵۹۱-۶۵۶ ق)، سیاست مدار عالم، فرهنگ دوست و شیعه مذهب و آخرین وزیر عباسیان.

۵. «میرزا محمد تقی خان فراهانی» معروف به امیر کبیر (۱۲۲۲-۱۲۶۸ ق).

۶. شهید «محمد علی رجائی» (۱۳۱۲-۱۳۶۰ ش)، رئیس جمهور ساده زیست، مکتبی، متعبد، مردمی و مظهر علم و عمل. یکی دیگر از این افراد خدمت گذار شهید «سید ابراهیم رئیسی»، سید الشهدای خدمت بود که بعد از حدود چهار دهه، یاد شهید رجایی و مراسم را احیا کرد و به قول معروف «رجایی زیست، بهشتی شد». در این مقاله برخی از امتیازات و خدمات بی نظیر آن شهید بزرگوار ارائه می گردد.

زندگی نامه کوتاه شهید رئیسی

سید ابراهیم رئیس الساداتی (۱۳۳۹-۱۴۰۳ ش) مشهور به سید ابراهیم رئیسی، هشتمین رئیس جمهور نظام جمهوری

اسلامی ایران در دولت سیزدهم، در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۴۰۰ دولت ابرار خود را آغاز نمود و این دولت در ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ (مطابق با شب ولادت امام رضا علیه السلام) با شهادتش پایان یافت^(۱)، اما آثار و برکات و افکار و اندیشه ها و خدماتش به عنوان باقیات صالحات هم چنان ادامه دارد.

تحصیلات

آیه الله سید ابراهیم رئیسی در حوزه علمیه قم، اصول فقه را نزد آیه الله مروی، لمعتین را نزد آیه الله فاضل هرنندی، رسائل را نزد آیه الله موسوی تهرانی، مکاسب محرمة را نزد آیه الله دوزدوزانی، کتاب البیع مکاسب را نزد آیه الله خزعلی، خیارات مکاسب را نزد آیه الله ستوده و آیه الله طاهری خرم آبادی، تفسیر قرآن کریم را نزد آیه الله مشکینی و آیه الله خزعلی، شرح منظومه و فلسفه را نزد آیه الله احمد بهشتی و دوره شناخت را نزد آیه الله مطهری و نهج البلاغه را نزد آیه الله نوری همدانی آموخت.

وی، خارج اصول را نزد آیه الله سید محمد حسن مرعشی شوشتری و آیه الله هاشمی شاهرودی و خارج فقه را نزد

۱. دولت شهید رئیسی ۲ سال و ۹ ماه و ۱۸ روز طول کشید.

آیه الله مجتبی تهرانی و آیه الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب حفظه الله تلمذ کرد. او پیش از پایان دوره سطح توانست به دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی راه یافته و پس از دفاع از پایان‌نامه خویش در سال ۱۳۸۰ با قبولی در کنکور دکتری مدرسه عالی شهید مطهری در رشته فقه و حقوق خصوصی ادامه تحصیل دهد.

آیه الله رئیسی با تکمیل تحقیقات خود در رشته فقه و حقوق، موفق به اخذ مدرک عالی‌ترین سطح حوزه (سطح چهار) شد و در نهایت رساله دکتری خود را با عنوان «تعارض اصل و ظاهر در فقه و حقوق» دفاع کرد و با اخذ نمره ممتاز به درجه دکتری فقه و حقوق در مدرسه عالی شهید مطهری نائل شد.

تدریس

شهید رئیسی علاوه بر خدمت‌گذاری در مسئولیت‌های کلان کشوری، بنا به توصیه مکرر آیه الله مهدوی کنی و آیه الله مجتبی تهرانی مبنی بر حفظ ارتباط درسی خود با طلاب، از سال ۱۳۸۰ تا زمان شهادت، به عنوان مدرس در مدارس علمیه تهران از جمله: مدرسه مجد،

مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام، مدرسه امام حسین علیه السلام و مدرسه مروی به تدریس سطوح عالی حوزه هم‌چون رسائل و مکاسب، کفایتین و قواعد فقهیه مشغول بود و بعد از قبول مسئولیت تولیت آستان مقدس رضوی علیه السلام در مشهد مقدس (از ابتدای سال ۱۳۹۵) در مدرسه عالی نواب، به تدریس در موضوع «فقه وقف» پرداخت.

آیه الله رئیسی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه امام صادق علیه السلام و مدرسه عالی شهید مطهری علیه السلام و دانشگاه آزاد اسلامی به تدریس دروس تخصصی فقه قضا، فقه اقتصاد، اصول فقه و قانون مدنی می‌پرداخت.

تألیفات

از تألیفات این شهید والا مقام می‌توان به کتب زیر اشاره کرد:

۱. «تقریرات درس قواعد فقه» (بخش قضایی)، انتشارات بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی علیه السلام؛
۲. «تقریرات درس قواعد فقه» (بخش اقتصادی)، انتشارات بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی علیه السلام؛

ویژگی‌های شخصیتی شهید رئیسی

اشاره به ویژگی‌های شخصیتی شهید رئیسی از حدّ یک مقاله خارج است؛ لکن برخی از آن‌ها را در این جا تبیین و در شماره‌های آتی این مقاله، سایر موارد ارائه خواهد شد:

۱. دل‌داده خدا و مُحَبِّ اهل بیت علیهم‌السلام

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ»^(۱) هر که ما را دوست بدارد، در روز قیامت با ما خواهد بود و اگر کسی سنگی را دوست داشته باشد، خداوند او را با آن محشور خواهد کرد.»

عشق به خدا و قرآن و توسل به اهل بیت علیهم‌السلام در وجود شهید رئیسی موج می‌زد. دل‌دادگی و وابستگی او به خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام به روح و جسمش صفا بخشیده و شیفتگی و محبّت به اهل بیت علیهم‌السلام، او را در ردیف منادیان فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام قرار داده بود. اندیشه‌ها، طرح‌ها و تصمیم‌هایش همه براساس پیروی از اصل ولایت و

۳. «تقریرات درس قواعد فقه» (بخش عبادی)، انتشارات بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی علیهم‌السلام؛

۴. «ارث بلاوارث در فقه و حقوق»، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛

۵. «تعارض اصل و ظاهر در فقه و حقوق»، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛

۶. «فقه وقف»، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی علیهم‌السلام.^(۱)

مسئولیت‌های کلان

سید ابراهیم رئیسی، در نظام جمهوری اسلامی ایران مسئولیت‌های مختلفی بر عهده داشت؛ که به شرح ذیل است:

۱. ریاست جمهوری ایران اسلامی در دولت سیزدهم؛
۲. ریاست قوه قضائیه؛
۳. دادستانی کل کشور؛
۴. ریاست سازمان بازرسی کل کشور؛
۵. ریاست دادگاه ویژه روحانیت؛
۶. عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
۷. نمایندگی مجلس خبرگان رهبری؛
۸. تولیت آستان مقدّس رضوی علیهم‌السلام.

۱. رجوع شود به: پایگاه اطلاع‌رسانی سید ابراهیم رئیسی، بیان سوابق علمی، آثار و تألیفات.

۲. آمالی، شیخ صدوق، انتشارات نسیم کوثر، قم، ۱۳۸۹ش، ص ۲۰۹، مجلس ۳۷.

رهنمودهای پیشوایان معصوم علیهم‌السلام تعریف می‌شد.

بزرگ‌ترین افتخار شهید رئیسی، خادمی حرم رضوی علیها‌السلام و نوکری به زوار اهل بیت علیهم‌السلام به ویژه امام رضا علیه‌السلام بود. او که دل‌داده امام رضا علیه‌السلام بود، حتی یک ریال به عنوان حق التولیه از حرم مطهر رضوی علیه‌السلام دریافت نکرد.

حجة الإسلام والمسلمین احمد مروی، تولیت آستان قدس رضوی علیه‌السلام می‌گوید: روزهای اولی که رفتم آن‌جا، صورت حساب حق التولیه آقای رئیسی را آوردند و گفتند: «حاج آقا! ماکه حریفشون نشدیم، شما یه چیزی بهشون بگید! درسته که ایشون این مدت تولیت باشه و یک ریال نگیره؟» گفتم: «این مال شخصیه، این که دیگه مال حرم نیست که! یعنی چی که نمی‌گیرم؟!» پیگیر شدم از خودش. گفتم: «برای چی به این پول دست نزدی؟ این حلال حلاله!» بی‌معطلی گفت: «نمی‌خوام.» آمدم که جوابش را بدهم ادامه داد: «ولی یه فکرایسی براش دارم. آگه آستان زمین بهمون بده می‌تونیم با این پول درمانگاه بسازیم.»

رفتم دنبال حرفش. خیلی زود از همان حقوقی که حاج آقا نگرفته بود، درمانگاه ساختم توی مناطق محروم. وقتی خبرش را شنید، از خوشحالی سراز پا نمی‌شناخت.^(۱)

حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه درباره میزان دل‌دادگی شهید رئیسی به خدا و اهل بیت علیهم‌السلام فرمود:

«ایشان [شهید رئیسی] اهل ذکر و توسل و دعا بود... اهل گریه بود و دلش روشن بود و قلباً با عالم غیب مرتبط بود؛ و همین‌ها است که انسان را نجات می‌دهد، انسان را پیش می‌برد.»^(۲)

دفاع تاریخی و جهانی شهید رئیسی از جایگاه و حقانیت قرآن در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، هیچ‌گاه از ذهن و دل مسلمانان بیرون نمی‌رود. تصویر و صدای آن لحظه‌ای که قرآن به دست گرفت و گفت:

«مفاهیم وحدت‌بخش و تعالیم متعالی، الهام‌بخش، انسان‌ساز، جامعه‌ساز و

۱. رک: پایگاه اطلاع‌رسانی «جهان نیوز»، ۱۳ مرداد ۱۴۰۳.

۲. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه در دیدار اعضای هیأت دولت

سیزدهم؛ مورخ: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷.

تمدن سازانیا برای جوامع بشری، ابدی اند و هرگز نمی سوزند. آتش توهین و تحریف، هرگز حریف «حقیقت» نخواهد شد.»^(۱)

۲. شجاعت در فسادستیزی و عدالت‌مداری

امام علی ع در مورد مؤمنان شجاع که فقط از خدا می ترسند می فرماید: «عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ، فَصَعُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»^(۲) خدا در وجود آنان بزرگ و غیر خدا در منظر آنان کوچک است.

شهید رئیسی در هر موقعیتی که قرار می گرفت بدون ترس از کسی با فساد و مفسد برخورد می کرد؛ حضرت آیه الله العظمی خامنه ای ع در مورد اقدامات فساد ستیزانه شهید رئیسی فرمود:

«خب الحمد لله توجه به قضیه فساد در قوه قضائیه اوج گرفته. البته قبل از این دوره شروع شده بود، ولكن حالا بحمد الله در اوج است و مورد توجه است و مردم هم که نگاه می کنند می بینند شما برخورد با مفسد می کنید، ملاحظه [کسی را] نمی کنید و قاطع وارد میدان می شوید،

۱. رجوع شود به: خبرگزاری مهر، پیام جامعه قرآنی کشور در پی شهادت آیه الله رئیسی؛ اول خرداد ۱۴۰۳.
۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ق، خطبه متقین.

واقعاً خوشحال می شوند، امیدوار می شوند؛ چون فساد و مفسد یک ضربه بزرگی به زندگی مردم و به روحیه مردم و به ایمان و اعتقاد مردم است.»^(۳)

معظم له در جای دیگری فرمود:

«یک جنبه دیگر از مردمی بودن عبارت است از مبارزه با فساد... خب ایشان در مسئولیت قبلی [ریاست قوه قضائیه]، حرکت مبارزه با فساد را شروع کردند و اقدامات خوبی انجام گرفت.»^(۴)

۳. امیدوار کردن مردم به نظام اسلامی

خدای متعال امیدوار کردن مردم را از جمله وظائف مسئولین می داند و به پیامبر اکرم ص فرمود: «مَأْمُورٌ بِمُؤْمِنَاتٍ»^(۵) را به مؤمنان برساند: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^(۵) «است نشوید، ناامید نشوید، ناراحت نباشید، چرا که شما برتر هستید.»

پیامبر گرامی ص شکست را مقدمه ای برای پیروزی معرفی می کنند و

۳. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه ای ع در ارتباط تصویری با همایش سراسری قوه قضائیه؛ مورخ: ۱۳۹۹/۰۴/۰۷.
۴. گزیده ای از متن حکم تنفیذ سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران؛ مورخ: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲.
۵. آل عمران/۱۳۹.

۴. تحمّل زخم‌زبان‌ها و تواضع

قرآن مجید در مورد ویژگی‌های عبادالرحمان می‌فرماید:

﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْسُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾؛^(۱)

«بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آن‌ها سلام می‌گویند (و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند).»

این سلام، نشانه حلم و بردباری و بزرگواری است. تحمّل بدرفتاری جاهلان، نیازی به صبر و بردباری دارد، اما اگر انسان رضایت خدا را در نظر داشته باشد و انگیزه الهی را در کار خود قرار دهد، همه چیز را برای خدا تحمّل می‌کند.

حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله علیه در این مورد فرمود:

«یک نکته دیگر هم منش اخلاقی ایشان [مرحوم رئیسی] بود؛ جداً متواضع بود، جداً بردبار بود. آدم صبوری بود، آدم بردباری بود، اهل مدارا بود با کسانی که اختلاف نظر داشتند؛ چه اختلاف

به جای سرزنش، تلاش می‌کنند یأس و ناامیدی را از مسلمانان دور کنند.

شهید رئیسی با تأسی از این آیه شریفه، تمام تلاش خود را کرد تا مردم مؤمن را به آینده نظام اسلامی امیدوار کند.

ایشان برخلاف برخی کارگزاران، تلاش می‌کرد از سویی از طریق مبارزه با مفسد دولتی‌ها در مردم امید ایجاد نموده و از سوی دیگر با خدمات گسترده دولت، اعتماد عموم را جلب کند.

در یک کلام، زنده کردن امید و اعتماد در مردم، از مهم‌ترین ویژگی‌های این مرد سیاست و دیانت بود که مقام معظم رهبری رحمته‌الله علیه به ایشان فرمود:

«از توفیقات شما [دولت سیزدهم]، [یعنی] آن‌چه از نظر من واقعاً توفیقاتی است که برای شما پیش آمده؛ غیر از این گزارش کارهای عملی و عملیاتی... به نظر من مهم‌ترینش، زنده کردن امید و اعتماد در مردم است؛ این بزرگ‌ترین توفیق شما است.»^(۱)

۱. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله علیه در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت؛ مورخ: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸.

نظری، چه اختلافات نظری ای که منتهی می شد به اختلاف عملی در عرصه... اگر ایشان مثلاً این صبر و این تحمل را نداشت، بنا بود یک دعوی بزرگی در کشور راه بیفتد. ایشان این جوروی بود.»^(۱)

شهید رئیسی چنان با اخلاق و تواضع و فروتنی و صبوری در برابر توهین ها برخورد کرد که (حتی به مخالفان بی انصافش هم هیچ گاه توهین نکرد). او هرگز از زخم زبان ها مأیوس نشد.

مقام معظم رهبری حَفِظَهُ اللهُ در ادامه تبیین شخصیت شهید رئیسی فرمود:

یک نقطه برجسته دیگر از ایشان [مرحوم رئیسی]، مأیوس نشدن از زخم زبان ها بود. این نقطه ضعف خیلی از ماهاست که تا یک کسی زبانش به انتقاد از ما می چرخد، فوراً یا دلمان می شکنند یا اوقاتمان تلخ می شود یا بدمان می آید که چرا مثلاً از ما ناسپاسی شد، و از کار می مانیم؛ خیلی اوقات این جور است؛ همیشه دوست داریم از ما تعریف کنند. ایشان نه؛ زخم زبان هم زیاد به ایشان می زدند، [اما] مأیوس نمی شد.

۱. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه ای رحمته الله در دیدار اعضای هیأت دولت سیزدهم؛ مورخ: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷.

البته نمی شود گفت که رنج نمی کشید؛ چرا، رنج هم می کشید، گاهی پیش بنده شکایت هم می کرد، لکن مأیوس نمی شد و سرد نمی شد از کار کردن و دنبال گیری کردن. این هم یکی از خصوصیات برجسته ایشان بود.»^(۲)

۵. پی گیری حل مشکلات اقتصادی مردم

امام صادق علیه السلام فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَلَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ؛»^(۳) از ما نیست کسی که دنیای خود را به خاطر آخرتش و یا آخرت خود را به خاطر دنیایش، رها کند.»

از بارزترین امتیازهای جوامع پیشرفته، داشتن اقتصادی سالم، پویا و وجود مجریان فعال، متعهد و کاردان در عرصه های اقتصادی است. پیامبران الهی نیز برای ایجاد قسط و عدالت در سطح وسیع آن در میان اقشار مختلف جامعه و تأمین نیازهای مادی مردم و آبادانی و آسایش آنان به وسیله توزیع عادلانه امکانات و سرمایه ها تلاش

۲. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه ای رحمته الله در دیدار اعضای هیأت دولت سیزدهم؛ مورخ: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷.

۳. من لا يحضره الفقيه، شيخ صدوق، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۵۶.

می‌کردند تا مردم برای امر دین و آخرت مشکل نداشته باشند.

شهید رئیسی هم در همین اندیشه بود که اقتصاد کشور را به نحو شایسته‌ای سروسامان دهد تا مردم در پرتوزندگی شایسته، به امر آخرت خود بپردازند.

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در مورد رشد شاخص‌های کلان اقتصادی در دولت شهید رئیسی می‌فرماید:

«در بخش اقتصاد، کارهای خوبی در دولت انجام گرفته... تعداد قابل

توجهی از شاخص‌های اقتصاد کلان، رشد را نشان می‌دهد، پیشرفت را نشان

می‌دهد، تغییرات مثبت را نشان می‌دهد... کارهای بزرگ و زیربنایی را انجام داده

که اثرش ممکن است امروزه طور کامل ظاهر نشود، اما بالاخره ظاهر خواهد

شد... حالاً من تعداد محدودی از آنها را عرض می‌کنم: افزایش رشد اقتصادی،

به خصوص در بخش صنعت؛ مهم است. افزایش رشد سرمایه‌گذاری که

جزء مهم‌ترین مسائل اقتصادی ما است و مشکل اساسی ما در بعضی از دوره‌های

گذشته، مسأله سرمایه‌گذاری بود... کاهش رشد نقدینگی... کاهش بیکاری، کاهش

ضریب جینی، رشد قابل توجه صادرات کالا، تقویت نظام مالیاتی که درآمدهای

مالیاتی دولت توانسته بخش قابل توجهی از بودجه جاری دولت را تأمین

کند. رشد قابل توجه تولید محصولات پتروشیمی که این مسأله محصولات

پتروشیمی جزء چیزهای مهم کشور است. اقدامات ارزنده‌ای در زمینه نفت و گاز که

یکی همین مرحله یازدهم پارس جنوبی بود که... آقای رئیس‌جمهور آن را افتتاح

کرد.»^(۱)

۶. تعامل عزتمدارانه با جهان

خداوند متعال در سوره نساء با صراحت تمام به اهل ایمان سفارش

می‌کند که مبادا در تصمیم‌گیری‌های خود دشمنان اسلام و بیگانگان را بر مؤمنان

ترجیح دهند و این ندای آسمانی را به مسلمانان ابلاغ می‌کند و می‌فرماید: ﴿يَا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ﴾؛^(۲) «ای اهل ایمان! کافران

را به جای مؤمنان دوست [و تکیه‌گاه] خود قرار ندهید.»

۱. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی

خامنه‌ای علیه السلام در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت

دولت؛ مورخ: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸.

۲. نساء/۱۴۴.

انقلاب اسلامی در جهان صراحت داشت؛ در مورد کسانی که با انقلاب بد بودند، مخالف بودند، دشمن بودند، دو پهلو صحبت نمی‌کرد؛ صریح صحبت می‌کرد، مرزبندی صریح داشت؛ به لبخند دشمن اعتماد نمی‌کرد.

این روش پسندیده برگرفته از آیات شریفه الهی است که می‌فرماید: ﴿لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾^(۲) «خداوند هرگز راهی برای [برتری و تسلط] کافران بر اهل ایمان قرار نداده است.» طبق این آیه شریفه هرگونه تسلط بیگانگان اعم از نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر امور کشورهای اسلامی ممنوع است و یکی از مهم‌ترین وظایف کارگزاران اسلامی، تلاش برای تحقق همین فرمان قرآن است.

اصل ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز که برگرفته از قوانین اسلامی و الهی است، اعلام می‌دارد که: هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است.

ادامه دارد...

در دولت شهید رئیسی که به شدت پای بند به مبانی اسلام و انقلاب اسلامی بود، ارتباطات با جهان معاصر به صورت عزت‌مندانه به شدت تقویت شد.

حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای حفظه الله در این زمینه فرمود:

«یک نقطه برجسته دیگری که در ایشان [مرحوم رئیسی] وجود داشت این است که در سیاست خارجی دو خصوصیت را ایشان با هم و در کنار هم رعایت می‌کرد: یکی تعامل، یکی عزت‌مداری و عزت‌مندی. ایشان اهل تعامل بود. این جا با فلان رئیس جمهور اروپایی گاهی یک ساعت یا یک ساعت و نیم تلفنی صحبت می‌کردند! واقعاً فرض کنید که یک ساعت و نیم مثلاً تلفنی حرف می‌زد. اهل تعامل بود، اما از موضع عزت؛ نه آن‌چنان تند و به اصطلاح دورکننده که [ارتباط] قطع بشود، نه بی خودی امتیاز دادن و دست پایین گرفتن و مانند این‌ها؛ نه، از موضع عزت، اما در عین حال با تعامل.»^(۱)

شهید رئیسی در مرزبندی با دشمنان

۱. بیانات مقام معظم رهبری حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای حفظه الله در دیدار اعضای هیأت دولت سیزدهم؛ مورخ: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷.

۲. نساء/۱۴۱.



پرسش نامه

ماهنامه مبّلمان / شماره ۳۰۵

بسیاری از مراکز و نهادهای فرهنگی و تبلیغی به صورت انبوه، ماهنامه «مبّلمان» را خریداری کرده و در اختیار مبّلمان تحت پوشش خود قرار می دهند؛ از آن جا که برخی از این مراکز، مایل به برگزاری آزمون از محتوای نشریه برای نیروهای خود بوده و بعضی نیز به ابتکار خود، اقداماتی را انجام داده اند، بر آن شدیم تا جهت یاری رساندن به مدیران محترم، سؤالاتی را طرح و در اختیار آنان قرار دهیم تا پس از پاسخ دهی توسط نیروهای تحت امر نهاد، زمینه تشویق و ارتقاء علمی مبّلمان گرامی را فراهم سازیم.

پیشنهادات و انتقادات خود را از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۲۲۵۱۰۰۰۰۷۲ یا صندوق پستی ۳۷۱۸۵ / ۸۶۸ به دفتر ماهنامه مبّلمان، ارسال نمایید.

۱. طبق حدیث نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به نقل از جابر بن عبدالله انصاری مراد از «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» در آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ کیست؟

الف. اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام

ب. مجاهدین فی سبیل الله

ج. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام و پیروانش

د. اصحاب یمین در روز قیامت

۲. کدام یک از گزینه‌های ذیل با فرامین مقام معظم رهبری عَفْفَةُ دربارهٔ حجاب و عفاف با موضوع «کرامت بخشی به زن در پرتو حجاب و عفاف» مرتبط است؟

الف. بی حجابی یا بد حجابی، مقدمهٔ رفع عفت و حیا زن

ب. سست شدن بنیان خانواده، از تبعات جانکاه خودنمایی زن

ج. عفت، وسیلهٔ تعالی و شخصیت زن

د. حجاب، نشانهٔ افتخارآمیز زن ایرانی

۳. طبق تفسیر آیهٔ ﴿حَتَّمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ از امام حسن عسکری علیه السلام، مهر نهادن خداوند متعال بر چشم و گوش و دل افراد گناه‌کار، نشان از چیست؟

الف. خداوند متعال دیگر امیدی به بازگشت آنان ندارد.

ب. تا در جهل خود باقی بمانند.

ج. در قیامت این مهرها معیاری برای سنجش اعمال بندگان باشد.

د. دیگر این افراد قدرت تشخیص حق از باطل را ندارند.

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این عبارت زیر را دربارهٔ چه کسی استفاده کردند:

«أَرَى نُورَ اللَّهِ وَ أَسْمُ رَائِحَةَ اللَّهِ؟»

الف. حضرت حمزه علیه السلام

ب. بلال حبشی

ج. اویس قرنی

د. سلمان فارسی

۵. به چه علت سرمایه‌دارن غربی از «جنبش آزادی زنان» استقبال کرده و شعار «آزادی زن» را بلند اعلام کردند؟

الف. برای ارتقای کرامت زنان

ب. تضعیف مفهوم خانواده در فرهنگ غرب

ج. برخورداری محیط جامعه از لطافت زنانه

د. استفاده از نیروی کار ارزان تر نسبت به مردان

۶. نام سیاست مدار عالم، فرهنگ دوست و شیعه مذهب و آخرین وزیر عباسیان چه بود؟

الف. میرزا محمد تقی خان فراهانی

ب. محمد بن علقمی

ج. امیر مجد الملک

د. علی بن یقطين بن موسی کوفی

۷. از تعبیراتی که در روایات آمده است منظور از «عارفاً بِحَقِّهِ» در زیارت امامزگان چیست؟

الف. احترام ایشان را رعایت کند.

ب. اطاعات ایشان را بر خود واجب می داند.

ج. به نیت مقاصد مادی به زیارتشان نرود.

د. با طهارت بر مزارشان وارد شود.

۸. حکمرانی در خانواده از نظر فیلسوفانی مثل: سقراط، افلاطون و ارسطو با چه عنوانی

مطرح شده است؟

الف. ترسیم عشق

ب. تسامح عائله

ج. تدبیر منزل

د. تحکیم روابط

۹. با توجه به دو صفت «بشیر و نذیر»، مبلغان دینی چگونه باید تبلیغ کنند؟

الف. «حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ، وَ أَمْسِكُوا عَمَّا يُنْكِرُونَ»

ب. «لَيْسَتْ أَدْوَاهُهُمْ مِثْلَاقِ فِطْرَتِهِ، وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ، وَ يَحْتَجُّوْا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ»

ج. «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بَعِيرِ السِّتِّكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْإِحْتِهَادَ وَ الصِّدْقَ وَ الْوَرَعَ»

د. «الْفَقِيهَ كُلُّ الْفَقِيهَةِ مَنْ لَمْ يَقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، وَ لَمْ يُؤْيِسْهُمْ مِنْ رُوحِ اللَّهِ، وَ لَمْ

يُؤْمِنُهُمْ مِنْ مَكْرِ اللَّهِ»

۱۰. آیه کریمه ﴿إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ

اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ﴾ به کدام یک از وقایع تاریخی در زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ارتباط دارد؟

الف. ليله المبيت

ب. شعب أبي طالب

ج. جنگ أحد

د. شب معراج

۱۱. کدام یک از گزینه‌های ذیل علت نام‌گذاری شیعه به مذهب جعفری نیست؟

- الف. جعفر از جهت لغت به معنای نهر و رودخانه است، جریان داشتن و طراوت نهر باعث شده تا شیعیان را به این اسم تشبیه کنند.
- ب. بنابراین روایت طولانی امام صادق علیه السلام به زید بن شحام اوصاف شیعیان را بیان می‌فرماید که در آن روایت حضرت سه مرتبه بر کلمه جعفری و جعفر تصریح فرموده‌اند.
- ج. تعداد بالای روایات و شاگردان امام صادق علیه السلام و نشر معارف شیعه از طریق شاگردان امام جعفر صادق علیه السلام موجب شد تا به این نام معروف شود.
- د. به علت مناظرات امام صادق علیه السلام با دانشمندان مختلف سبب شهرت حضرت و معروف شدن شیعه به نام ایشان شد.

۱۲. روایت: «الْتَّفُوشُ أَشْكَالٌ، فَمَا تَشَاكَلْ مِنْهَا، اتَّفَقَ وَالنَّاسُ إِلَى أَشْكَالِهِمْ أَمِيلٌ» به کدام یک از اصول ازدواج اشاره دارد؟

- الف. اصل پاکدامنی
- ب. اصل همسانی
- ج. اصل صداقت
- د. اصل آسان‌گیری

۱۳. جای خالی را با گزینه مناسب پر نماید: «مذهب جعفری همان اسلام واقعی است که در برابر سایر فرق اسلامی، نام شیعه را به خود گرفته است و در واقع خود مؤسس و نام‌گذارنده آن بوده‌اند»؟

- الف. حضرت زهرا علیها السلام
- ب. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
- ج. امام صادق علیه السلام
- د. امام علی علیه السلام

۱۴. عبارت «...إِنِّي أَنشَأْتُ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ...» فراز کدام یک از گزینه‌های ذیل می‌باشد؟

- الف. دعای خمس عشر
- ب. دعای ابو حمزه ثمالی
- ج. حدیث شریف کساء
- د. دعای أم داوود

۱۵. مقام معظم رهبری عظمتهم در اولین دیدار دولت چهاردهم، شهید آیه الله رئیس‌الشیخه را به مثابه کدام سیاستمدار در طول تاریخ یاد کردند؟

الف. شهید رجائی

ب. شهید بهشتی

ج. شهید باهنر

د. امیرکبیر

۱۶. این روایت از کیست؟

«مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي، كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي وَكُنْتُ لَهُ شَهِيداً وَشَافِعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

الف. امام حسین علیه السلام

ب. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ج. امام علی علیه السلام

د. امام صادق علیه السلام

۱۷. امامان معصوم علیهم السلام شایسته ترین مترجمان قرآن و برترین مفسران آیات وحی به شمار می روند، کدام یک از آیات ذیل به تبیین و تفسیر قرآن توسط ائمه معصومین علیهم السلام اشاره دارد؟

الف. «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ»

ب. «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

ج. «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»

د. «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ...»

۱۸. نویسنده محترم مقاله «شهید رئیس‌الشیخه، سیاستمدار تراز» کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام «عَظُمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ، فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ» را با کدام یک از صفات بارز شهید آیه الله رئیس‌الشیخه، مورد بررسی قرار دادند؟

الف. تحمل زخم زبان ها را داشتند.

ب. پی گیری حل مشکلات اقتصادی مردم شدند.

ج. دل داده خدا و محبت اهل بیت علیهم السلام بودند.

د. شجاعت در فساد ستیزی و عدالت مداری داشتند.

۱۹. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با چه روشی «بریده بن حصیب» را به اسلام جذب کردند؟

- الف. با زیبایی آیات قرآن و دارا بودن معنای عمیق مسلمان شد.
- ب. همسرش موجب بیدار او نسبت به مقام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شد.
- ج. فال خوب و امید دهنده زدند.
- د. پسر او را شفاء دادند.

۲۰. طبق کلام امام عسکری عَلَيْهِ السَّلَام، عذاب اهل باطل دو نوع است: در آخرت برای و در دنیا برای

- الف. رفتارشان - اظهار عقایدشان
- ب. مجازات - بیداری
- ج. رفتارشان - بیداری
- د. مجازات - اظهار عقیدشان

۲۱. جای خالی را با گزینه مناسب پر نمایید: «مقام معظم رهبری عِنْفَةَ می فرمایند: اسلام برای زن حجاب را معین کرده است. خود این حجاب، یکی از وسایل است»؟

- الف. امنیت
- ب. عزت
- ج. آرامش
- د. آزادی

۲۲. طبق روایت «جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهَا»، کلید پلیدی ها چیست؟

- الف. نماز را ترک کردن.
- ب. عاق والدین شدن.
- ج. غیبت کردن.
- د. دورغ گفتن

۲۳. این عبارت از کیست: «وَاللَّهِ لَوُتَّظَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَى قِتَالِي لَمَا وَلَّيْتُ عَنْهَا»؟

- الف. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
- ب. امام علی عَلَيْهِ السَّلَام
- ج. امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام
- د. امام زمان عِنْفَةَ

۲۴. به نقل از شیخ مفید و سید بن طاووس رحمتهما اللہ در رعایت آداب زیارت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ از راه دور بعد از خواندن چهار رکعت نماز زیارت چه دعایی باید خوانده شود؟

- الف. «اللَّهُمَّ اجْعَلْ جَوَامِعَ صَلَوَاتِكَ وَ نَوَامِي بَرَكَاتِكَ ...»
 ب. «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ لِتَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤَكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ ...»
 ج. «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ وَ ...»
 د. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُبَلِّغًا عَنِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّرَاحُ الْمُنِيرُ ...»
 ۲۵. «اُمُّ مَعْبُدٍ» که بود؟

- الف. فردی تهیدست، در زمانی که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ به غار پناه بردند و مجبور بودند چند وقتی را در غار باشند، اُمُّ مَعْبُدِ کسی بود که بر پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ غذا می بردند.
 ب. بادیه نشینی ثروتمند که در هنگام مهاجرت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و یارانش به خانه ایشان رفتند و پذیرایی شدند و پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ در آن خانه پسر مریضش را شفا دادند.
 ج. بادیه نشینی تهیدست که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ در هنگام مهاجرت به خانه ایشان رفت و بر اثر معجزاتی اصحاب پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ در آن خانه پذیرایی شدند.
 د. فردی ثروتمند که در هنگام مهاجرت تمامی اموال خودش در مکه را رها کرده و با پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ به مدینه مهاجرت کرد.

۲۶. علّت بوی خوش حضرت زهرا علیہا السلام بر طبق روایات چه بود؟

- الف. اثرات و برکات کثرت عبادت معبود
 ب. هم نشینی حضرت زهرا علیہا السلام از کودکی با فرشتگان الهی
 ج. اثرات میوه‌ای که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ در بهشت میل کردند
 د. استجاب دعای حضرت خدیجه علیہا السلام در حق ایشان

۲۷. دولت چهاردهم بر روی کدام یک از عبارات تأکید داشتند؟

- الف. سیاست نگاه به شرق
 ب. وفاق ملی
 ج. فقر زدایی
 د. هر سه مورد

۲۸. کدام یک از فرماندهان زیر جزء رهبران حماس نبود؟

- الف. صبحی طفیلی
 ب. شیخ احمد یاسین
 ج. اسماعیل هنیه
 د. عبدالعزیز رنتیسی

۲۹. آیا غیرت داشتن برای بانوان به مانند آقایان مطلوب است؟

الف. خیر؛ طبق روایت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ «غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ وَغَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيْمَانٌ» غیرت زنان مساوی با کفر است.

ب. آری؛ غیرت بانوان مطلقاً به مانند آقایان مطلوب است و روایتی که مساوی با کفر می‌داند از حیث سند ضعیف است.

ج. خیر؛ زیرا زنان هیچ‌گاه به درک غیرت ناموس در مردان نزدیک هم نمی‌شوند، و بیشتر به مفهوم حسادت نزدیک است.

د. تفکیک: اگر به افراط و تفریط کشیده شود مطلوب نیست؛ به مانند جای که حلال خدا را حرام کند مثل مخالفت با ازدواج دوم همسرش، اما درجای که مراقب باشد تا درزندگی بی‌مبالاتی صورت نگیرد مطلوب است.

۳۰. با توجه به رفتار و گفتار پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یکی از مهم‌ترین لوازم هجرت چیست؟

الف. داشتن منابع مالی کافی

ب. جدایی از تعلقات مادی

ج. پیش‌بینی و تحمل خطرات

د. حفظ ارتباطات خانوادگی

پاسخ‌نامه ماهنامه «مبلغان» شماره ۳۰۵

سؤالات										پاسخ‌ها
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
										الف
										ب
										ج
										د
۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	الف
										ب
										ج
										د
۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	الف
										ب
										ج
										د

شرایط پذیرش مقاله در ماهنامه «مبلغان»

الف. شرایط مربوط به متن مقاله

۱. وجود نوآوری در محتوای نوشتار (داشتن تحلیل و ایده نو)؛
۲. اتقان و انسجام متن (عدم به هم ریختگی)؛
۳. استفاده از منابع معتبر، دست اول و متعدد؛
۴. رعایت امانت در نقل و پرهیز از انتحال و سرقت علمی؛
۵. کاربردی بودن موضوع و محتوا؛
۶. صبغه دینی داشتن مطالب و استفاده از آیات قرآن، روایات معصومان علیهم السلام و تاریخ اسلام؛
۷. توجه به سطح علمی مخاطبان (مخاطبان «مبلغان» عموماً طلاب سطح ۲ به بالا هستند)؛
۸. نگارش روان و گویا، رعایت نثر معیار و علائم نگارشی و برخورداری از وحدت قلمی؛
۹. استناد و ارجاع دهی علمی و وحدت رویه در پاورقی‌ها؛
۱۰. پرهیز از توضیح غیر ضروری، لفظ‌پردازی و قلم‌فرسایی؛
۱۱. اعراب گذاری صحیح آیات، روایات و متون عربی؛
۱۲. ترجمه و تبیین آیات قرآن کریم و روایات به صورت صحیح و مستدل؛
۱۳. برخورداری از پیوست منابع و مآخذ برای مطالعه بیشتر در متن نوشتار؛
۱۴. درج جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مناسب در انتهای نوشتار؛
۱۵. پیوند و ارتباط دادن مطالب مقاله به مسائل روز و رویدادهای تبلیغی.

ب. شرایط مربوط به شیوه نگارش

۱. تنظیم متن بر اساس شیوه ویرایش «جدا نویسی»؛
۲. درج مستندات مطالب در پاورقی (پانوش) و تکمیل آن به شکل زیر:
 - ارجاعات به کتاب: نام کتاب، نام نویسنده، نام مترجم یا مصحح، ناشر، محل نشر، نوبت چاپ، سال چاپ، جلد و صفحه.
 - ارجاعات به مقاله: نام مقاله در بین «(گیومه باز و گیومه بسته)»، نام نویسنده، نام نشریه، سال انتشار، شماره نشریه و صفحه.
۳. درج خلاصه در ابتدای مقالاتی که در دو یا چند شماره تدوین می‌شوند؛
۴. درج وضعیت و جایگاه علمی نویسنده در ابتدای مقاله (رزومه علمی نویسنده).

ج. سایر شرایط مقاله

۱. عدم چاپ و انتشار مقاله ارسالی در دیگر نشریات حوزوی و غیرحوزوی و یا پایگاه‌های اینترنتی؛
۲. عدم چاپ و انتشار موضوع و محتوای مقاله ارسالی در شماره‌های گذشته ماهنامه «مبلغان»؛
۳. توجه به موضوعات و مسائل روز و کاربردی بودن مقاله (قابل استفاده بودن برای مبلغان دینی)؛
۴. تنظیم و ارائه مقاله به صورت تایپی و در قالب فایل WORD؛
۵. درج شماره تماس نویسنده در ابتدای مقاله.

نمایندگی‌های فروش ماهنامه «مبلغان» در سراسر کشور

۱. چهار محال و بختیاری، شهرکرد، بلوار طالقانی، میدان ابوریحان، مرکز مدیریت حوزه عملیه برادران، معاونت تبلیغ و امور فرهنگی.
۲. اصفهان، خیابان حافظ، مرکز مدیریت حوزه علمیه اصفهان، کتاب فروشی عترت.
۳. خراسان جنوبی، بیرجند، خ شهید مطهری، مطهری ۸، پلاک ۷، حوزه علمیه سفیران.
۴. قزوین، خ شهید بابایی، کوچه پست (شهید اخوان یوسفی)، ک مروراید، مرکز مدیریت حوزه.
۵. خراسان رضوی، مشهد، چهار راه خسروی، خ شهید رجائی، دفتر تبلیغات اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. سیستان و بلوچستان، زاهدان، خیابان شریعتی ۲۱، حوزه علمیه مکتب نرجس ع.ا.س..
۷. فارس، شیراز، خیابان لطفعلی خان زند، درب شیخ، مدرسه علمیه قوام.
۸. قم، خیابان ارم، میدان شهداء، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب.
۹. قم، زنبیل آباد، خیابان فجر، خیابان دانش، مجتمع آموزشی - پژوهشی تبلیغ، «کتابفروشی» و «آموزش غیر حضوری».
۱۰. قم، میدان آستانه، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، درب ورودی مدرسه دارالشفاء، انتشارات مرکز مدیریت حوزه.
۱۱. یزد، خیابان قیام، مسجد ملا اسماعیل، حوزه سفیران هدایت.
۱۲. گلستان، گرگان، افسران، نبش افسران ۴، مدیریت حوزه‌های علمیه استان گلستان، معاونت تبلیغ و امور فرهنگی

ماهنامه «مبلغان» تنها نشریه تبلیغی حوزه‌های علمیه

در سراسر کشور نمایندگی فروش می‌پذیرد

قابل توجه مجموعه‌های فرهنگی و تبلیغی و حوزه‌های علمیه در سراسر کشور

جهت ایجاد نمایندگی فروش محصولات فرهنگی - تبلیغی معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه به ویژه ماهنامه «مبلغان» با شماره (داخلی ۴۶۳) ۳۷۲۵۵۸۹۰ (۰۲۵) تماس گرفته و یا درخواست خود را به آدرس ماهنامه مبلغان ارسال نمایید.

قابل توجه مبلغان، فضلاء و محققان ارجمند

برای پیوستن به جمع مشترکان ماهنامه «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. واریز حق اشتراک، به شماره حساب ۱۵۶۳۵۱۲۱۷۹ نزد بانک تجارت، شعبه ۱۵۶۳۰ (مدرسه فیضیه قم)، به نام آقایان حسین ملانوری و محمدعلی قربانی (مجله مبلغان).

مبلغ اشتراک برای یک سال (۱۲ شماره) ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال و برای شش ماه (۶ شماره) ۶/۰۰۰/۰۰۰ ریال می باشد. در صورت بالا رفتن قیمت مجله، ارسال آن بر مبنای قیمت جدید خواهد بود.

۲. تکمیل برگه درخواست اشتراک (پشت همین برگه).

۳. ارسال برگه اشتراک همراه با فیش بانکی مربوطه به دفتر مجله از طریق صندوق پستی یا نامبر (صندوق پستی: ۸۶۸/۳۷۱۸۵؛ نامبر: ۳۷۲۵۸۵۶ - ۲۵)

توجه

برای پیوستن به جمع مشترکان ماهنامه «مبلغان» توجه به نکات ذیل ضروری است:

۱. هزینه ارسال به صورت «عادی» بر عهده مجله می باشد؛ اما هزینه استفاده از سایر خدمات پستی (سفارشی یا پیشتاز) بر عهده خریدار است (مبلغ ۵۳/۰۰۰ ریال بابت ارسال سفارشی و مبلغ ۷۸/۰۰۰ ریال بابت ارسال پیشتاز به حق اشتراک هر شماره اضافه می گردد).

۲. جهت اطلاع بیشتر با ما تماس بگیرید. تلفن: ۰۲۵.۳۲۱۳۵۴۵۴

اشتراک، بهترین راه دسترسی به ماهنامه «مبلغان» است.



نشانی فرستنده:

استان: شهرستان:
شهر: شهرک/روستا/منطقه:
خیابان: کوچه: پلاک:
تلفن (ثابت): کد: تلفن همراه:
کد پستی: صندوق پستی:
اینجانب: مبلغ: ریال
طی فیش بانکی به شماره: از طریق بانک:
شعبه: دارای کد: در تاریخ:
برای دریافت ماهنامه «مبلغان» از شماره: به تعداد: نسخه ارسال داشتم.

از این قسمت تا بنزید



پست جواب قبول

نیاز به الصاق
تمبر ندارد

هزینه پستی بر اساس قرارداد ۳۷۱۸۴/۱۹ پرداخت شد.

گیرنده:

قم: صندوق پستی ۸۶۸-۳۷۱۸۵
معاونت تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه
ماهنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی و پژوهشی «مبلغان»

MOBALLEGHAN

NO. 305

September - October ; 2024

تجدید شد

امین سمانی

دومین جشنواره
۱۴۰۳

(خواهران و برادران)

ویژه طلاب و فضلاء حوزه های علمیه



موضوع بخش ویژه

تبلیغ نوین و هوش مصنوعی

هنرهای تجسمی: طراحی، نقاشی، گرافیک، تصویرسازی، خوشنویسی، عکاسی، نگارگری، کاریکاتور، حجمی (هنرهای حجمی و مفهومی) و معماری (اسلامی ایرانی)

هنرهای نمایشی: تهیه کنندگی، کارگردانی، بازیگری، فیلم نامه، نمایش نامه و بازی نامه (در قالب های: مستند، فیلم کوتاه، فیلم بلند، فیلم داستانی، انیمیشن، نماهنگ و کلیپ)

هنرهای آوازی: تواشیح، سرود، صوت و لحن (قرائت) قرآن کریم، مرثیه خوانی، مناجات خوانی، ادعیه خوانی، نغمه و سخنرانی (خطابی، محاوره ای و کلاسی)

آخرین مهلت ارسال آثار ۳۰ آبان ۱۴۰۳

www.honareasemani.ismc.ir

قیمت: ۱۰۰۰/۰۰۰۰ تومان



305 06 1403 37255890

matbuat.tabligh@hemail.com